

موردکاوی تربیتی (۴)

در وصف صفا

موردکاوی مسجد صفا تهران



موردکاوی تربیتی (۴) - در وصف صفا؛
موردکاوی مسجد صفا تهران
کاری از: مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی
تهیه کننده: شعبه مشهد
نویسنده: میثم صداقت زاده

نوبت چاپ: اول
تاریخ چاپ: اردیبهشت ۱۳۹۴
طراحی جلد و صفحه آرایی: محمد طالب زاده و سیدمصطفی شفیعی
ویرایش ادبی: محسن احمدی
آدرس: تهران، تهرانپارس، تقاطع بزرگراه شهید باقری و
رسالت، خیابان شهید صادقی ۱۱۳، پلاک ۱۱۲
تلفن: ۷۷۷۲۱۰۱۹
تارنما: http://tarbiateslami.com
پست الکترونیکی: research@tarbiateslami.com
حق چاپ برای مرکز محفوظ است.

پیشگفتار

مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی به عنوان یک نهاد تربیتی پیشرو، پیش برنده و الگو، بخشی از اتاق فکر تربیت اسلامی کشور است که با رویکرد تولید اندیشه و الگوسازی و با اولویت شجره طیبه صالحین فعالیت می کند و بر آن است تا با جذب افراد متعهد (مؤمن جهادی) و متخصص (دانشگاهی و حوزوی) و توانمندسازی و به‌کارگیری مؤثر ایشان در حوزه های مختلف تربیت اسلامی و ایجاد منظومه ای متشکل از مجموعه های متنوع آموزشی، پژوهشی و الگوسازی، نقش بسزایی را در تحقق آرمان های بلند انقلاب اسلامی ایفا نموده و به بازوی فکری نظام مقدس جمهوری اسلامی در حوزه تربیت نیروی تراز انقلاب اسلامی تبدیل گردد.

پژوهش پیش رو تلاشی است در راستای تحقق اهداف این مرکز، که با همکاری پژوهشگران و صاحب نظران و در راستای نقشه علمی مرکز آماده و تولید شده است، از این رو مدیریت پژوهش و نشر نیز می کوشد تا با پشتیبانی و حمایت از پژوهشگران و فعالان حیطه های مرتبط در مسیر رفع نیازهای پژوهشی و کاربردی انقلابی اسلامی گام بردارد.

مدیریت پژوهش و نشر
مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی

چکیده

یکی از مجموعه‌های موفق در امر تربیت اسلامی، مسجد صفا در تهران است که از سال‌های ابتدایی بعد از انقلاب اسلامی، فعالیت خود را آغاز نموده است. پویایی و بازنگری دائم، دارابودن هویت واحد، دورن‌زا و مستقل بودن و ازدواج‌های درون‌مجموعه‌ای، از ویژگی‌های بارز این مسجد می‌باشند که در پاره‌ای از بخش‌ها، کار این مسجد را غیرقابل تقلید می‌نمایاند؛ اما یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مسجد صفا، این است که متربیان و مربیان این مسجد و به‌ویژه مسئولین عالی‌رتبه آن، تقریباً تمام اوقات خود را در مسجد صرف می‌کنند و کم‌تر با محیط بیرونی در ارتباط‌اند.

هدف کلی مسجد صفا، تربیت مربی است؛ به‌طوری‌که تشکیلات مسجد، به‌صورت دوایر متحدالمرکزی، با محوریت امام جماعت آن، حجت‌الاسلام علوی، به کار جذب و تربیت نیرو می‌پردازند. این فرایند تربیتی، از دوره راهنمایی شروع می‌شود؛ اما انتهای آن بن‌بست نیست؛ بلکه همه اعضای مجموعه، خود را متربی حجت‌الاسلام علوی می‌دانند. برخی از اصول تربیتی مسجد عبارت‌اند از پیروی از روحانیت، مدیریت گروه توسط مربی، ثبات مربی و الگوسازی برای متربیان و... . برای محتوای تربیتی مسجد مذکور، چهار بعد علم، اخلاق، ورزش و سیاست در نظر گرفته‌شده و برای آن برنامه‌ریزی صورت گرفته است.

در روش تربیت مسجد صفا، تکیه ویژه بر آماده‌سازی یک محیط پاک و عاری از آلودگی‌ها برای کار تربیتی است. پس‌ازآن، گروه‌های تربیتی را تشکیل می‌دهند و سعی در ارتباط حداکثری متربی با مسجد دارند. ارتباط فراوان متربیان با مربیان خود، موجب می‌شود آنان را الگوی خود قرار داده به آن‌ها تأسی نمایند؛ بنابراین، یکی از کارهای مهمی که در این مسجد انجام می‌شود، همان الگوسازی

می‌باشد. یکی از برنامه‌های تربیتی این مسجد، تأسیس مدرسه‌ای بوده است که نه‌تنها با مسجد ارتباط تام دارد، بلکه زیر نظر آن اداره می‌شود و برنامه‌های آن تا حدودی با سایر مدارس تفاوت دارد. ازجمله دیگر برنامه‌های مسجد عبارت‌اند از برگزاری هیئت، اردو، تدریس در مدارس، مشاوره، ورزش و... .

شایان ذکر است که برنامه تربیتی مسجد صفا، برای دو گروه خواهران و برادران و در رده‌های سنی متفاوت، اجرا می‌شود.

فهرست

مقدمه ۱۵
روش کار ۱۷
روش نگارش ۱۷
فصل اول: تاریخچه، اهداف و مبانی مجموعه تربیتی مسجد صفا ۱۹
گفتار اول: تاریخچه ۲۰
۱- دوره مقدماتی ۲۰
۲- دورهٔ گذار ۲۱
۳- رویارویی با مشکلات ۲۳
۴- مسافرت خارج از کشور ۲۴
۵- تأسیس واحد خواهران ۲۵
۶- دوره تثبیت و تأسیس مدرسه ۲۵
۷- بازسازی مسجد ۲۶
گفتار دوم: ویژگی‌ها ۲۸
۱- پویایی و بازنگری دائم ۲۸
۲- غیرقابل تقلید بودن ۲۸
۳- هویت واحد داشتن ۲۹
۴- درون‌زا بودن مجموعه و استقلال ۲۹
۵- صمیمیت ۳۰
۶- تأثیر روابط خانوادگی از برنامه‌های مسجد ۳۱
۷- ازدواج درونی ۳۱
۷-۱- سن ازدواج ۳۲
۷-۲- انتخاب همسر ۳۲
گفتار سوم: اهداف ۳۴
گفتار چهارم: ارزش‌های مجموعه ۳۵
۱- دین ۳۵
۲- اخلاص ۳۵
۳- قناعت ۳۶
۴- ولایت ۳۷
۵- حجاب و عفاف ۳۷
۶- احترام به روحانیت ۳۸
۷- احترام به مربی و استاد ۳۸
۸- احترام به پدر و مادر ۳۹
۹- به‌کارگیری نیروها ۳۹

گفتار پنجم: اصول تربیتی ۴۰
۱- پیروی از روحانیت ۴۰
۲- مدیریت مربی ۴۰
۳- ثبات مربی ۴۰
۴- الگوسازی ۴۱
۴-۱- آسیب‌شناسی ۴۲
۴-۱-۱- متوقف شدن در مربی ۴۲
۴-۱-۲- الگوگیری از بدی‌ها ۴۲
۴-۱-۳- تقلید کورکورانه ۴۳
۵- جاذبه و دافعه ۴۴
۶- استفاده از تنبیه و تشویق ۴۴
۷- ایجاد و حفظ هویت جمعی ۴۵
۷-۱- آسیب‌شناسی ۴۶
۸- شفاف‌سازی ۴۷
۸-۱- آسیب‌شناسی ۴۸
۹- ارتباط مربی با متربی ۴۹
۱۰- ارتباط با خانواده‌های متربیان ۴۹
۱۱- حضور دائمی در مسجد ۵۰
۱۲- صمیمیت ۵۰
۱۲-۱- بین متربی و مربی ۵۱
۱۲-۲- بین متربی و حجت‌الاسلام علوی ۵۱
۱۲-۳- بین متربی و متربیان دیگر ۵۲
۱۲-۴- آفت صمیمیت ۵۳
۱۳- کار در مسجد ۵۴
۱۴- جامعیت ۵۴
گفتار ششم: فرآیند تربیتی ۵۵
۱- دوران راهنمایی ۵۵
۲- دوران حضور در گروه نوجوانان ۵۶
۳- دوران حضور در گروه جوانان ۵۷
۴- دوران پس از دانشگاه ۵۸
۵- پایان فرآیند تربیت ۵۹
۶- فرآیند اجمالی ۶۰
۶-۱- نگاه از بیرون ۶۰
۶-۲- نگاه از درون ۶۱
گفتار هفتم: اصول تشکیلاتی ۶۳
۱- محوریت روحانیت و اصل تبعیت ۶۳
۲- شورایی بودن کارها ۶۴
۳- هزینه زندگی مسئولین ۶۴
۴- تعینی بودن مسئولیت‌ها ۶۵
۵- تقسیم‌بندی گروهی ۶۶
۵-۱- روش گذشته ۶۶

۵-۲- روش کنونی ۶۷
۵-۳- تعداد اعضا گروه ۶۸
۵-۴- معیار عضویت در گروهای مختلف ۶۹
۵-۵- استقلال نسبی گروه‌ها ۶۹
۵-۶- وجود فضای لازم برای هر گروه ۷۰
گفتار هشتم: محتوا ۷۲
۱- علم ۷۲
۱-۱- کلاس‌های حوزوی ۷۲
۱-۲- کلاس‌های معرفتی مسجد ۷۳
۱-۲-۱- روش برگزاری کلاس ۷۳
۱-۲-۲- روش تدریس ۷۴
۱-۲-۳- محتوای آموزشی ۷۵
۱-۳- مطالعه ۷۸
۱-۳-۱- روش مطالعه ۷۸
۱-۳-۲- سیر مطالعاتی ۷۸
۱-۳-۳- خواندن یا شنیدن ۷۹
۱-۴- دروس رسمی ۷۹
۲- اخلاق ۸۰
۲-۱- کلاس اخلاق ۸۰
۲-۲- برنامه‌های اخلاقی دیگر ۸۱
۲-۲-۱- مراقبت‌های اخلاقی ۸۱
۲-۲-۲- جلسات هفتگی ۸۱
۳- ورزش ۸۲
۴- سیاست ۸۳
فصل دوم: ابعاد و ساختار مجموعه تربیتی مسجد صفا ۸۵
گفتار اول: روش تربیتی مسجد صفا ۸۶
۱- محیط‌سازی ۸۶
۲- تشکیل گروه ۸۷
۳- حضور حداکثری ۸۷
۳-۱- ریزش لازمه این روش تربیتی ۸۸
۴- نقش مربی ۸۹
۵- ارزیابی و نظارت ۸۹
۶- الگوسازی و ایجاد محبت ۹۰
گفتار دوم: برنامه‌ها ۹۲
۱- تأسیس مدرسه ۹۲
۱-۱- ارتباط برنامه‌های مسجد و مدرسه ۹۲
۲- تدریس در مدارس ۹۳
۳- بیتوته در مسجد ۹۴
۴- مشاوره ۹۶
۵- دوست‌یابی ۹۶

۶- هیئت ۹۷
۶-۱- جلسات عمومی پنجشنبه‌ها ۹۷
۶-۲- هیئت هفتگی ۹۸
۶-۳- مراسمات عمومی ۹۸
۶-۴- هیئت‌های گروهی ۹۸
۷- خدمت به محرومین ۹۸
۸- اجرای گروهی برنامه‌های بزرگ ۹۹
۹- محاسبه روزانه ۱۰۰
۱۰- ورزش ۱۰۰
۱۱- اردو ۱۰۰
۱۱-۱- اهداف و جایگاه ۱۰۱
۱۱-۲- فواید ۱۰۱
۱۱-۲-۱- آشنایی با مربیان دیگر ۱۰۱
۱۱-۲-۲- تقویت روحیه ۱۰۲
۱۱-۲-۳- کاربردی شدن شنیده‌ها ۱۰۲
۱۱-۲-۴- جدا شدن از محیط ۱۰۲
۱۱-۳- انواع ۱۰۳
۱۱-۳-۱- بر اساس شرکت‌کننده ۱۰۳
الف) عمومی ۱۰۳
ب) گروهی ۱۰۳
۱۱-۳-۲- بر اساس زمان ۱۰۳
۱۱-۳-۳- بر اساس موضوع ۱۰۳
الف) تفریحی- ورزشی ۱۰۳
ب) زیارتی ۱۰۴
ج) درسی- علمی ۱۰۴
د) معرفتی ۱۰۵
ه) نظامی ۱۰۵
۱۱-۴- برنامه‌ریزی اردوها ۱۰۵
مشهد ۱۰۶
شیوه برگزاری ۱۰۶
خارج از کشور ۱۰۷
کربلا ۱۰۸
سوریه ۱۰۸
عمره ۱۰۸
اردوی معرفتی ۱۰۹
برنامه‌های اصلی ۱۰۹
برنامه‌های جانبی ۱۰۹
روزنگار ۱۱۰
رجعت ۱۱۰
تفریح ۱۱۱
پاسخ به دو اشکال ۱۱۱

گفتار سوم: امکانات و مسائل مالی ۱۲۲
۱- امکانات ۱۲۲
۲- جذب بودجه ۱۲۳
۲-۱- بانی‌بازی ۱۲۳
۲-۲- جذب بودجه از مسئولین ۱۲۳
۲-۳- کار اقتصادی ۱۲۴
۳- اصول مالی ۱۲۴
گفتار چهارم: ساختار ۱۲۶
۱- هدایت و رهبری ۱۲۶
۱-۱- وظایف ۱۲۷
۱-۲- اعضا ۱۲۷
۲- مرکز راهبردی و کاربردی ۱۲۷
۲-۱- وظایف ۱۲۷
۲-۲- اعضا ۱۲۸
۳- شورای اساسی ۱۲۸
۳-۱- وظایف ۱۲۸
۳-۲- اعضا ۱۲۹
۴- هیئت طرح و برنامه ۱۲۹
۴-۱- وظایف ۱۲۹
۴-۲- اعضا ۱۲۹
۵- هیئت نظارت و اجرا ۱۲۹
۵-۱- وظایف ۱۳۰
۵-۲- اعضا ۱۳۰
۶- شوراهای تخصصی ۱۳۰
۶-۱- وظایف ۱۳۰
۶-۲- اعضا ۱۳۰
۷- کارگروه‌ها ۱۳۱
۷-۱- وظایف ۱۳۱
۷-۲- اعضا ۱۳۱
۸- واحد خواهران ۱۳۳
۸-۱- هدف ۱۳۶
۸-۲- روش تربیتی ۱۳۶
۸-۳- نهادهای تربیتی واحد خواهران ۱۳۷
۸-۳-۱- مسجد ۱۳۷
۸-۳-۲- بسیج ۱۳۸
۸-۳-۳- مدرسه ۱۳۸
الف) مسائل مالی ۱۴۰
ب) ارزیابی ۱۴۰
۸-۳-۴- حوزه علمیه ۱۴۱
الف) برنامه ۱۴۲
۸-۳-۵- مهدکودک ۱۴۲

۸-۴- اصول تربیتی ۱۴۳
الف) جداسازی ۱۴۳
ب) عدم اشتغال ۱۴۳
۸-۵- اصول تشکیلاتی ۱۴۴
الف) تعداد اعضاگروه ۱۴۴
ب) واحدهای کاری ۱۴۵
ج) هر کار دو مسئول ۱۴۵
د) ممنوعیت مسئولیت مجردها ۱۴۵
ه) احتیاط ۱۴۶
و) استفاده از فضای رسمی ۱۴۶
۸-۶- ساختار ۱۴۶
۸-۶-۱- مسئول ۱۴۶
۸-۶-۲- شورا ۱۴۷
۸-۶-۳- مرکز مطالعات ۱۴۸
۸-۷- برنامه‌ها ۱۴۸
۸-۷-۱- برنامه‌های عمومی ۱۴۹
۸-۷-۲- برنامه‌های آموزشی ۱۴۹
۸-۷-۳- برنامه‌های تربیتی ۱۴۹
۸-۷-۴- برنامه‌های مدرسه ۱۴۹
۸-۸- مسائل زنان ۱۵۰
۸-۸-۱- شأن خانوادگی ۱۵۰
۸-۸-۲- حضور در مسجد ۱۵۰
۸-۸-۳- آفات اخلاقی ۱۵۰
۸-۸-۴- پوشش و آرایش ۱۵۱
۸-۸-۵- مسائل عاطفی ۱۵۱
الف) ارتباط با حجت الاسلام علوی ۱۵۱
ب) رفاقت کاذب ۱۵۲
علائم و نشانه‌ها ۱۵۳
راه‌حل ۱۵۳

مقدمه

بسیاری از جوانان دغدغه‌مند و ارزشمدار که در دامن انقلاب اسلامی پرورش‌یافته‌اند، تبلیغ دین و تربیت انسان مؤمن را وظیفه خود می‌دانند. مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها، کانون‌های فرهنگی و هیئات مذهبی لبریز از این جوانان مخلص و متعهد است که همگی با هدف اعتلای دین خدا در وجود افراد و در سطح جامعه به تلاش و کوشش می‌پردازند. در این میان برخی به دلیل استعداد ذاتی بیشتر، آشنایی کامل‌تر با معارف الهی و یا شرایط اجتماعی مساعدتر نسبت به دیگران موفقیت‌های فراوان‌تری را به دست می‌آورند و عده‌ای دیگر پیشرفت چندانی ندارند و گاهی تلاششان با شکست مواجه می‌شود. هرچند کاری که برای خدا باشد شکست در آن معنا ندارد و خداوند به نیت‌های مخلصانه پاداش می‌دهد، ولی رسیدن به هدف «تبلیغ دین» و «تربیت انسان» مقدماتی دارد که اگر مبلغ و مربی با آن آشنا باشد قابل‌دسترسی است. درواقع اگرچه هرگونه اقدام مخلصانه‌ای در راه تکامل انسان و تعالی فرهنگ، نزد خداوند مأجور است ولی خداوند دوست دارد این اقدامات از راه صحیح و به روش درست صورت گیرد تا نتیجه مورد رضای او حاصل شود.

یکی از اشکالاتی که ناکامی در فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی را سبب می‌شود، بی‌توجهی به تجربیات دیگران در این عرصه می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر اغلب فعالان و دلسوزان عرصه فرهنگ عمومی و تربیت انسانی، به مجرد احساس دغدغه از نیازهای فرهنگی از یک‌سو و احساس توان برای اداره یک مجموعه فرهنگی از سوی دیگر اقدام به آغاز فعالیت فرهنگی- تربیتی می‌نمایند.

به نظر می‌رسد اگرچه دغدغه فردی و سوز تبلیغی، شرط لازم یک مبلغ و مربی است ولی این مقدار، برای فعالیت کافی نیست.

چنین شخصی باید با اولیات معارف اسلامی و روش‌های تربیتی آشنا باشد و موانع راه را بشناسد تا به‌جای هدایت انسان‌ها موجب انحراف آنان نشود.

علاوه بر مطالعه کتاب‌ها و بهره بردن از صاحب‌نظران این عرصه، آشنایی با تجربیات دیگران نیز در این راه بسیار کارگشا و سودمند به نظر می‌رسد. ویژگی این روش آن است که این آشنایی از یک‌سو راه‌های مناسب و طی شده را به شخص نشان می‌دهد و از سوی دیگر او را از موانع، تهدیدها و ناکامی‌ها آگاه می‌سازد. درنهایت با مقایسه میان مدل‌های مختلف تربیتی و سنجش آن با مبانی اصیل دینی و همچنین توجه به شرایط و اقتضائات محیطی، می‌توان به بهتر برگزار شدن برنامه‌های فرهنگی، امیدوار بود.

برای آشنایی با تجربیات فرهنگی- تربیتی دیگران، لازم است کارهای موفق و ناموفق در این زمینه به‌صورت مکتوب و مدون وجود داشته باشد تا هرکس در موقع نیاز به آن مراجعه نماید. لازمه این پدیده نیز مستندسازی کارهای مختلف که در قالب‌های گوناگون انجام می‌پذیرد است. بااین‌حال جای تأسف است که علیرغم اهمیت فراوان این موضوع غالباً مجموعه‌های موفق فرهنگی، از این کار غفلت نموده و تنها به انجام مستقیم فعالیت‌های تربیتی و تبلیغی خود می‌پردازند.

به‌هرحال در فضای فرهنگی کشور جای مستندسازی فعالیت‌های فرهنگی، به‌ویژه الگوهای موفق و در رتبه بعد، مجموعه‌های ناموفق خالی به نظر می‌رسد. در چنین فضایی است که این کار یعنی مستندسازی این الگوها، خود به خدمتی بزرگ در عرصه فرهنگ اسلامی تبدیل شده است. درواقع جا دارد دلسوزانی همت خود را به شناخت و معرفی نمونه‌های موفق فرهنگی بگمارند تا بدین‌وسیله بتوانند به بالا بردن سطح این فعالیت‌ها کمک نمایند.

یکی از پرآوازه‌ترین مساجد شهر تهران درزمینهٔ فعالیت‌های تربیتی و فرهنگی، مسجد صفا واقع در منطقه نظام‌آباد این شهر می‌باشد. این مسجد کار خود را از اواخر دوران دفاع مقدس آغاز کرده و اکنون از جهت امکانات، تعداد نیروهای تحت تربیت و

میزان برنامه‌های اجرا شده، کارنامه بسیار موفقی دارد. تجربه‌ای که در بیش از دو دهه تلاش در این مسجد به دست آمده گنجینهٔ ارزشمندی است که توجه به آن موجب برگزاری مناسب‌تر برنامه‌های فرهنگی- تربیتی می‌باشد.

روش کار

مهم‌ترین روش پژوهش برای مستندسازی روش الگوهای موفق تربیتی، استفاده از مصاحبه عمیق و مشاهده مشارکتی است. توفان مغزی و تحلیل محتوای محصولات مجموعه نیز در بسیاری موارد کارگشاست.

در این پژوهش، دو نفر از اعضای مؤسسه فرهنگی سبل‌السلام به مدت شش روز در مسجد حاضر شدند و با استفاده از روش‌های فوق به جمع‌آوری اطلاعات موردنظر پرداختند. سپس با تحلیل محتواهای به‌دست‌آمده، نوشته حاضر مهیا گردید.

روش نگارش

چنانکه گفته شد نوشتار پیش رو، اظهارنظرهای مسئولین مسجد صفا در مورد نظام تربیتی این مسجد است. درنتیجه برای حفظ امانت - جز در موارد استثنایی که البته در پاورقی توضیح داده شده است - نقد و تحلیلی در آن وجود ندارد و آنچه اکنون پیش رو دارید مسجد صفا از دید مسئولین آن است.

در پایان از عزیزانی که در این پژوهش، علیرغم همه محدودیت‌ها ما را یاری نمودند به‌ویژه جناب آقای عابدینی که زحمات فراوانی را متحمل شدند تشکر می‌نماییم و از خداوند متعال هدایت حقیقی همه زحمتکشان و دلسوزان عرصه فرهنگ و تربیت اسلامی را مسألت می‌کنیم.

فصل اول: تاریخچه، اهداف و مبانی مجموعه تربیتی مسجد صفا

گفتار اول: تاریخچه

۱- دوره مقدماتی

مسجد صفا از مساجد قدیمی شهر تهران می‌باشد که در منطقه نظام‌آباد واقع شده است و اکنون به یکی از مساجد فعال تهران تبدیل شده است.

در سال‌های اولیه انقلاب، قبل از امام جماعت کنونی مسجد صفا (حجۀاۀسلام علوی)، «حجۀاۀسلام صدر» امامت مسجد را به عهده داشت. البته ایشان برای فعالیت‌های فرهنگی در مسجد مشکلی ایجاد نمی‌کرد؛ ولی برخی از اعضا هیئت‌امنا، با نگاه سنتی و هیئتی به مسجد نگاه می‌کردند و موجب درگیری‌هایی با اعضا فعال و جوان مسجد در آن سال‌ها شده بودند.

از سال ۱۳۵۹ فعالیت‌های مختصری مانند ورزش صبحگاهی توسط جوانان انقلابی محله نظام‌آباد در مسجد صفای تهران آغاز شد و در سال ۱۳۶۲ بسیج این مسجد رسماً تشکیل گردید. محوریت این کار با دو نفر از فرزندان امام جماعت جدید مسجد (حجۀاۀسلام علوی) به همراه آقایان شارعی و خوانین‌زاده بود.

برای جذب جوانان محل به پایگاه بسیج مسجد در آن زمان، کاغذهای اضافی بانک‌ها را می‌گرفتند و در پشت آن با کلیشه می‌نوشتند: «بسیج مسجد صفا عضو می‌پذیرد». با توجه به فضای انقلابی آن زمان که مصادف با زمان جنگ نیز بود مورد استقبال نسبی جوانان قرار می‌گرفت و ثبت‌نام صورت می‌گرفت.

سال ۶۳ آقای خوانین‌زاده که در آن زمان بیست‌ساله بوده، مسئولیت بسیج را به مدت یکسال به عهده می‌گیرد و اواخر سال ۶۵ نیز به علت کمبود نیرو مجدداً مسئول بسیج می‌شود. در آن سال‌ها سطح کار مسجد رو به افول بود و در سال ۶۶ به‌صورت

بسیار ضعیفی پیش می‌رفت تا اینکه فرزند حجۀاۀسلام علوی که ۱۹ سال سن داشت و به‌تازگی طلبه شده بود وارد مسجد شد. در آن زمان چهار نفر اصلی مسجد عبارت بودند از حجۀاۀسلام علوی (فرزند امام جماعت)، آقای شارعی که ۱۷ سال سن داشت و در کلاس اول دبیرستان مشغول تحصیل بود، آقای کریمی که ایشان هم ۱۷ ساله و محصل سال اول دبیرستان بود و آقای خوانین‌زاده که ۲۳ ساله بود و مدرک دیپلم داشت. شایان‌ذکر است که آقایان شارعی و کریمی، مدرسه را رها نموده و به جبهه رفته بودند.

۲- دورۀ گذار

چنانکه گفته شد از سال ۶۶ به همت چهار نفر از اعضای مسجد کار تربیتی مسجد رسماً شروع شد. ایشان در آن زمان به جبهه می‌رفتند؛ به این صورت که دو نفر از آنان در منطقه بودند و دو نفر دیگر در مسجد فعالیت می‌نمودند و پس از مدتی جای آنان عوض می‌شد. وقتی حجت‌الاسلام علوی دچار مجروحیت و موج گرفتگی شد، مجبور شد در مسجد بماند و به‌این‌ترتیب، کار فرهنگی مستمر را آغاز کرد. اولین کار رسمی این گروه، برگزاری کلاس تقویتی شیمی، برای دانش‌آموزان تجدیدی این درس، در مسجد بود. پس از قبول آتش‌بس و پایان یافتن جنگ تحمیلی حجۀاۀسلام علوی در مسجد، به تدریس شیمی برای دانش‌آموزان تجدیدی پرداخت. این دانش‌آموزان که تعدادشان ده نفر بود، اولین گروهی بودند که به‌عنوان متربی مسجد صفا وارد شدند و «صفا ۱» نام گرفتند. البته در طول زمان حدود ۵ نفر از آنان به‌تدریج رفتند ولی حدود ۵ نفر هنوز جزء فعالان مسجد می‌باشند. کلاس‌های تربیتی مسجد صفا در دوره اول یا کلاس‌های معارف اسلامی با مربی‌گری حجت‌الاسلام علوی آغاز شد و هنوز ادامه دارد.

اولین اردوی مسجد در نوروز سال ۱۳۶۷ با حضور گروه صفا ۱ برگزار شد. این اردو ۱۹ نفر شرکت‌کننده داشت و ازآن‌پس نیز تاکنون هرساله برگزار می‌شود. البته جمعیت شرکت‌کنندگان در

این اردو به‌تدریج بیشتر شده تا جایی که اردوی پیش از نوروز ۱۳۸۹ با حضور حدود ۶۰۰ نفر برگزار شد.

ما از آبان ماه سال ۶۶ تصمیم گرفتیم برنامه قرائت زیارت عاشورا را در قالب هیئت هفتگی در روز جمعه برگزار کنیم. به دلیل اینکه فضای مسجد برای برگزاری مراسمی با حضور ۱۶-۱۵ نفر بسیار بزرگ بود و از طرفی غیر از آقای خوانین‌زاده بقیه مجرد بودند. به همین خاطر این هیئت هر هفته در منزل ایشان برگزار می‌شد.

با رشد جمعیت شرکت‌کنندگان در هیئت در سال ۱۳۷۳، یک طبقه دیگر روی خانه آقای خوانین‌زاده توسط اعضا مسجد ساخته شد تا پاسخگوی برگزاری مراسم باشد و به‌تدریج در منازل دیگر نیز به‌صورت سیار برگزار می‌شد. جمعیت کمتر از ۲۰ نفر آن روز امروز حدود ۲۰۰ نفر شده است و به دلیل کمبود مکان این هیئت در مسجد برگزار می‌شود.

یکی از جلسات مهم و دائمی مجموعه که در همان اوایل تأسیس و کار خود را آغاز کرد جلسات شب جمعه آقای علوی بود که با پرسش و پاسخ شروع شد. این جلسات امروزه تبدیل به کلاس شده و با سخنرانی ایشان اداره می‌شود و موضوعات متنوع دارد. به‌عنوان‌مثال، سالی که توسط مقام معظم رهبری، سال امام خمینیرحمه الله نام‌گذاری شده بود، موضوع سخنرانی ایشان شرح کتاب چهل حدیث حضرت امام بود، سال امیرالمؤمنینعلیه السلام، نهج‌البلاغه و سال امام حسینعلیه السلام، شرح زیارت عاشورا بیان شد.

حدود دو یا سه سال بعد از تشکیل گروه صفا ۱، گروه دوم به طریق دیگری جذب شدند که البته جذب موفقی نبود. برای جذب این دوره خود آقای علوی اقدام نکرد و این مرحله به‌طور کامل انجام نگرفت؛ بلکه به‌صورت پراکنده به وجود آمد و به همین دلیل پس از مدتی از هم پاشید.

۳- رویارویی با مشکلات

حدود سال ۱۳۷۱ گروه صفا ۳ توسط آقای علوی که در آن زمان یک طلبه ۲۲ ساله بود، جذب شدند. جذب این گروه از طریق تدریس درس شیمی به‌وسیله ایشان در دبیرستان باهنر صورت گرفت. بیان درس شیمی با لباس روحانیت در ابتدا موانعی را از سوی مدرسه برای ایشان به وجود آورد که به‌تدریج و به دلیل استقبال خوب دانش‌آموزان از کلاس منتفی شد. به‌این‌ترتیب حدود ۷۰ نفر از مدرسه جذب شدند و به مسجد راه پیدا کردند. پس‌ازآن، به دلیل برخی حساسیت‌ها و اختلافات، آقای علوی از مدرسه خارج شد و کار را در مسجد ادامه داد. مربی مستقیم این گروه خود آقای علوی بود و امروز حدود ۳۰-۲۰ نفر هنوز در مسجد فعالیت می‌کنند. در همان سال‌های ۷۳-۷۲ حساسیت‌هایی در محله نظام‌آباد که از جهت فرهنگی در سطح چندان بالایی قرار ندارد پیش آمد و به دلیل عدم اعتبار زیاد مسجد در آن دوره، خانواده‌ها نسبت به این روش اعتراض‌هایی داشتند که چرا فرزندان آن‌ها در مسجد می‌مانند و... . این مسائل سبب شد که در گروه صفا ۳ میزان ریزش خیلی زیاد باشد. از دیگر عوامل ریزش زیاد گروه صفا ۳ درگیری مدیر مدرسه با آقای علوی بود. البته این اختلاف در سطح آموزش‌وپرورش پیگیری شد و معلوم شد که حق با آقای علوی است ولی به‌هرحال خانواده‌ها تحت تأثیر مدرسه بودند و ریزش شدید آن دوره را دامن زدند. این در حالی بود که تعدادی در مسجد ماندند و ایستادگی نمودند؛ تا حدی که بعضاً با خانواده‌های خود اختلاف پیدا کرده بودند و حقیقتاً برای ادامه مسیر تربیتی خود مقاومت نمودند. هرچند پس از مدتی برای خانواده‌ها حقیقت آشکار شد.

حدود سه یا چهار سال تربیت صفا ۳ تحت نظارت مستقیم آقای علوی به طول انجامید. دراین‌بین برخی از متربیان مسجد از صفا ۱ تا صفا ۳ شروع به معرفی برادران و آشنایان خود کردند که موجب پدید آمدن صفا ۴ شد و البته این دوره نیز موفقیت چندانی کسب نکرد. به‌طوری‌که از مجموع ۱۵ نفری که کار را شروع کردند امروزه بیش از ۲ یا ۳ نفر باقی نمانده‌اند.

به‌تدریج متربیان این دوره‌ها وارد مدارس شدند و در قالب مربی تربیتی مدارس شروع به جذب متربی نمودند و صفا ۵ بدین ترتیب تشکیل شد. تربیت گروه صفا ۵ به عهده گروه صفا ۳ بود که خود آنان به‌صورت مستقیم تحت تربیت آقای علوی قرار داشتند. جذب صفا ۵ در سال ۷۷ اتفاق افتاد که از مدارس راهنمایی صورت گرفت. تعداد اعضای صفا ۵ حدود ۵۰-۴۰ نفر بود و از جهت محلی نیز منحصر به منطقه نظام‌آباد نبود. تعدادی از آنان از مدرسه پاکزاد که اطراف مصلا تهران در خیابان خرمشهر بود جذب شدند. از این تعداد حدود ۲۰ نفر فعال باقی مانده است.

بعد از گذشت دو سال از جذب صفا ۵، گروه ششم راه افتاد که آن هم طیف وسیعی را در بر می‌گرفت. پس از چند سال به دلیل ریزشی که اتفاق افتاد، این دو گروه با هم تلفیق شدند و گروه صفا ۵ و ۶ را تشکیل دادند. این باعث شد که در میان این گروه اختلاف سنی نسبتاً زیادی وجود داشته باشد.

۴- مسافرت خارج از کشور

یکی دیگر از تحولاتی که در تاریخ مسجد صفا اتفاق افتاد، برگزاری اردوهای خارج از کشور بود. اولین اردو از این سری سفرها، مسافرت به کشور سوریه بود که با شرکت گروه صفا ۳ آغاز شد. حجت‌الاسلام علوی به این گروه قول داده بود که اگر موفق به کسب لیسانس شوند آنان را به‌صورت رایگان به کشور سوریه می‌برد. پس از موفقیت تحصیلی گروه صفا ۳، در لیسانس، به‌صورت قرض از هر یک از اعضا مبلغ ۲۰۰ هزار تومان جمع‌آوری کردیم و با آن پول یک مینی‌بوس خریدیم. با همان مینی‌بوس، اردو را برگزار کردیم و مقداری هم کالا به کشور آوردیم. از محل فروش آن کالاها و این مینی‌بوس هزینه شرکت‌کنندگان عودت داده شد. ازآن‌پس این اردو به‌صورت سالانه برگزار شد و به‌صورت منظم همه گروه‌ها پس از پایان یافتن سال سوم دبیرستان به سوریه می‌روند.

۵- تأسیس واحد خواهران

یکی از دلایلی که گروه‌های صفا ۱ و صفا ۲ به‌صورت کامل نتوانست به کار خود ادامه دهد رسیدن به سن ازدواج بود و اعضا نمی‌توانستند پس از ازدواج به‌طور کامل در مجموعه حاضر باشند. به همین دلیل اندیشه تأسیس واحد خواهران باهدف حفظ متربیان در دوران پس از ازدواج و رشد معنوی دختران شکل گرفت. در آن زمان حجت‌الاسلام علوی در دانشکده پرستاری تدریس داشت. دانشجویان این کلاس عبارت بودند از یک پسر و پنجاه‌ونه دختر! استقبال زیاد دانشجویان از این کلاس سبب فراهم شدن شرایط، جهت جذب آنان به مسجد و تشکیل هستهٔ اولیه واحد خواهران بود. همزمان ایشان کتاب رساله لقاءالله را در خوابگاه کوی دانشگاه نیز تدریس می‌کرد و برخی از آنان نیز جذب مسجد می‌شدند. درمجموع با حدود ۶ نفر از این دانشجویان دختر، واحد خواهران مسجد تأسیس شد. این تعداد به‌تدریج با اعضا همین مجموعه ازدواج کردند. برای اول کار برخی از اعضا واحد برادران نیز، خواهران خود را به این تعداد اضافه کردند.

آقای علوی در دوره اول وقت گسترده‌ای برای تربیت آنان گذاشت تا جایی که حلقه اولیه واحد خواهران نسبت به همه اصول مجموعه توجیه شدند. این مسئله باعث شد که در دوره‌های بعدی مشکلات اساسی برای ادامه کار خواهران در مجموعه ایجاد نشود. البته این بدان معنا نیست که تطورات بخش خواهران مجموعه هیچ‌گونه پیچیدگی نداشته است. در بخشی که به واحد خواهران اختصاص دارد، به سیری اجمالی از تاریخچه این قسمت اشاره خواهیم کرد.

۶- دوره تثبیت و تأسیس مدرسه

سال ۱۳۸۱ گروه صفا ۳ گروه بعدی را راه‌اندازی کرد که همان صفا ۷ بود. ازآن‌پس مجموعه به این قابلیت رسیده بود که هرساله جذب داشته باشند و همین کار دنبال شد. نکته قابل‌ذکر این است که وقتی گفته می‌شود سال ۱۳۸۱ گروه صفا ۷ راه‌اندازی شد به این

معناست که سه سال قبل در مدرسه راهنمایی مرحله جذب صورت گرفته بود و از این سال این گروه دبیرستانی شده و رسماً عضو برنامه تربیتی مسجد شدند.

گروه‌های مختلفی که در سال‌های اولیه جذب مسجد می‌شدند هرکدام دو یا سه سال با گروه دیگر فاصله داشتند تا اینکه در سال ۱۳۸۲ دبیرستان «اندیشه صفا» تأسیس شد و لذا از صفا ۷ به بعد هرساله جذب صورت گرفت و هر گروهی با گروه دیگر یک سال اختلاف دارند.

در همان سال گروه صفا ۳ که به عضویت در شورای مجموعه در آمده بودند، تصمیم گرفتند مدرسه‌ای را راه‌اندازی کنند و لذا از سال ۱۳۸۲ دبیرستان اندیشه صفا (غیرانتفاعی) تأسیس شد. با این کار همهٔ گروه صفا ۷ به این مدرسه راه یافتند و اعضای کادر مسجد نیز در آنجا به‌عنوان کادر مدرسه مشغول شدند.

گروه صفا ۸ نیز در همان سال شکل گرفت و ازآن‌پس تاکنون هرساله گروه جدیدی که در راهنمایی توسط مربیان پرورشی مدارس که عضو مسجد هستند جذب‌شده‌اند، در مدرسه اندیشه صفا ثبت‌نام می‌کنند و رسماً تحت عنوان یک گروه عضو مسجد می‌شوند.

از جهت مالی تأسیس مدرسه با دست خالی صورت گرفت و حتی خرید ساختمان مدرسه به‌صورت چک و اخذ وام انجام شد. برای بازپرداخت وام تا ۵ سال هیچ‌یک از کارکنان مدرسه حقوقی دریافت نکردند. تقریباً همین تجربه در مورد ساخت مسجد نیز انجام شد.

۷- بازسازی مسجد

برای تشکیل گروه‌های تربیتی نیاز به مکان و فضای باز تربیتی وجود دارد. تا دوره صفا ۵ و ۶ مسجد برای هر گروه اتاق داشت ولی از دوره صفا ۷ به دلیل کمبود فضا، کار بازسازی مسجد آغاز شد. این کار تقریباً از سال ۷۹ شروع شد و هنوز تمام نشده است. هرچند سالن‌های گروه‌ها آماده گردیده ولی شبستان مسجد

همچنان ناتمام است. کار ساخت مسجد توسط خود متربیان و اعضای مجموعه صورت گرفت. به این صورت که علاوه بر چهار طبقه‌ای که بنا شد، دوطبقه هم زیرزمین ساخته شد. ویژگی این بازسازی آن است که ساختمان شبستان مسجد تغییر نکرد و همان بافت سنتی خود را دارد. ما ستون‌های خشتی را تخریب کردیم و به‌جای آن تیرآهن‌هایی با همان قطر قرار دادیم. این در حالی بود که سقف‌های گنبدی شکل شبستان در طول مدت بنایی و حتی درزمانی که ستون‌ها را برداشتیم و تعویض نمودیم، در جای خود باقی ماند.

در سال ۱۳۷۹ که کار ساخت مسجد شروع شد هزینه کار این‌گونه برآورد شده بود که به‌شرط اینکه در همان سال کار انجام شود ۴۰۰ میلیون تومان مورد نیاز است. البته هنوز کار به‌طورکامل پایان نیافته و بیش از یک میلیارد تومان خرج شده است. در زمان شروع ساخت مسجد تنها ۵۰۰ هزار تومان موجودی در مسجد وجود داشت ولی به‌هرحال کار توسط خود اعضای مسجد آغاز شد. کارگری و معماری و دیگر کارهای مسجد توسط خود بچه‌ها انجام شد.

گفتار دوم: ویژگی‌ها

تاکنون آشنایی اندکی نسبت به این مجموعه حاصل شده است. برای این‌که قدری بیشتر با شرایط حاکم بر آن ارتباط برقرار کنیم اطلاع از برخی ویژگی‌های آن سودمند است. آنچه به‌عنوان برخی از ویژگی‌های مجموعه که لزوماً ویژگی منحصربه‌فرد آنان هم نیست، در زیر بیان گردیده است.

۱- پویایی و بازنگری دائم

همه برنامه‌ها و سیاست‌های مجموعه به‌مرورزمان در زیر ذره‌بین اعضا و مدیران قرار دارد و به‌تدریج به اصلاح مشکلات و تصمیمات جدید می‌پردازیم. ابایی هم نداریم که اشکالات را بپذیریم و رفع نماییم.

۲- غیرقابل تقلید بودن

شیوه کاری که ما در این مجموعه انجام می‌دهیم، متعلق به مسجد صفا با شرایط منطقه‌ای خاص خود است. اگر هم بخواهد تکثیر شود باید با روش میتوز این کار صورت بگیرد؛ یعنی همین مسجد گسترش یابد و به‌تدریج یک بخش از آن جدا شود. روش دیگر این تکثیر روش ویروسی است که یک نفر از مجموعه وارد مجموعه‌های دیگر می‌شوند و به‌تدریج شبیه خود می‌کنند. در غیر این‌صورت با توجیه و تقلید و گزارش و روش‌های دیگر نمی‌توان با روح این مدل تربیتی آشنا شد و به‌تبع نمی‌توان آن را در جای دیگر اجرا نمود. البته تنها یک مسجد در همین منطقه و اطراف مسجد صفا، توانسته است با پیگیری و ارتباط بسیار زیاد و مستمر و حضور مربیان خود در مجموعه و به‌تدریج حضور متربیان آن در برنامه‌ها و اردوهای مسجد صفا تا حدی به اجرای این مدل نزدیک شود. ما

نیز با آنان همکاری می‌کنیم و برای آنان کلاس‌های توجیهی برگزار می‌نماییم. بااین‌حال بسیاری از گروه‌های دیگر از تهران و شهرهای دیگر آمده‌اند ولی نتوانستند این مدل را پیاده نمایند.

۳- هویت واحد داشتن

از ویژگی‌های مهم این مجموعه این است که همه کارهایی که در آن انجام می‌شوند، اگرچه در قالب‌های مختلف مانند بسیج، مدرسه، باشگاه و... صورت می‌گیرد ولی همهٔ آن‌ها یک هویت واحد و مستقل دارد. در این مجموعه بسیج همان کانون فرهنگی و همان مدرسه و همان هیئت‌امناست. نشانهٔ آن‌هم این است که یک نفر هم مسئول بسیج است، هم مدیر مدرسه و هم رئیس هیئت‌امنا. مجموع کاری که در اینجا انجام می‌شود یک بسته تربیتی است که نام‌های گوناگونی به خود گرفته است. درواقع یک کار واحد تحت چند عنوان صورت می‌گیرد. هدف تعدد عنوان هم گرفتن امکانات از نهادهای مختلف است.

۴- درون‌زا بودن مجموعه و استقلال

از جهت علمی و مالی و دیگر جهات، سعی بر این است که نیازهای مجموعه از داخل آن برآورده شود. به‌عنوان‌مثال اگر در هر زمینه‌ای نیاز به اساتیدی در رشته‌های گوناگون وجود داشته‌باشد، اولویت با خود اعضاست که اگر در این زمینه تبحر دارند به تدریس بپردازند.

یکی از دلایل این رویکرد انعطاف‌پذیری اعضا نسبت به شرایط خاص مسجد است. مثلاً با توجه به شبانه‌روزی بودن مدل تربیتی مسجد، برخی کلاس‌ها در زمان‌هایی تشکیل می‌شود که دعوت استاد از خارج مشکل است. زمان‌هایی مانند ۱۰ شب یا بعد از نماز صبح.

دلیل دیگر این است که فرهنگ موجود در مجموعه به‌گونه‌ای است که کسانی را که با ارزش‌های مجموعه رشدنیافته‌اند چندان نمی‌پذیرند. به‌طور مثال یکی از ارزش‌های موجود در این الگوی

تربیتی پرورش هم‌زمان جسم و روح و عقل است. حال اگر استاد اخلاقی، از بعد جسمانی ضعیف باشد و بدن مناسبی نداشته باشد از سوی اعضا مورد اقبال قرار نمی‌گیرد. این فرهنگ نیز به‌تناسب ذو ابعاد بودن خود حجت‌الاسلام علوی است. چون اعضا مجموعه الگویی مانند ایشان را با چشمان خود دیده‌اند، سخت است که اساتید تک‌بعدی دیگر را به‌راحتی بپذیرند.

علت دیگر این پدیده، آن است که سطح اساتید خارج از مجموعه پایین است و اعضا را اقناع نمی‌کند. بالاخره مهم‌ترین دلیلی که این وضعیت را موجب شده این است که اساساً ایجاد و حفظ «استقلال» مجموعه، از سیاست‌های کلان و رویکردهای اصلی مسجد است. به‌مقتضای این سیاست سعی می‌کنیم کمترین وابستگی را به بیرون داشته باشیم و با تولید منظومه‌ای درون‌زا، همه مقدمات تربیت را در درون مجموعه فراهم نماییم.

مصداق دیگر استقلال و درون‌زایی مجموعه در رفع نیازهای گوناگون، کارهای سازندگی است. به‌عنوان‌مثال در ساخت طبقات مسجد از نقشه‌کشی و طراحی گرفته تا بنّایی و ساخت مسجد توسط خود اعضا صورت گرفت؛ همین‌طور است اردوگاه جاجرود و دیگر املاک مسجد.

مصداق دیگر در مباحث علمی است. حتی‌المقدور سعی می‌کنیم برای تکمیل مسائل معرفتی از بیانات خود حجت‌الاسلام علوی استفاده کنیم و اگر کسی در جایی مشکلی داشت به نوارهای خود ایشان احاله می‌شود تا کتاب‌ها و سخنرانی‌های دیگران.

۵- صمیمیت

ارتباطات میان اعضا در همه سطوح بسیار صمیمی و عاطفی است. در این قسمت به اشاره در مورد روابط میان مربیان و مسئولین می‌پردازیم. ما در جلساتی مانند جلسه شورا یا به‌عنوان مسئولان و معلمان مدرسه و... با یکدیگر به تبادل‌نظر می‌پردازیم. ولی نوع ارتباطمان با یکدیگر رابطه برادرانه است نه رابطه کاری. البته علاوه بر ارتباط صمیمی با یکدیگر شأن مربیگری، بزرگ‌تری و... نیز رعایت

می‌شود. درواقع تلفیقی از احترام و تقدس با صمیمیت و یکرنگی وجود دارد. به‌عنوان‌مثال دانش‌آموزان، گاهی مدیر مدرسه را «بابا» صدا می‌کنند و او را به نام کوچک خطاب می‌کنند (آقا محسن) در عین اینکه احترام او به‌عنوان مدیر مدرسه نیز محفوظ است.

۶- تأثیر روابط خانوادگی از برنامه‌های مسجد

یکی از ثمرات این مدل تربیتی که حضور حداکثری در محیط موضوعیت دارد، این است که به‌تبع اولویت داشتن مسئله تربیت، برنامه‌های مسجد در اولویت اول زندگی قرار می‌گیرد. درنتیجه مسائل خانوادگی در اولویت بعدی است. این مسئله موجب تنظیم برنامه‌های خانوادگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی متربیان، بر مبنای برنامه‌های مسجد می‌شود، به‌طوری‌که گاهی روابط اعضای مسجد با برخی از افراد گروه تربیتی خود در مسجد، بیش‌تر و نزدیک‌تر از روابط او با پدر و مادر و برادر و خواهر خود است. این مطلب تا حدی پیشروی کرده که گاهی، از برخی از بزرگان مسجد درخواست می‌شود که در جلسه خواستگاری آنان نیز حضور یابند. البته شرایط خانوادگی و میزان فرهنگ دینی حاکم بر خانواده‌ها نیز در پدید آمدن این مسائل مؤثر است. به‌عبارت‌دیگر برخی از اتفاقات این‌چنینی به دلیل فقر فرهنگ دینی خانواده و هم‌راستا بودن مسئولین تربیتی مسجد با متربی از جهت فرهنگی است.

۷- ازدواج درونی

ویژگی دیگری که از مصادیق ویژگی فوق است، ازدواج‌های درونی است. یکی از مسائل مهم هر مجموعه تربیتی که در زمینه جوانان و نوجوانان کار می‌کند بحث ازدواج است. مسجد صفا نیز از این بحث مستثنا نیست.

ازآنجاکه مسئله ازدواج به‌ویژه در این مجموعه که ازدواج‌ها به شکل درونی صورت می‌گیرد، ارتباط زیادی با بخش زنان و واحد خواهران دارد. با توجه به اینکه مدل تربیتی مسجد صفا، نوع خاصی از زندگی را ایجاب می‌کند و ازدواج با کسانی که ظرفیت

اجرای این مدل را ندارند موجب جدا شدن از سیر تربیتی می‌شود، واحد خواهران این مسجد تأسیس گردید و شرایط برای مهیا شدن ازدواج‌های درونی آماده شد. حسن کار در این است که مجموعه تربیت‌شده‌ای از میان دختران که با ارزش‌های این نظام تربیتی آشنا هستند به وجود آمده‌اند و زندگی هماهنگ و هم‌راستایی را تشکیل خواهند داد. مسئولین مجموعه نیز اصرار دارند که ازدواج‌ها از میان واحد خواهران همین مجموعه صورت گیرد. البته این کار به‌صورت اجباری نیست ولی علاوه بر تشویق، موردها نیز معرفی می‌شوند. این کار با روال سنتی خود صورت می‌گیرد یعنی پس از شناسایی و معرفی مورد توسط مسئولین مجموعه، خواستگاری توسط خانواده‌ها صورت می‌گیرد ولی اصرار مجموعه این است که گزینه‌ها در میان همین اعضا باشد.

۷-۱- سن ازدواج

سن ازدواج در مجموعه معمولاً برای خانم‌ها ۲۱ تا ۲۲ و برای آقایان ۲۶ تا ۲۷ است.

۷-۲- انتخاب همسر

در مورد ازدواج باید گفت نه در قسمت خانم‌ها و نه در قسمت آقایان این مسئله محدود نیست؛ به‌طوری‌که بارها و بارها صراحتاً و کنایتاً به این مسئله اشاره شده است که شما نگاه بیرونی هم داشته باشید. ولی سعی مجموعه و تمایل خود اعضا بر این است که برادران عضو با اعضای واحد خواهران ازدواج نمایند و خواهران نیز از اعضای برادران شوهر خود را انتخاب نمایند. در عمل هم آنچه اتفاق افتاده این است که اکثراً ازدواج‌های اعضای مجموعه به‌صورت درونی صورت گرفته است. این جهت‌گیری بدان دلیل است که اگر اعضا مجموعه همسر خود را از خارج مسجد انتخاب کنند، ازآنجاکه مجموعه روش خاصی برای زندگی را ایجاب می‌کند هماهنگی دیگران با این‌چنین زندگی دشوار خواهد بود.

مثلاً ناظم مدرسه راهنمایی واحد خواهران، ازدواج بیرونی کرد و تابستان عروسی نمود. پس از ازدواج گفته بود که من سه ماه

وقت می‌خواهم تا ببینم می‌توانم شوهرم را هماهنگ کنم که سال بعد باز ناظم باشم یا نه. پس از گذشت مدتی که دیدیم وی جوابی به ما نداد، برای مدرسه یک ناظم دیگر انتخاب کردیم. مورد دیگر این‌که برای یکی از اعضا واحد خواهران از شهرستان خواستگار آمد و به دلیل خویشاوندی، با او ازدواج کرد. این خانم پس از انتقال به شهرستان و دوری از مجموعه، بسیار سختی کشید؛ چون تمام فکرش اینجا بود. جالب است که حتی خطبه عقدشان را در همین مسجد خواندند. مجموعه نسبت به این پدیده روی بازی داشت و مخالفتی نکرد ولی به‌هرحال این تجربیات نشان می‌دهد که باید ازدواج‌ها در درون صورت گیرد تا زحمات تربیتی چندساله هدر نرود.

گفتار سوم: اهداف

هدف ابتدایی مجموعه، تربیت نوجوانان و جوانان بود که پس از یک مرحله اصلاح به تربیت مربی تغییر یافت. به‌عبارت‌دیگر در این مرحله هدف این بود که کسانی در مسجد تربیت شوند که بتوانند دیگران را تربیت کنند. سپس مرحله دوم پیشرفت در هدف صورت گرفت و تربیت کسانی که بتوانند مربی‌پروری کنند به‌عنوان هدف مجموعه معرفی شد. این روند پس‌ازاین ادامه می‌یابد و موجب تسلسل تشکیلاتی می‌شود. به این معنا که حجت‌الاسلام علوی نقطه مرکزی دوایر متحدالمرکز تربیتی را تشکیل می‌دهد که هرکدام باهدف تربیت مربی در حال جذب و تربیت متربیان می‌باشند.

در این مجموعه همه‌چیز در راستای تربیت انسان تعریف شده و کارهایی نظیر «بسیج‌بازی» و «ورزش» و... وجود دارد اما باید همراه با رشد و تکامل باشد. به‌عبارت‌دیگر همهٔ اهداف جزئی مجموعه مقدمه‌ای است برای رسیدن به این هدف غایی. درواقع همه برنامه‌های تربیتی مسجد این غایت را دنبال می‌کند که در این مسجد مربیانی تربیت یابند که بتوانند در جاهای دیگر به تربیت مربی بپردازند. برای این کار، هم باید تهذیب نفس و تزکیه اخلاقی صورت گیرد، هم مبانی نظری و عملی تربیتی آموزش داده شود و هم روش‌های کلاس داری و برخورد با متربی و... تعلیم می‌شود.

البته چنانکه گفته خواهدشد معنای تربیت در این مسجد تنها تربیت اخلاقی نیست؛ بلکه منظور از تربیت، تکامل در هر سه ساحت جسم، روح و عقل است.

گفتار چهارم: ارزش‌های مجموعه

۱- دین

مبانی دینی یکی از مهم‌ترین ارزش‌های مجموعه است. روحانی بودن و عالم دینی بودن حجت‌الاسلام علوی در ارزش یافتن دین در مسجد نقش مهمی داشته است. همانطور که مسائل دانشگاهی در برخی نهادها، اهمیت ویژه دارد در این مجموعه «دین» ارزش اصلی است. یکی از ثمرات این ارزش این است که طلبه‌های مجموعه نسبت به دانشجوها منزلت بیشتری دارند. درنتیجه سعی می‌شود که متربیانی که استعدادهای بیشتری دارند به سمت طلبه شدن سوق داده شوند. البته از جهت آماری نسبت طلاب به دانشجویان ناچیز است ولی بااین‌حال روی آن‌ها حساب ویژه‌ای دارند.

غیر از تحصیل معارف اسلامی، تدریس آن‌هم ارزش است؛ یعنی کسی که به‌عنوان‌مثال بتواند اصول عقاید را به‌خوبی تدریس کند از ارزش ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. همچنین عبادت و به‌ویژه مناجات را می‌توان از ارزش‌های مجموعه برشمرد.

۲- اخلاص

در این مجموعه، فضا به‌گونه‌ای است که کسانی که ازلحاظ خودسازی و مراقبت اخلاقی در سطح بالاتری قرار دارند پیشرو می‌شوند حتی اگر توانمندی اجرایی و علمی افراد دیگر بالاتر باشد. درواقع اجازه کار به کسانی که به خاطر شهرت و نفسانیت کار می‌کنند داده نمی‌شود. نه اینکه دخالت مستقیم مجموعه باشد بلکه فضا به‌گونه‌ایست که این افراد به حاشیه رانده می‌شوند هرچند استعداد بالایی داشته باشند.

مثالی که برای بیان این مورد می‌توان اشاره کرد این است: قبلاً برای فراهم کردن هزینه‌های مجموعه کار اقتصادی انجام می‌شد. در این راستا گاهی جنس می‌فروختند و پولش را برای مجموعه می‌آوردند. یک‌بار که نمایشگاهی با این هدف برگزار شده‌بود یکی از بچه‌ها که پدرش تریکوفروشی داشت لباس برای فروش در نمایشگاه آورد. بعداً که برای یک مراسم موجزن جمع می‌شد آن بنده‌خدا پول زیادی کمک کرد که تعجب‌آور بود. وقتی از او پرسیده‌شد که این پول را از کجا آورده از لابلای سخنانش معلوم شد که از فروش لباس‌ها برای خودش پولی برداشته است. این نکته در مجموعه نکته منفی به‌حساب می‌آمد و کسی نباید چیزی برای خودش بردارد.

بنابراین، در این مجموعه اخلاص خیلی مهم است و برای اینکه هواهای نفسانی دور پیدا نکند هزینه‌های زیادی پرداخت شده و سرعت رشد به‌شدت کاهش یافته تا جایی که گاهی حرکت مجموعه متوقف گردیده است.

فضای فرهنگی حاکم بر مجموعه مسجد، چیزی بین اخلاقی است؛ یعنی تلفیق اخلاقی که در جبهه به‌عنوان اخلاق جبهه‌ای مطرح بود، با آنچه در حوزه هست. به عبارتی، از یک‌سو رنگ و بوی علمی در آن هست و اینکه با علما و کتاب و... ارتباط جدی داشته باشند و از سوی دیگر هم اخلاق جبهه حاکم باشد؛ همه نمازشب‌خوان باشند، همه ورزشکار باشند و...؛ یعنی همان چیزی که بین بچه‌های بااخلاق جبهه حاکم بود. از این رویکرد می‌توان الگوها و شخصیت‌های ارزشی مجموعه را شناخت یعنی شهید همت یک شخصیت ایده‌آل است.

۳- قناعت

قناعت، ارزشی است که هم در میان خواهران و هم در بین برادران مورد تأکید فراوان قرار می‌گیرد. زندگی ساده در میان اعضا مجموعه رواج دارد بطوریکه از یک‌سو مردان به‌جای تلاش دائمی برای کسب درآمد بیشتر وقت خود را صرف برنامه‌های مسجد

می‌کنند و گاهی اتفاق افتاده که چند سال در مدرسه کارکرده‌اند و حقوق نگرفته‌اند. از سوی دیگر زنان نیز این نوع زندگی را پذیرفته‌اند و به شوهران خود برای کسب درآمد بیشتر فشار نمی‌آورند. اگرچه به‌ویژه در میان خواهران گاهی این علاقه وجود دارد که وضع زندگی آنان بهتر باشد ولی اگر به زبان هم بیاورند می‌دانند که خلاف ارزش‌های خانواده سخن گفته‌اند.

۴- ولایت

ولایت به مفهوم عام یکی از مسائل دینی است و به همین دلیل از ارزش‌های مجموعه محسوب می‌شود. این ارزش چه در عرصه ولایت و محبت اهل‌بیت که در محرم یا عزاداری‌ها و جشن‌های اهل‌بیت خودنمایی می‌کند یا در کلاس‌ها و جلسات سخنرانی موضوع بحث قرار می‌گیرد و چه در مسئله ولایت‌فقیه که ادامه آن است، مورد اهتمام اعضای مجموعه قرار می‌گیرد. متربیان این مدل تربیتی هم با مسائل ولایتی آشنا هستند و هم از جهت قلبی محبت دارند.

۵- حجاب و عفاف

حجاب و عفاف یکی از ارزش‌های مجموعه است و زنان مجموعه علاوه بر حجاب کامل از نقاب‌هایی به نام «شتماخ» استفاده می‌کنند که دهان و بینی آنان را نیز می‌پوشاند. البته این کار اجباری نیست و حتی تا یک سنی از این کار نهی می‌شوند ولی با میل خود این کار را انجام می‌دهند. به آنان گفته می‌شود حجاب را به‌طور کامل رعایت کنند ولی استفاده از «شتماخ» تا بعد از ازدواج مجاز نیست.

از ارزش‌هایی که به‌ویژه در میان واحد خواهران جدی است نوع پوشش و حجاب و عفاف است و اجتناب از آمیختگی به مردان، به‌طورکلی جدایی مردان و زنان یکی از ارزش‌های مهم مجموعه است. همچنین اطاعت و حرف‌شنوی از شوهر مورد تأکید فراوان است.

به‌طورکلی از دیدگاه مسئولین مجموعه، حضور زنان در جامعه غیر از موارد ضرورت باید محدود شود و اصل با عدم حضور آنان در جامعه است. به همین دلیل دانشگاه رفتن بانوان نیز چندان مورد تشویق یا تأیید مسجد نیست. آنان معتقدند در جامعه امروز، زن جایگاه حقیقی خود را از دست داده‌است و نقش مردان را به عهده می‌گیرد. این موجب برهم خوردن نظام اجتماعی شده و لذا باید از این رویه جلوگیری نمود.

جداسازی زن و مرد در این مجموعه تا حدی است که در مهدکودک نیز قسمت دخترانه و پسرانه آن از هم جداست.

۶- احترام به روحانیت

چنانکه گفته‌شد ازآنجاکه دین یکی از اصلی‌ترین ارزش‌های مجموعه است منسوبین به دین و عالمان دینی نیز از ارج‌وقرب خاصی برخوردارند. درنتیجه یکی از ارزش‌های مجموعه احترام به روحانیت است. در رأس این ارزش، احترام به حجت‌الاسلام علوی به‌عنوان روحانیت قرار دارد. شاهد این سخن را می‌توان در ارائه ساختار مجموعه جستجو کرد که وقتی سخن از مسئول مجموعه می‌شود در رأس ساختار واژه «روحانیت» قرار می‌گیرد.

۷- احترام به مربی و استاد

احترام به مربی و استاد نیز از ارزش‌های مجموعه است. متربیان به کسانی که از آن‌ها درس می‌آموزند احترام می‌گذارند. همچنین مربی هر گروه نیز برای اعضای آن از احترام ویژه‌ای برخوردار است. البته این احترام نتیجه منطقی روش الگویی است. اگر قرار باشد مربی نقش الگو را برای متربیان اجرا نماید باید احترام او حفظ شود و در صورت شکسته‌شدن حرمت مربی دیگر فرآیند تربیت به‌خوبی انجام نخواهد شد. البته ممکن است که در سنین پایین‌تر و سال‌های اولیه ورود به مجموعه، این احترام جاافتاده نباشد ولی پس از چندی با الگوگیری از بزرگ‌ترها، این حالت در اعضا اتفاق می‌افتد. درمجموع این احترام هم نسبت به مربی گروه، هم نسبت

به مُدَرس کلاس‌های مختلف و به‌ویژه نسبت به مسئول مجموعه وجود دارد.

۸- احترام به پدر و مادر

احترام به پدر و مادر نیز با الگوگیری از آقای علوی در میان متربیان وجود دارد. ایشان نسبت به پدر خود (امام جماعت مسجد)، بسیار با احترام و با محبت رفتار می‌کند. ایشان دست پدر خود را می‌بوسد که این امر، موجب الگوگیری از ایشان و انتقال اهمیت احترام به پدر و مادر شده است.

۹- به‌کارگیری نیروها

یکی از ارزش‌های مجموعه به‌کارگیری نیروها است. در این نگاه، کار و زحمت و تلاش از جهت تربیتی سازنده است و در مجموعه ارزش شمرده می‌شود. نتیجه این است که همانطور که مربیان با کار و تلاش و زحمت رشد یافته‌اند، متربیان خود را نیز به این کار وا می‌دارند. درواقع نه از روی تلافی و عقده‌گشایی به خاطر سختی‌های گذشته از متربی کار می‌کشند و نه به خاطر محبت به متربیان سعی می‌کنند آن‌ها را راحت گذارند و سختی‌هایی که خود کشیده‌اند را به متربی تحمیل نکنند. بلکه چون کارکردن ارزش است و تلاش و زحمت، نقش تربیتی دارد با لذت کار می‌کنند و با هدف کار می‌کشند. نتیجه وجود این ارزش در مجموعه وجود کار دائمی در مسجد است. ساختن بنای مسجد، ساختمان مدرسه، اردوگاه جاجرود، خانه برخی از اعضا، حسینیه مشهد و... از شواهد ارزش بودن کار در مجموعه است.

گفتار پنجم: اصول تربیتی

۱- پیروی از روحانیت

یکی از اصول محتوایی و تربیتی مجموعه این است که جهت‌دهی مجموعه باید توسط روحانیت ارائه شود.

۲- مدیریت مربی

مدیریت گروه با مربی آن گروه است و کمک‌مربی‌ها، در انجام کارها و اخذ تصمیمات، او را یاری می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر سیر تربیتی افراد زیر نظر مستقیم مربی صورت می‌گیرد و اوست که مسئول تربیت صحیح متربیان است. حتی اگر قرار شد یکی از دروس به‌وسیله شخصی غیر از مربی برای اعضا گروه تدریس شود، در این حال نیز وظیفه مدیریت کلاس (انتخاب مربی، آماده کردن گروه، نظارت و ارزیابی کلاس و به‌طورکلی قبل و بعد کلاس) بر عهده مربی است.

۳- ثبات مربی

لازمه اصل مدیریت مربی در نظام تربیتی گروه، ثبات مربی است. این بدان معناست که اگر اشکالی پیش نیاید و یک مربی ملاک‌های مربی‌گری را از دست ندهد، اصل این است که یک مربی در طول دوره تربیت تغییر نکند و جای خود را به کس دیگری ندهد. عوض کردن مربی در شرایط استثنایی و با تصمیم شورا صورت می‌گیرد. البته در عرصه آموزشی به‌ویژه از حدود پیش‌دانشگاهی به بعد گفته می‌شود که مربی هر گروه، مدرسینی از خارج گروه را نیز به کار گیرد تا متربیان با برخی مدرسین دیگر نیز شناسانده شوند.

چنانکه از مطالب پیش‌گفته معلوم است، این نکته منافاتی با ثبات مربی و مدیریت او بر گروه ندارد.

۴- الگوسازی

چنانکه گفته‌شد انس و علاقه میان متربی و مربی موجب سعی متربی در شبیه شدن به مربی خود می‌شود. این حالت را می‌توان با عبارتی دیگر که همان الگوگیری است بیان نمود. محبتی که میان متربی و مربی در این مجموعه شکل می‌گیرد علاقه‌ای بی‌جهت و بی‌هدف نیست. به متربیان گفته می‌شود که هدف از آمدن در مسجد انسان کامل شدن است و اینکه هرکس باید یک مربی بشود مثل مربی خودش. درنتیجه تمام تلاش فرد این است که به حالت مربی خود دست یابد. این هدف‌گذاری نوعی از علاقه نسبت به مربی را در دل متربیان ایجاد می‌کند که موجب علاقه به هم‌نشینی با او می‌شود. لذا یکی از مهم‌ترین انواع تشویق این است که شخص بتواند در تمام کلاس‌ها شرکت کند. درنتیجه در این روش مشکل حضور در کلاس و ضمانت اجراهای جلسات گروهی خیلی جدی نیست. بلکه مانند دیگر بخش‌ها که به‌صورت انسانی و نه اداری و رسمی اداره می‌شد اینجا نیز همانطور است.

درواقع مبنای پذیرش مربی به‌عنوان هدف و الگوی تربیتی همان اعتمادی است که متربی نسبت به او دارد. اعتمادی که شخص به مربی خود دارد این زمینه را مهیا می‌کند که خود را در اختیار او قرار دهد. علم به دلسوزی و خیرخواهی مربی و آگاهی مربی به مسائل او است که باعث می‌شود متربی در مقابل حرف‌های مربی موضع نگیرد. درنهایت، اتفاقی که می‌افتد این است که لازم نیست متربی تک‌تک افعال و اخلاق را درس بگیرد و برای هریک از آن‌ها سال‌ها زحمت بکشد تا بتواند کسب فضایل کند و از رذایل رها شود؛ بلکه با نیروی محبت و کششی که در وجود او پدید می‌آید بدون اینکه دشواری زیادی را متحمل شود به سمت الگوی خود حرکت می‌کند و ناخودآگاه مسیر تربیت را طی می‌کند.

۴-۱- آسیب‌شناسی

ممکن است نسبت به این اصل تربیتی انتقاداتی مطرح شود که در زیر پاسخ اجمالی آن‌ها، ذکر خواهد شد.

۴-۱-۱- متوقف شدن در مربی

اولین اشکالی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که روش الگویی موجب می‌شود که شخص در مربی خود محدود شود و رشد او پس از رسیدن به سطح مربی متوقف شود. به‌عبارت‌دیگر هرچند این روش برای کسانی که از جهت تربیتی در سطح پایین‌تری از مربی خود هستند حرکت دهنده است ولی برای کسانی که پس از مدتی حرکت به او نزدیک شده‌اند نه‌تنها محرک نیست بلکه بازدارنده است.

در پاسخ باید گفت اولاً در این مجموعه، هر متربی علاوه بر مربی خود، مربیان مربی را نیز می‌بیند و سرشاخه و منبع فکری و عقیدتی مجموعه آقای علوی است که در رأس هرم قرار دارد. ازآنجاکه خود ایشان به رشد خود ادامه داده و متوقف نشده است، مجموعه را هم همراه خودش رشد داده است. درواقع اگر یک نفر به رشد خودش ادامه ندهد بعد از مدتی برای آن گروه تمام می‌شود و به‌اصطلاح رشدش می‌سوزد. در این حالت متربیان منتظر رشد او نمی‌مانند بلکه چشم خود را به الگوهای بالاتری که در مجموعه وجود دارند می‌دوزند. نتیجه این‌که روش الگویی موجب نشده تا متربیان در مربی و الگوی خود محدود شوند و بالاتر از او را نبینند. بچه‌ها به خاطر فضایی که در آن قرارگرفته‌اند یک ایده‌آلی بالاتر از آن چیزی که مربی به آن‌ها می‌گوید را طلب می‌کنند و افراد دیگری مثل خود حجت‌الاسلام علوی یا آقای عابدینی در چنین فضایی سهم داشتند.

۴-۱-۲- الگوگیری از بدی‌ها

اشکال دوم این است که معمولاً مربیانی که در این مسجد یا مجموعه‌های مشابه وجود دارند علیرغم همه ویژگی‌های مثبت، نقاط ضعفی نیز دارند. این باعث می‌شود که اگر متربی را به

الگوبرداری از او ترغیب کنیم علاوه بر خوبی‌ها، از ضعف‌های او هم تقلید کند و درنتیجه اشکالات مربی نیز در وی رسوخ کند.

پاسخ این اشکال این است که غالباً بالای سر هر گروه علاوه بر مربی، کمک‌مربی‌هایی نیز حضور دارند. این سیستم، شرایطی را فراهم می‌کند که اگر فرد از تمامی آن‌ها استفاده درست را انجام دهد می‌تواند از آن‌ها هم بالاتر بیاید. این بدان معناست که همه افراد در همه زمینه‌ها بهترین نیستند و هر کس در زمینه‌ای خود را رشد داده است. مثلاً ممکن است شخصی در جنبه اخلاقی از دیگران بهتر باشد و دیگری از جهت علمی یا ورزشی و... . متربی می‌تواند با جمع‌کردن خصوصیات همه مربیان، خود را از مربیان هم جلوتر ببرد حتی اگر ازلحاظ سن و سال از مربی پایین‌تر باشد. به‌عبارت‌دیگر متربی یک مربی و یک الگو ندارد تا بگوییم بدی‌های او را نیز تقلید می‌کند. بلکه چند مربی به‌طور همزمان برای او نقش الگو را بازی می‌کنند و درنتیجه اشکالات هریک با نقاط مثبت دیگری پوشانده می‌شود.

۴-۱-۳- تقلید کورکورانه

سومین شبهه‌ای که نسبت به این اصل تربیتی وارد می‌شود این است که اگر شخصی، دیگری را الگوی تام و تمام خود قرار دهد و نیروی محبت نیز او را به سمت مربی محبوب خود سوق دهد دیگر اراده‌ای برای او باقی نمی‌ماند تا به‌وسیله آن رشد انسانی نماید. لذا گرفتار تقلید کورکورانه می‌شود که نه‌تنها فضیلتی نیست بلکه خطرات فراوانی را به همراه دارد.

پاسخ این است که این اعتماد و محبت، موجب بررسی نکردن حرف‌های مربی نیست و جا برای اعتراض و سؤال وجود دارد. درواقع اعضا در عین اینکه به نیروهای بالاسرشان اعتماد کامل دارند و قبولشان دارند از آن‌ها انتقاد هم می‌کنند. البته این مسئله در مورد آقای علوی استثناست؛ چون فاصله اعضا با ایشان خیلی زیاد است؛ به‌طوری‌که نمی‌توانند به ایشان ایرادی وارد کنند؛ اما فضا کاملاً برای انتقاد کردن مساعد است حتی در سال‌های اول شخص می‌تواند به مسئولین مجموعه هم انتقاد کند.

۵- جاذبه و دافعه

در هر مجموعه تربیتی باید هم قوه جاذبه وجود داشته باشد و هم دافعه. درواقع جذب افراد به‌تنهایی کافی نیست و باید در کنار آن، قوه قاهره‌ای نیز وجود داشته‌باشد. البته این دو بخش باید در کنار هم باشند تا نه جاذبه زیاد موجب تخریب تربیت شود و نه دافعه فراوان موجب رانده شدن متربیان شود. از جهت ساختاری نیز بهتر است مربی اصلی، نقش رحمت و جذب را بر عهده بگیرد و مسائل انضباطی و دفع‌کننده به عهده یکی از کمک‌مربی‌ها باشد. در بخش بعدی این اصل را به‌طور مصداقی‌تری در قالب تشویق و تنبیه بیان خواهیم کرد.

۶- استفاده از تنبیه و تشویق

همان‌طور که گفته شد برای تربیت، جاذبه و دافعه در کنار هم لازم است. برای این کار انواعی از تشویقات و تنبیهات در مجموعه اعمال می‌شود. البته پیش از هر چیز برای اجرای یک برنامه انگیزه‌سازی صورت می‌گیرد و در مورد اهمیت آن صحبت می‌شود و در حین انجام آن هم تنبیه و تشویق اجرا می‌شود. مثلاً از حضور کسی که بدون مطالعه به کلاس بیاید ممانعت می‌شود و چنین شخصی حق حضور در کلاس را ندارد. بعضاً جریمه‌های مالی و بلکه بدنی هم در نظر گرفته می‌شود. تنبیه دیگر این است که شخص در جلسه عمومی توبیخ می‌شود.

تشویق‌ها نیز انواعی دارند. تشویق‌های مادی و معنوی و فردی، گروهی و عمومی از انواع تشویقاتی است که نسبت به افراد صورت می‌گیرد؛ و تنبیهات نیز از قهر کردن و تذکر دادن گرفته تا تنبیه بدنی و... اعمال می‌شود. البته با توجه به صبغه ورزشی مجموعه، تنبیهات بدنی به‌صورت ضربات ورزشی اجرا می‌شود و موجب تحقیر فرد نیز نمی‌شود.

نکته‌ای که در مورد تنبیه حتماً باید مدنظر قرار گیرد، این است که مربی موظف است بعد از تنبیه از متربی دلجویی نماید.

در تشویق نیز روش تشویق می‌شود نه خود شخص. در جمع تصریح می‌شود که من فلانی را تشویق می‌کنم و مثلاً به او جایزه می‌دهم نه به دلیل آن‌که فلانی است بلکه به خاطر این اخلاق خوب یا رفتار مناسب. درواقع از هر کس تعریف می‌شود وجه تعریف نیز گفته می‌شود تا هم خودش خراب نشود هم دیگران.

۷- ایجاد و حفظ هویت جمعی

یکی از اصلی‌ترین وظایف مربی این است که گروه را به‌عنوان یک شاکله جمعی حفظ کند. مربی وظیفه دارد نگاه جمعی به گروه داشته باشد. این نگاه جمعی البته توأم با توجه فردی به تک‌تک اعضا گروه است ولی در وهله اول باید با نگاه کلی و برنامه‌های جمعی گروه را با حیثیت گروهی خود حفظ نماید. درواقع نظام تربیتی این مجموعه تربیت جمعی است و فرد در ذیل گروه و جامعه خود تربیت می‌یابد نه این‌که جامعه به‌واسطه رشد تک‌تک اعضا خود پیشرفت کند.

از ثمرات این اصل تربیتی این است که مثلاً مربی نباید لایه حجابی به دور خود تشکیل دهد و به تعدادی از اعضا توجه کند و با بقیه فاصله بگیرد. به‌عبارت‌دیگر باید به همه گروه توجه داشته‌باشد تا انفکاک و دودستگی در آن اتفاق نیفتد. البته این اصل کلی ثمرات فراوان دیگری نیز دارد و مورد فوق به‌طور نمونه ذکر شد. آنچه مهم است آن است که همه برنامه‌ها و اقدامات و اساساً نظام تربیتی مجموعه بر محور توجه به جمع و بر پایه کار گروهی تنظیم گردیده است.

از این منظر، برکات و محاسن تربیت جمعی فروان‌تر از تربیت فردی است که یک مربی با یک متربی برخورد داشته باشد. اساساً هر چه تعداد کمتر باشد احتمال حضور شیطان بیشتر است. به‌عنوان‌مثال اگر مربی بخواهد یک نکته تربیتی را در خلوت به متربی بگوید شیطان توان بیشتری برای ایجاد انحراف دارد. مثلاً انحرافاتی مانند اعتراف به گناه در چین فضایی بیشتر شکل

می‌گیرد. درصورتی‌که در تربیت جمعی تعادل در رفتار بیشتر اتفاق می‌افتد.

(نکته قابل‌ذکری که در این زمینه وجود دارد و شاید بتوان به‌عنوان یک اصل مستقل تربیتی از آن یاد کرد پرهیز از اعتراف به گناه است. آنچه مهم است این است که به‌هیچ‌عنوان نباید اجازه داد متربی نزد مربی خود اعتراف به گناه کند. اگر کسی نزد دیگری اعتراف به گناه نمود دیگر پیش مربی نخواهد ماند و حتماً از نزد او خواهد رفت.)

درمجموع برنامه‌ها و تحلیل‌ها و نقدها و بررسی‌ها در مجموعه به‌صورت گروهی اتفاق می‌افتد. به‌عبارت‌دیگر هرچند مسئولین مسجد نسبت به تک‌تک افراد شناخت دارند ولی در هنگام تحلیل و تصمیم، در مورد گروه‌ها اظهارنظر می‌کنند و نه افراد. به‌هرحال ارزش هر گروه به هویت جمعی آن و استقلال گروه است و این بسیار مورد تأکید است. از نگاه این مجموعه این مبنا از اصول تربیتی اسلام استخراج شده است. چنانکه در اسلام بسیاری از عبادات مانند نماز، اعتکاف، جهاد و... به‌صورت جمعی ارزش فراوانی دارد و برخی عبادات شرط جمعی بودن دارند همچون نماز جمعه که فردی خواندن آن باطل است و حداقل پنج نفر باید حضور داشته باشند.

۷-۱- آسیب‌شناسی

این اصل موجب به وجود آمدن آفاتی می‌شود که باید به آن توجه داشت. ازجمله آفات این روش آن است که به‌هرحال در هر گروهی اختلاف سطح وجود دارد و همه اعضا در یک سطح قرار ندارند. اگر هویت جمعی گروه انعطاف لازم را نداشته باشد سطوح بالا احساس اتلاف وقت می‌کنند و کسانی که در سطح پایین‌تر هستند نمی‌توانند خود را به جمع برسانند و درنتیجه تنها بدنه متوسط باقی خواهد ماند. به‌عبارت‌دیگر اگر برنامه جمعی برای جمع مناسب باشد بدین معنا نیست که حتماً افراد را نیز به کمال می‌رساند. ای‌بسا برخی برنامه‌های جمعی موجب رشد اکثریت جمع می‌شود ولی نسبت به بعضی از افراد نه‌تنها مفید نیست بلکه

زیانبار است. یا اینکه رشدی متناسب با ظرفیت وجودی او به او عرضه نمی‌کند و کمتر یا بیشتر از توان اوست.

هرچند این آفت ازنظر ما مغفول نمانده و به این نکته توجه داشته‌ایم؛ ولی در برخی موارد علیرغم توجه به آن، گریزی از گرفتار شدن در آن نیست. البته به‌تازگی عنایت خاصی به آن شده است و سعی در طراحی نظامی داریم که هرکسی در سطح خود بتواند از این مجموعه بهره ببرد. نکته دیگر این‌که نحوه برخورد و قوت مربیان نیز در میزان اثرگذاری این آفت مؤثر است.

اشکال دیگر اینکه وقتی گروه، هویت جمعی یافت و شخصیت گروهی شکل گرفت و پررنگ شد احتمال دودستگی میان گروه‌ها تقویت می‌شود که باید پیشگیری نمود.

۸- شفاف‌سازی

از دیگر اصول تربیتی مجموعه، شفاف‌سازی و روشنگری است. مربی تا جایی که ممکن است مسائل را برای متربیان روشن می‌کند. پنهان‌کاری در مجموعه جایی ندارد و دلیل هر تصمیم و برنامه‌ای برای متربیان تبیین می‌شود. ثمره این رویکرد، استدلالی بودن متربیان و جلوگیری از تعبد صرف است. تعبد یکی از آفات تربیت جمعی است و برای پیشگیری از این آفت شفاف‌سازی و روشنگری وجود دارد و متربیان طوری پرورش می‌یابند که هیچ‌چیز را بدون استدلال نپذیرند. در ادامه این اصل، اصل «صداقت» قرار دارد. دائماً به مربیان تذکر داده می‌شود که همان چیزی که هستند باشند و به عبارتی برای متربیان «فیلم بازی نکنند». این باعث می‌شود که متربیان متوجه شوند که مربی آن‌ها دارای ضعف‌هایی است و او را معصوم و منزه نمی‌پندارند. به‌هرحال هیچ‌کس نمی‌تواند نقاط ضعف خود را بپوشاند و به‌ویژه با توجه به ارتباط فراوان مربیان و متربیان ضعف‌های مربی آشکار خواهد شد. حال اگر مربی این نقاط ضعف خود را بپوشاند یا توجیه نماید موجب می‌شود که این اشکالات به متربیان نیز منتقل شود. این مسئله به‌ویژه زمانی اهمیت می‌یابد که مربی نقش الگو را برای متربی ایفا می‌کند و متربی علاقه بسیار

زیادی به مربی خود دارد. در این صورت متربی باید بداند که مربی او اولاً با او یکدل و صادق است و نمی‌خواهد خود را بهتر از آن‌که هست نشان دهد و ثانیاً بی‌عیب و معصوم نیست و لازم نیست برای رفاقت و الگوگیری به دنبال انسان بی‌عیب بشود. نتیجه هم این است که متربی می‌فهمد که مربی نیز مانند او اشکالاتی دارد و سعی می‌کند که آن‌ها را رفع نماید و خود او در راه است. این خود انگیزه‌ای است برای سیر متربی و طی طریق.

۸-۱- آسیب‌شناسی

آفت این اصل آن است که ممکن است به خاطر نقش الگویی مربی، نقص‌های او به متربیان انتقال یابد و آنان نیز مانند مربی خود با نقایصی روبرو گردند. برای رفع این اشکال ساختار گروه به‌گونه‌ای طراحی‌شده که در کنار هر مربی چند کمک‌مربی نیز وجود دارد و متربیان ضعف‌های مربی را با کمک‌مربی‌های دیگر خنثی می‌کنند. راهکار دیگر هم این است که به‌ویژه در گروه‌هایی که متربیان در سنین بالاتری هستند، نقدهایی از سوی مجموعه و مربی‌های دیگر به مربی وارد می‌شود تا متربیان نسبت به آن اشکالات توجه یابند.

در این روش این نکته مهم است که اگر متربی به حدی از پختگی برسد و اشکالاتی در مربی خود ببیند ولی نتواند آن را برای خود حل کند حتماً از او جدا خواهد شد؛ اما اگر مربی اشکال را بپذیرد یا چنین رویکردی در متربی نهادینه شده باشد که «هرکسی ایرادی دارد» و آن ایراد توسط مجموعه موردقبول واقع شود این مشکل کمتر می‌شود و متربی وقتی پذیرش اشکال را از سوی خود مربی یا مجموعه مافوق او ببیند آرام‌تر می‌شود.

آفت دیگر این اصل لاابالیگری مربی است. به‌عبارت‌دیگر مربیان در این صورت به سمت بی‌پروایی در برابر بدی‌ها سوق پیدا می‌کنند و ممکن است به بهانه صداقت و شفاف‌سازی گرفتار رذایلی مانند اشاعه فحشا، کوچک شمردن گناه و... گردند.

در مقابل این سخن باید گفت امکان سوءبرداشت و انحراف از این اصل وجود دارد ولی این به معنای اشتباه بودن آن نیست. این

اصل در مقابل تظاهر و دورویی است نه در مقابل تلاش و عزم بر اصلاح تا گفته‌شود صداقت در رفتار موجب اشاعه فحشا و لاابالیگری است.

۹- ارتباط مربی با متربی

روش تربیت افراد در این مجموعه بر پایه ارتباط نزدیک مربی با متربی است؛ یعنی متربی باید خودش را در اختیار مربی قرار دهد و مربی سعی می‌کند تا تمام نقص‌های او را برطرف کند. عمدتاً مباحث تربیتی و سایر بحث‌ها هم در کنار آن اتفاق می‌افتد. به‌عبارت‌دیگر هرچه متربی ارتباط بیشتر و بهتری با مربی خود داشته باشد در خلال این نشست‌وبرخاست‌ها و معاشرت‌ها، متربی رنگ‌وبوی مربی را به خود می‌گیرد و این همان تربیت یافتن است. لذا عمده کار در مجموعه ارتباط مربی با متربی است. در کنار این ارتباط، فرصت‌هایی نیز مانند اردوهای عمومی برای متربیان وجود دارد که با دیگران نیز ارتباط برقرار سازد. وقتی نیروها در اردوهای عمومی یا گروهی شرکت می‌کنند فضای فکری آن‌ها عوض می‌شود؛ خیلی از مباحثی که نشنیده‌اند آنجا می‌شنوند و می‌بینند و این اردوها در زندگی بچه‌ها خیلی تأثیر دارد. شاید بشود گفت روش اصلی این مدل برمبنای همراه بودن نیرو با مربی است. با حالت رفاقت، محبت و دوستی‌ای که مربی با متربیانش دارد مربی اشتباهات اخلاقی و اعتقادی نیرو را به او گوشزد می‌کند و به این صورت آموزش و تربیت انجام می‌شود.

۱۰- ارتباط با خانواده‌های متربیان

ارتباط با خانواده متربیان توسط مربی یکی از اصول تربیتی است. هر چقدر مربی و مجموعه با پدر و مادر متربیان بیشتر ارتباط داشته باشد، متربی در طی مراحل تربیتی راحت‌تر است. این کار باعث می‌شود که از یک‌سو پدر و مادرها مسائل فرزندان را به مربی منتقل کنند و از سوی دیگر مربی از پدر و مادر برای رشد متربی کمک بگیرد.

روش‌های ارتباط با والدین هم گوناگون است ازجمله اینکه از طریق مدرسه دعوت می‌شوند یا در جلسات اولیا و مربیان شرکت می‌کنند. گاهی نیز آنان را به شرکت در مراسمات مسجد دعوت می‌کنند و یا در تورهای مسافرتی- زیارتی همراه می‌برند.

۱۱- حضور دائمی در مسجد

یکی از بنیادی‌ترین اصول تربیتی مسجد صفا حضور دائمی و هرچه بیشتر متربیان در مسجد است. تا جایی که متربیان هرچه کمتر در مسجد حاضر باشند از تأثیرات تربیتی آن بهره کمتری می‌برند.

علت حضور در مسجد را می‌توان با توجه به شرایط مختلف به دو دسته تقسیم نمود. گاهی به دلیل مسئولیتی که افراد در مجموعه دارند و درنتیجه کثرت وظایفشان، مجبورند دائماً در مسجد باشند تا بتوانند کارهای مسجد را اداره نمایند. به‌عنوان‌مثال حجت‌الاسلام علوی بااینکه منزلشان یک کوچه پایین‌تر از مسجد است، حدود ۱۰ تا ۱۲ سال در مسجد بودند و حتی شب‌ها هم به منزل نرفتند. آقای مشارعی، عابدینی و دیگران نیز کم‌وبیش همین‌طور بودند. این ازخودگذشتگی، به‌نوعی جهاد فرهنگی و تربیتی است.

دسته دوم این است که لازمه تربیت یافتن در این مدل حضور حداکثری و بلکه دائمی در مسجد است. در این قسمت ماندن در مسجد برای انجام کاری نیست بلکه اگر شخص بخواهد تربیت شود باید از این فضای مهیا شده در مسجد استفاده کند. درنتیجه حضور بیشتر در مسجد برابر است با رشد بیشتر تربیتی. لذا در سال‌های اولیه که چرخ‌های تربیت به‌تدریج به حرکت درمی‌آید الزام به حضور کمتر است ولی هرچه سیر تربیت سریع‌تر و رشد آن آسان‌تر می‌شود، حضور در مسجد نیز افزایش می‌یابد.

۱۲- صمیمیت

پس از بیان لزوم ارتباط مربی و متربی در این روش تربیتی باید به یکی از اصول مهم و شاید مهم‌ترین اصل تربیتی در این

مدل که همان ایجاد صمیمیت میان اعضاست بپردازیم. آنچه فضای غالب در این مجموعه را می‌سازد عبارت است از روح محبت، ارادت و صمیمیت نسبت به یکدیگر. این محبت و صمیمیت را در سه سطح می‌توان مورد بررسی قرار داد که عبارت‌اند از:

۱۲-۱- بین متربی و مربی

اصل آمدن بچه‌ها در مجموعه مسجد به‌خاطر رفاقت با کسی است که او را جذب کرده است. شخص در یکی دوسال اول احساس می‌کند مربی از او خیلی آگاه‌تر است و به او علاقه‌مند می‌شود. به همین خاطر خود را در اختیار او قرار می‌دهد و در این فضا نیز مربی به تربیت متربی می‌پردازد.

در این مسجد بیش از این‌که کارها حالت تشکیلاتی داشته باشد حالت چهره به چهره و انسانی دارد؛ یعنی به فرد بالاسر به دید مسئول نگاه نمی‌شود بلکه به خاطر کمالاتی که در او وجود دارد به او و آن کمالات علاقه‌مند می‌شوند و از او حرف‌شنوی دارند. درواقع این علاقه به مربی است که موجبات جذب او را فراهم می‌کند و بعد از جذب امکان انجام سایر برنامه‌ها را فراهم می‌سازد. این ارتباط در ابتدا بیشتر جنبه دوستی و رفاقت دارد و کمی کم‌رنگ‌تر مسائل دینی ورزشی و... هم مطرح است اما در سنین بالاتر رنگ و بوی علمی و ورزشی و... بیشتر و جنبه رفاقت کمتر می‌شود.

۱۲-۲- بین متربی و حجت‌الاسلام علوی

آقای علوی به‌عنوان مربی و مربی مربیان مجموعه، در این مسجد از محبوبیت خاصی برخوردار است. ایشان که از جهت علم و تقوا و دیگر کمالات و فضائل، فاصله نسبتاً زیادی با اعضای مجموعه دارند، همواره جلودار مسائل تربیتی و متولی جهت‌دهی فکری و اخلاقی مسجد بوده‌اند. به علت موفقیت‌های ایشان در تمامی عرصه‌های مورد انتظار متربیان، اعم از ورزش، درس، علوم دینی، اخلاق و... ارادت ویژه‌ای از سوی متربیان و همه اعضای مجموعه با ایشان ابراز می‌شود. اساساً ازنظر ایشان رکن مهم تربیت ارادت است و تا ارادت به کسی وجود نداشته باشد حرف‌شنوی از

او غیرممکن است. ابتدا متربی باید نسبت به مربی رابطه قلبی و عاطفی داشته‌باشد تا بتواند خود را در اختیار او قرار دهد و دستورات تربیتی او را به کار بندد.

به‌هرحال متربیان و بلکه همهٔ اعضای مجموعه نسبت به آقای علوی ارادت و محبت فراوانی دارند تا جایی که یکی از آرزوهای اکثریت اعضا هم‌صحبتی و هم‌نشینی با ایشان است. نتیجه این تقاضای فراوان برای ارتباط با حجت‌الاسلام علوی این شده است که برای صحبت و مشاوره با ایشان باید از پیش وقت گرفته‌شود. بااین‌حال بازهم اشخاص دوست دارند بیش از آن مقدار که برای آنان مقررشده در کنار ایشان حضور داشته‌باشند که موجب بی‌نظمی خواهد شد. گاهی تا نیمه‌های شب و نزدیک سحر حلقه‌ای که اطراف ایشان تشکیل‌شده متفرق نمی‌شود و مسئولین مجبور می‌شوند با استفاده از تنبیهات مختلف، آنان را پراکنده‌سازند. در چنین مواقعی علاوه بر تنبیهات بدنی و دیگر تنبیهات، جریمه مالی نیز برای تخطی از قوانین مجموعه اعمال می‌شود. بااین‌همه در بسیاری از موارد، این تنبیهات نیز قدرت کافی برای جدا کردن متربیان از ایشان را ندارد. به‌عنوان‌مثال گاهی، شخص با این‌که پولی ندارد پرداخت جریمه را می‌پذیرد و از طریق قبول نماز و روزه استیجاری آن‌ها ادا می‌کند ولی از ایشان جدا نمی‌شود.

۱۲-۳- بین متربی و متربیان دیگر

از سیاست‌های کلانی که برای جذب و تربیت متربیان وجود دارد برقراری انس و محبت میان متربیان است. ایجاد فضای عاطفی در مجموعه ثمرات فروانی دارد. ازجمله اینکه لازمهٔ زندگی شبانه‌روزی در مسجد فضای لطیف و محبت‌آمیز و جذاب است و در فضای خشک و اداری قابلیت حضور دائمی وجود ندارد. فضای عاطفی موجب می‌شود که حتی زمانی که نیازی به حضور در مسجد نیست، افراد از مسجد خارج نمی‌شوند و مسجد را بر خانه ترجیح می‌دهند. همچنین محبت دوطرفه میان متربیان موجب می‌شود کمک‌های تربیتی اتفاق بیفتد و باعث دستگیری آنان از یکدیگر و درنتیجه تقویت فرایند تربیت است. در روایات نیز آمده

که انسان باید اوقات زندگی خود را به پنج قسمت تقسیم نماید که یکی از آن‌ها به هم‌صحبتی با دوستان اختصاص دارد.

۱۲-۴- آفت صمیمیت

این اصل تربیتی مانند بسیاری اصول دیگر، آفاتی دارد که از یک‌سو باید از آن مراقبت نمود تا در دام آن گرفتار نشد و از سوی دیگر نباید به خاطر وجود آفت از آن دست کشید و آن را از ریشه قطع نمود.

یکی از مهم‌ترین این آفات، گرفتار شدن در «محبت‌های کاذب» است. از نگاه ما دو نوع محبت میان افراد شکل می‌گیرد که نباید با یکدیگر خَلط شود. به‌عبارت‌دیگر محبت افراطی و کاذب و شهوانی با صمیمیت و انس و ارتباط، تفاوت دارد. آنچه تاکنون به‌عنوان یکی از اصول مهم تربیتی گفته‌شد، انس و صمیمیت است ولی گاهی در قالب این ارتباط سالم، محبت‌های کاذب نیز اتفاق می‌افتد که باید به‌طورجدی با آن مبارزه نمود.

شاخصه‌ای که برای تشخیص این دو نوع محبت وجود دارد این است که اگر حرارتی که با دیدار محبوب در وجود انسان شکل می‌گیرد، در صورت و دست و سینه پدیدار شد اشکالی ندارد و این محبت مورد توصیه دین هم است. دستورات دینی مانند مصافحه و معانقه نیز برای ارضای این حرارت که ناشی از انس است صادر شده است؛ اما اگر این خون به سمت پایین متمایل شد و در بخش‌های شکم و زیر آن جاری گشت، خون کاذب شهوانی می‌باشد و ناپسند است. لذا باید از این روابط پرهیز نمود.

تنها راه مقابله با این اشکال پیشگیری است و وقتی محبت کاذب میان دو نفر پدید آمد تقریباً به‌جز جدایی مطلق آن‌ها هیچ راهی ندارد. پیشگیری نیز از طریق تذکر مستمر صورت می‌گیرد. به گفته مسئولین این مجموعه شاید بیشترین موضوعی که توسط آقای علوی مورد تأکید قرار گرفته است همین پرهیز از محبت‌های کاذب بوده و علت آن‌هم آن است که تنها راه مقابله با آن پیشگیری و تذکر دائم است.

روش دیگر پیشگیری نیز در جمع بودن رفاقت‌ها و جلوگیری از خلوت‌هاست. اساساً چون برنامه‌های تربیتی این مسجد در جمع اتفاق می‌افتد و تأکید می‌شود حتی‌المقدور از خلوت کردن با یکدیگر پرهیز نمایند احتمال میل آن به سمت رفاقت کاذب کم می‌شود. نظارت مربی و حتی نظارت متربیان دیگر نیز مؤثر است تا ارتباطات اعضا به این سمت منحرف نشود.

۱۳- کار در مسجد

از نگاه مسئولین این نظام تربیتی، کار تربیتی باید در مسجد صورت گیرد. علت آن این است که چون محیط مسجد قداست خاصی دارد، ناخودآگاه از وقوع برخی اتفاقات و رفتارها جلوگیری می‌کند. به‌عبارت‌دیگر خود مسجد موجب جهت‌دار شدن برنامه‌ها، اهداف، رفتارها و اعضا می‌شود. مثلاً در مسجد نمی‌توان کلاس موسیقی اجرا کرد یا برنامه‌های مختلط میان زن و مرد را گسترش داد و ... .

۱۴- جامعیت

یکی از اصول تربیتی مجموعه، جامع‌الاطراف بودن و ذوابعاد بودن تربیت است. چنانکه گفته شد در نگاه مسئولین مسجد انسان دارای سه بعد جسم، روح و عقل است که تربیت باید هر سه بعد را در بربگیرد. درست است که هرکسی در مجموعه در یکی از این ابعاد پیشرفت می‌کند و مثلاً یکی با بینش و درک بالاست و دیگری بسیار بااخلاق است و سومی در جنبه ورزشی قوی است ولی اگر کسی هر سه جهت را با هم داشته باشد ارزش ویژه‌ای دارد. به‌عبارت‌دیگر اگرچه ممکن است مواردی که به‌طور کامل موفق بوده‌اند نادر باشند ولی رویکرد تربیتی مسجد این است که افراد هر سه بعد را باهم رشد دهند و هرچه افراد به این الگو نزدیک‌تر باشند موفق‌ترند.

گفتار ششم: فرآیند تربیتی

فرآیند تربیتی بدین معناست که یک متربی از ابتدا که جذب برنامه تربیتی مسجد می‌شود چه مراحلی را پشت سر می‌گذارد و چه سیری را طی می‌کند. با یک طبقه‌بندی ساده می‌توان فرآیند تربیتی این مجموعه را بر مبنای مقطع سنی متربیان تفکیک و بازگو نمود.

۱- دوران راهنمایی

اولین زمانی که متربیان با فضای تربیتی مسجد آشنا می‌شوند مقطع راهنمایی است. آنان از طریق مربی پرورشی خود در مدرسه، جذب مسجد شده و به‌تدریج فرآیند تربیتی را آغاز می‌کنند.

یکی از کارهای مربیان مجموعه این است که به‌عنوان مربی پرورشی یا عناوین دیگر در مدارس راهنمایی وارد می‌شوند و بهترین دانش‌آموزان را جهت جذب به مسجد انتخاب می‌کنند. این گزینش و ایجاد ارتباط در طول سه سال انجام می‌شود و پس از پایان یافتن مقطع راهنمایی، این دانش‌آموزان به‌وسیله برنامه‌های جمعی مانند اردو، جذب به مسجد می‌گردند. اینان از آن به بعد رسماً عضویت در مجموعه را کسب می‌کنند و مجموعه آنان تشکیل یک گروه جدید می‌دهند.

نکته اینجاست که با توجه به شرایط منطقه‌ای مسجد و فرهنگ حاکم بر آن‌که موجب کمبود دانش‌آموزان مؤمن در مدارس شده است، وقتی سخن از معیارهای جذب نیرو می‌شود نمی‌توان نیروهای خوب و مناسب برای جذب را محدود به کسانی که از تربیت خانوادگی برخوردار هستند نمود. درنتیجه همین‌که زمینه تربیت در آنان مشاهده شود حتی اگر وضع ظاهری مناسبی نداشته باشد جذب می‌شوند و به‌تدریج مراحل تربیت را سپری می‌کنند و

تحول درونی در آن‌ها اتفاق می‌افتد. این تحول به‌گونه‌ای است که گاهی منجر به وقوع تحول در خانواده و پدر و مادر اشخاص نیز می‌شود. البته کسانی که در ابتدا با معیارهای دینی سازگارترند در اولویت جذب هستند.

در این دوره سه‌ساله چون کار در اختیار مدارس است و دست مربیان خیلی باز نیست تنها با برنامه‌های جنبی مانند سرود و تئاتر، ورزش و هیئت‌های مذهبی در مسجد، دانش آموزان در مسجد جمع می‌شوند. درواقع مربیان از این قالب‌ها برای استمرار ارتباط و شناسایی و جذب بیشتر آنان استفاده می‌کنند.

پس از پایان یافتن دوره راهنمایی، جلساتی با پدر و مادرها برگزار می‌شود که در آن جلسات کارهای تربیتی مسجد توضیح داده می‌شود.

۲- دوران حضور در گروه نوجوانان

عضویت رسمی افراد در مسجد همراه با ورود آنان به مقطع دبیرستان است. متربیان در این مقطع با عنوان گروه نوجوانان شناخته می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر هرچند هر گروه با توجه به سال ورود خود به مسجد نامی دارد (مثلاً آنان که در سومین دوره جذب، وارد مسجد شدند صفا ۳ و آنان که در سال چهاردهم وارد شده‌اند صفا ۱۴ نام دارند) همه گروه‌هایی که در مقطع دبیرستان هستند با عنوان گروه نوجوانان شناخته می‌شوند، همچنین گروه‌هایی که در دانشگاه تحصیل می‌کنند و مقطع دبیرستان را تمام کرده‌اند گروه جوانان خطاب می‌گردند.

با توجه به تأسیس یک دبیرستان غیرانتفاعی زیر نظر مسجد، معمولاً اعضای جذب شده در مقطع راهنمایی که این دوران را به پایان رسانده‌اند در این مدرسه که «اندیشه صفا» نام دارد ثبت‌نام می‌نمایند. روش اداره مدرسه اینگونه است که علاوه بر دروس عادی که در همه مدارس تدریس می‌شود برنامه‌هایی نیز تحت عنوان «فوق‌برنامه» اجرا می‌شود. اجرای این برنامه‌ها غالباً در مسجد صورت می‌گیرد و به‌تدریج فرآیند تربیتی مسجد جایگاه اصلی

خود را می‌یابد. البته دانش‌آموزان و اولیا در همان ابتدا از ارتباط غیرقابل‌تفکیک مسجد و مدرسه اطلاع دارند ولی در ابتدا محوریت کارها با دروس مدرسه است و ثبت‌نام در مدرسه صورت می‌گیرد و درنتیجه محوریت با مدرسه است. این در حالی است که تدریجاً با انتقال فعالیت‌های تربیتی به مسجد، این مسجد است که نقش محوری می‌یابد.

در هر پایه در دوران دبیرستان، کار توسط یک گروه مربی‌گری که عبارت است از یک مربی و چند کمک‌مربی اداره می‌شود. به‌عبارت‌دیگر همه امور درسی، تربیتی و ورزشی دانش‌آموزان تحت نظر این گروه مربی‌گری پیگیری می‌شود و آنان بر روند رشد علمی و اخلاقی آنان نظارت دارند.

دانش‌آموزان در سال اول دبیرستان از ساعت ۲ تا ۳ بعدازظهر در مسجد حضور پیدا می‌کنند و به وظایف فوق‌برنامه خود می‌پردازند. در سال دوم هفته‌ای یک‌شب و چند بعدازظهر در مسجد حضور دارند و این مقدار در سال سوم دو شب در هفته می‌شود. سال پیش‌دانشگاهی نیز با توجه به کنکور و برنامه‌های درسی متربیان، حدود ۴ شب در هفته در مسجد حضور می‌یابند و اردوهای درسی نیز دارند.

طی نمودن این مسیر به‌طور کامل در بسیاری از رشد اخلاقی متربیان مؤثر است. کسانی که از میانه راه وارد مجموعه می‌شوند و دوره متربی‌گری را به‌خوبی طی نکرده‌اند مربی خوبی هم نیستند مگر اینکه خود از طریق دیگری دوره نوجوانی خود را با تربیت مناسبی سپری کرده باشند.

۳- دوران حضور در گروه جوانان

همه کسانی که دوره دبیرستان را سپری کرده‌اند هرچند در گروه‌های خود ایفای نقش می‌کنند ولی دارای یک هویت جمعی دیگر به نام گروه جوانان نیز می‌باشند. سال اول دانشگاه، سال اول نظام مربی‌گری است. درواقع هرچند هرکدام از دانشجویان خود یکی از متربیان این نظام تربیتی می‌باشند درعین‌حال مربی عده‌ای دیگر

در مدارس نیز می‌شوند. در ابتدای این دوره یک سری کلاس‌های فشرده آموزش مربی‌گری به آن‌ها داده می‌شود و آمادگی حضور در مدارس را کسب می‌کنند. در همان سال دانشجویان جدیدالورود، وارد مدارس راهنمایی می‌شوند تا به اجرای مرحله آغازین فرآیند تربیتی بپردازند. در طول سه سال اول دانشجویی هرکدام از دانشجویان که اکنون مربیان مدارس راهنمایی هستند از میان شاگردان خود متربیان موردنظر را انتخاب می‌کند و با ورود به سال چهارم دانشگاه متربیان خود را وارد دبیرستان اندیشه صفا می‌سازد. سپس به‌عنوان مربیان آنان مدیریت پرورشی آنان را در قالب گروه مربی‌گری به عهده می‌گیرد. چهار سال نیز در دبیرستان آنان را همراهی می‌کند تا دوره نوجوانی متربی پایان یابد. به مجموع این هفت سالی که از سال اول دانشگاه آغاز می‌شود دوره کمک‌مربیگری گفته می‌شود. معمولاً پایان دوره کمک‌مربیگری همزمان با دوره فوق‌لیسانس است.

۴- دوران پس از دانشگاه

پس از دوران هفت‌ساله کمک‌مربی‌گری، دوره مربی‌گری آغاز می‌شود. نکته قابل‌توجه در اینجا این است که هرچند همه اعضا یک گروه، دوره کمک‌مربی‌گری را سپری می‌کنند ولی همه آنان مربی نمی‌شوند. به‌عنوان‌مثال اگر گروه صفا سی نفر باشند هر سی نفر آن‌ها وارد مدارس راهنمایی می‌شوند و کار جذب را آغاز می‌کنند و متربیان را تا ۴ سال دبیرستان هم همراهی می‌نمایند؛ ولی پس‌ازآن تنها حدود ۵ یا ۶ نفر از آنان به سِمَت مربی‌گری دست پیدا می‌کنند. کسی که در رأس گروه‌ها قرار می‌گیرد باید شایستگی مربی‌گری را داشته‌باشد و مدیریت متربیان و کمک‌مربی‌ها را به عهده دارد. معمولاً مربیان کسانی هستند که دوران هفت‌ساله کمک‌مربی‌گری را سپری کرده‌باشند. با توجه به اینکه این دوره، از ابتدای ورود به دانشگاه آغاز می‌شود، تقریباً با اتمام دوره فوق‌لیسانس پایان می‌پذیرد. ازآن‌پس می‌توانند به‌عنوان مربی برگزیده شوند. البته همانطور که گفته شد، تنها برخی از آنان

به این سمت می‌رسند. بقیه افراد در مسئولیت‌های اجرایی مختلف به کار در مجموعه ادامه می‌دهند.

۵- پایان فرآیند تربیت

در مورد اینکه فرآیند تربیتی این مجموعه تا کجا ادامه دارد، باید گفت که بالاترین حلقه تشکیلاتی مجموعه نیز خود را شاگرد و متربی حجۀاۀسلام علوی می‌داند و چرخه تربیتی همواره ادامه دارد هرچند که این مطلب بستگی به اشخاص مختلف دارد و اینکه میزان سال‌های شرکت در مجموعه چقدر است. توضیح اینکه هر چه سالیان حضور بیشتر می‌شود، طبیعتاً حالت متربی بودن در افراد کمرنگ‌تر می‌شود و بیشتر به وظایف دیگر اعم از وظایف اجرایی و مربی‌گری می‌پردازند. البته کسانی نیز هستند که پس از سال‌ها همچنین خود را متربی می‌دانند و در جلسات حجۀاۀسلام علوی حضور می‌یابند و سخنرانی‌های ایشان را گوش می‌کنند و حتی سخنانی را که شنیده‌اند دوباره گوش می‌کنند.

نکته دیگر در بحث پایان فرآیند تربیت این است که انتهای این فرآیند نباید بن‌بست باشد. به‌عبارت‌دیگر نباید سیر تربیتی را به‌گونه‌ای طراحی نماییم که متربیان پس از رسیدن به یک مرحله دیگر امکان رشد نداشته‌باشند. اگر متربیان پس از طی مسیر تربیتی به انتهای آن برسند و راه را بسته ببینند، تراکم متربی اتفاق می‌افتد و موجب یکنواختی برای آنان و کندی کار برای گروه‌های بعدی می‌شود.

راهکاری که در این مجموعه برای این مسئله اندیشیده شده، این است که علیرغم این‌که انتهای این فرآیند بسته است و پس از پایان فرآیند تربیتی کسی از مجموعه خارج نمی‌شود یا از مسئولیت خلع نمی‌شود تا جا را برای دیگران باز کند، ولی همین نقطه پایانی پویا و متحرک است. درواقع کسی به انتهای فرآیند نمی‌رسد و پس از پایان یافتن هر مرحله، مراحل جدیدی تدوین می‌شود. این، موجب می‌شود که حتی اگر مربی درجایی از فرآیند تربیتی توقف

نمود، متربیان او می‌توانند او را پشت سر گذاشته و خود مسیر را ادامه دهند.

۶- فرآیند اجمالی

اگر بخواهیم فرآیند تربیتی این مسجد را به‌صورت اجمالی ارائه کنیم از دو طریق می‌توانیم اقدام نماییم. روش اول این است که با نگاهی از بیرون کلیات روند تربیتی مجموعه را بررسی کنیم؛ و روش دوم هم عبارت است از این‌که از نگاه کسی که از ابتدا وارد مسجد می‌شود سیر تطورات تربیتی را بازگو نماییم. نظر به اهمیت «فرآیند تربیتی» برای فهم بهتر مدل تربیتی مسجد صفا هر دو دیدگاه را در این بخش موردبررسی قرار می‌دهیم.

۶-۱- نگاه از بیرون

برای تبیین فرآیند تربیتی این مسجد باید گفت با توجه به سابقه ورود افراد در گروه و قرار گرفتن آنان در سطح نظام تربیتی، برنامه‌هایی که برای گروه‌ها برگزار می‌شود متفاوت است. به‌عنوان‌مثال برنامه‌هایی که در سال ۱۳۹۳ برای کسی که صفا ۱۵ است اجرا می‌شود باکسی که صفا ۷ هست بسیار تفاوت دارد.

بچه‌ها در سال‌های ابتدایی ورود به مسجد، تنها یادگیرنده هستند. این، بدان خاطر است که در این سال‌ها گاهی از جهت آشنایی با مسائل دینی در حد صفر هستند و گاهی جو خانواده آنان ضد دین است. به همین دلیل سعی می‌شود در سال‌های اول که شاکله شخصیتی فرد شکل می‌گیرد، خود افراد تربیت بشوند. لذا در این سن افراد فقط آموزش می‌بینند تا خودشان ساخته بشوند.

هرچند هدف مجموعه این است که افراد، سربازانی باشند که خودشان سربازساز بشوند، ولی در سال‌های اول یاد می‌گیرند که خودشان را بسازند و در همه زمینه‌ها قوی بشوند. کاری که در این مرحله انجام می‌شود این است که به بچه‌ها از همان اول القا می‌شود که هر مطلبی که یاد می‌گیرند باید روزی یاد بدهند و

این موجب می‌شود که متربیان باانگیزه و دقت بیشتری مطالب را بیاموزند.

بعد که بزرگ‌تر می‌شوند و وارد دانشگاه می‌شوند و محیط فکری و اجتماعیشان بازتر می‌شود باید نقش تأثیرگذاریشان را هم ایفا کنند. در این دوران علاوه بر متربی بودن نقش مربی بودن را نیز به عهده می‌گیرند. تا قبل از این دوره تأثیرپذیریشان بیشتر بود؛ ولی الآن باید نقش تأثیرگذاریشان بیشتر شود. در این مرحله کلاس‌هایی هم برای مربی‌گری برگزار می‌شود که در آن گفته می‌شود چگونه باید جذب کرد و...؛ البته خیلی از این مباحث با تجربه به دست می‌آید و در کنار آن نیاز به آموزش مستمر هم دارد. لذا افراد در حین اینکه مربی‌گری می‌کنند و کسب تجربه می‌نمایند آموزش مربی‌گری هم می‌بینند.

آنچه در همه ادوار این فرآیند تربیتی مشترک است این است که فضای حاکم بر این مجموعه همیشه به متربیان القا می‌کند که «دنبال رشد باش!». تا مدتی رشد برای او این‌طور تعریف می‌شود که دنبال آموزش باشد اما بعد از مدتی تعریف جدیدی پیدا می‌کند که شخص علاوه بر اینکه باید با مبانی دین آشنا شود باید دیگران را هم با این مبانی آشنا کند؛ یعنی تا سنی استفاده کننده است و از سنی به بعد باید هم استفاده کننده و هم استفاده دهنده باشد.

۶-۲- نگاه از درون

یک فرد در دوره راهنمایی در مدارس گوناگون توسط مربیان پرورشی مدارس یا دیگر معلمان که از سوی مسجد صفا در مدرسه حضور دارند جذب می‌شود و در مقطع دبیرستان در مدرسه اندیشه صفا یک مربی و سه کمک‌مربی، در سه عرصه جسم (ورزش)، روح (اخلاق) و عقل (معارف اسلامی) رشد می‌یابند. پس از پایان پیش‌دانشگاهی و ورود به دانشگاه به‌عنوان مربی پرورشی وارد یک مدرسه راهنمایی شده در یک بازه زمانی سه‌ساله به جذب متربیان خود می‌پردازد.

همزمان با این وظیفه دوره کارآموزی فرد در یکی از کارگروه‌های انتخابی او نیز سپری می‌شود و از سال چهارم دانشگاه، دوره

جدیدی در مسیر تربیتی خود را آغاز می‌کند. از این زمان، به مدت چهار سال علاوه بر اخذ مسئولیتی در یکی از کارگروه‌ها، در قالب «کمک‌مربی»، تربیت متربیان خود را که اکنون وارد مقطع دبیرستان شده‌اند، در مسجد و مدرسه پیگیری می‌کند. پس‌ازاین مرحله ممکن است علاوه بر مسئولیت کارگروهی، خود به‌عنوان مربی نیز گزینش شود و ممکن است تنها در همان مسئولیت کارگروهی ادامه کار دهد. به‌هرحال رشد تربیتی در سه عرصه جسم و روح و عقل هیچ‌گاه متوقف نمی‌شود.

گفتار هفتم: اصول تشکیلاتی

در مورد مسائل تشکیلاتی مجموعه مسجد صفا تاکنون مطالبی گفته شد. در بخش‌های آینده نیز ساختار مجموعه و دیگر موارد تشکیلاتی ذکر خواهد شد. اکنون به برخی از اصول تشکیلاتی به‌ویژه مسائل مرتبط با گروه‌های تربیتی را بیان خواهیم نمود.

۱- محوریت روحانیت و اصل تبعیت

به علت توانایی بالای حجۀاسلام علوی در مدیریت و علم، همه اعضای مسجد تبعیت محض از ایشان را پذیرفته‌اند و مدیریت و محوریت همه کارها متعلق به ایشان است. البته خود ایشان کارها را از طریق شورا اداره می‌کنند تا پس از ایشان مجموعه دچار فروپاشی و رکود نشود.

میزان و نحوه تبعیت از حاج‌آقا، با توجه به گروه و سن افراد متفاوت است. کسانی که تازه‌وارد مسجد شده‌اند، ازآنجاکه هنوز با شأن ایشان آشنا نیستند گاهی انتقاداتی می‌کنند. ولی پس از مدتی که جو تربیتی مسجد بر آنان غلبه یافت و فهمیدند که فاصله فراوانی میان آنان و حاج‌آقا وجود دارد تبعیت مطلق حاصل می‌شوند و خود را کاملاً در اختیار نظام تربیتی مسجد قرار می‌دهند. در دوره‌های بالاتر و در سطوح شورای اصلی مجموعه که افراد در موضع مشاور قرار می‌گیرند، ممکن است نظرات ارائه شده توسط افراد با نظر حاج‌آقا مخالف باشد. در چنین حالتی البته این‌چنین اظهارنظرهایی مخالفت با ایشان تلقی نمی‌شود. بااین‌حال عملاً به دلیل غلبه منطق و استدلال ایشان، غالباً سخن ایشان اجرایی می‌شود.

۲- شورایی بودن کارها

چنانکه گفته شد علیرغم اینکه تبعیت مطلق از حجۀاسلام علوی وجود دارد، خود ایشان اصرار دارد که کارها به روش شورایی انجام شود. به همین دلیل معمولاً تصمیم‌گیری‌ها به‌صورت جمعی و در قالب شورا صورت می‌گیرد. در این شورا حتی حاج‌آقا هم تنها یک رأی دارد و روش تصمیم‌گیری نهایی رأی‌گیری است. آقای علوی نه‌تنها اصرار دارد که کارها از طریق شورا و با رأی‌گیری انجام شود، بلکه تأکید می‌کند که «به حرف یکدیگر توجه کنید که بالأخره حقیقت از زبان یک نفر خارج خواهد شد.» درنهایت نیز پس از استماع نظرات مختلف، رأی‌گیری به عمل خواهد آمد. بااین‌همه در برخی موارد خاص، حاج‌آقا اعمال ولایت می‌کند و بدون رأی‌گیری و یا برخلاف نظر اکثریت، سخن ایشان اعمال می‌شود.

با توجه به این‌که تعداد اعضای شورا زیاد است (حدود ۲۵ تا ۴۰ نفر) و در مواقع ضروری تصمیم‌گیری فوری دشوار می‌شود، یک گروه غیررسمی ۳ تا ۵ نفره وجود دارد که متشکل است از اعضای کارکشته مجموعه و این‌چنین تصمیماتی در این گروه اخذ می‌شود.

در بخش «ساختار» به این قسمت بیشتر می‌پردازیم.

۳- هزینه زندگی مسئولین

یکی از مسائل تشکیلاتی مسئله امرارمعاش مسئولین مجموعه است. ازآنجاکه متربیان و مربیان این مسجد و به‌ویژه مسئولین عالی‌رتبه آن تقریباً تمام اوقات خود را در آن صرف می‌کنند، این سؤال به ذهن می‌رسد که هزینه زندگی آنان چگونه و از کجا تأمین می‌شود. تاکنون رویکرد مجموعه این بوده که اعضا اصلی و محوری مجموعه در خارج از مسجد شاغل نباشند. اصل این است که هر کس از این افراد به هر ترتیبی که می‌تواند مسائل مالی خود را حل کند و تمام‌وقت خود را برای کار در مسجد قرار دهد (مثلاً پولی را در جایی سرمایه‌گذاری کند و از سود آن زندگی خود را اداره نماید یا به‌صورت مقطعی کاری را در قالب یک پروژه که نیازی به خروج از مسجد نداشته‌باشد انجام دهد). در غیر این صورت از طرق دیگر که

مرتبط با مسجد است هزینه زندگی آنان تأمین می‌شود؛ مانند اینکه به‌واسطه مهندسی ساختمان‌های مسجد، اردوگاه، حسینیه و... یا کار در مدرسه اندیشه صفا و اقداماتی شبیه آن گذران زندگی کند. درصورتی‌که این کار هم امکان نداشت به خاطر فعالیت در مسجد ماهانه مبلغی به آنان پرداخت می‌شود. البته این مبلغ بسیار اندک است و تنها با استعانت از سنت قناعت که ارزشی والا در مجموعه شناخته می‌شود می‌توان با آن مبلغ زندگی نمود. این سیاست به خاطر آن است که اشخاص بدانند که غیر از مسجد در هرجای دیگر کار کنند درآمد بهتری خواهند داشت و کسی به خاطر پول در مسجد کار نکند.

نکته دیگر این‌که این کار یعنی پرداخت پول به افراد به‌صورت شفاف انجام نمی‌شود و کسی نمی‌داند چه کسی از مجموعه پول می‌گیرد.

آخرین مطلب این بخش هم این است که نیروهایی که در لایه‌های بعدی واقع شده‌اند و نقش محوری ندارند، می‌توانند به‌صورت رسمی در خارج از مجموعه شاغل شوند. مشاغلی که اینان در آن فعالیت می‌کنند غالباً تدریس در مدرسه است یا اینکه تعدادی از اعضای یک گروه با هم جمع شده و با یکدیگر مؤسسات و شرکت‌هایی را تأسیس می‌کنند. سیاست این مجموعه نیز آن است که در این صورت این مؤسسات صبغه فرهنگی داشته‌باشد. البته در برخی موارد نیز در مشاغل دیگری وارد می‌شوند.

۴- تعینی بودن مسئولیت‌ها

حضور منظم و بانشاط سر کلاس‌ها و موفقیت در امتحانات، در یافتن جایگاه مناسب اجتماعی در مجموعه و پذیرفتن مسئولیت‌های تشکیلاتی مؤثر است. به‌طورکلی سعی می‌شود که افراد در سه حوزه روح، جسم و عقل رشد داده شوند و کسانی که بهتر در این زمینه‌ها رشد کنند، سیستم آن‌ها را به سمت مسئولیت‌های بزرگ‌تر سوق می‌دهد و اینگونه نیست که کسی آن‌ها را انتخاب کند. به‌عبارت‌دیگر تعیناً مسئول می‌شوند نه تعییناً.

۵- تقسیم‌بندی گروهی

یکی از اساسی‌ترین اصول تشکیلاتی این مجموعه، تربیت متربیان در قالب گروه است. هر گروهی یک مربی و چند کمک‌مربی دارد که وظیفه تربیت اعضای گروه را به عهده دارند. برنامه‌های گروهی مسجد هم‌راستا با برنامه‌ها و ارزش‌های کل مجموعه تعریف می‌شود؛ یعنی همان‌طور که در مجموعه مسجد صفا به یک سری از مسائل مانند آشنایی با علوم اسلامی، ورزش، نشاط، درس و... ارزش داده می‌شود، در گروه‌ها نیز همین موارد پایه برنامه‌ریزی قرار می‌گیرد.

هرچند سیاست تربیت متربیان به روش گروهی از اصولی‌ترین و قدیمی‌ترین اصول تشکیلاتی مجموعه است، ولی نحوة اجرای آن تطوراتی را در مجموعه پشت سر گذاشته است. شاید بتوان این تطورات را در سه مرحله طبقه‌بندی نمود. در این صورت باید دوره بعد از صفا ۱۵ که هر گروه، سه گروه فرعی در خود دارد را مرحله جدیدی برشمرد. ما در این قسمت دو مقطع را بررسی می‌نماییم و در بخش تعداد اعضای گروه به روش این دوره نیز اشاره‌ای کرده‌ایم. دو روشی که در این بخش به آن پرداخته می‌شود عبارت‌اند از روش گذشته و روش کنونی.

۵-۱- روش گذشته

در گذشته هر گروه، هشت کمک‌مربی داشت و هرکدام یکی از موضوعات زیر را بررسی می‌نمود. «عقاید»، «اخلاق، «تبلیغات»، «آموزش»، «تربیت‌بدنی»، «آموزش نظامی»، «پذیرش و توسعه» و «تدارکات». پس از مدتی تصمیم بر این شد که نام برخی از کمک‌مربیان «کادر» گذاشته شود. به‌عبارت‌دیگر چون کسانی را که مواردی مانند «تدارکات» را پیگیری می‌کردند نمی‌توان مربی دانست، تصمیم گرفته‌شده مسئول تدارکات و پذیرش و... را که کارهای اجرایی گروه را انجام می‌دادند، اعضای کادر گروه بنامیم. پس از مدتی اشکال این روش نیز معلوم شد. اشکال تقسیم به مربی و کادر این بود که در ابتدای کار معلوم نبود چه کسی روحیه

کادری و چه کسی روحیه مربی‌گری دارد. برای حل این مشکل تصمیم گرفتیم برای استعدادیابی دانش‌آموزان دبیرستان، به آنان اجازه بدهیم که در مدارس راهنمایی شروع به کار کنند. بدین ترتیب پس از سه سال که روحیات این مربی شناخته شد، در زمانی که وارد دانشگاه شدند و باید به‌صورت رسمی به مربی‌گری بپردازند، نیروهایی که موردنیاز است در زمینه‌های فرهنگی و عقاید و ... استخراج شوند. در کنار این، هر یک از اعضا در نظام شورایی گروه‌ها، مسئولیتی دارد. درواقع یک دانشجوی سال اول دانشگاه علاوه بر مربی‌گری، به‌عنوان مسئول یکی از بخش‌های اجرایی انتخاب می‌شود و مثلاً در کارگروه بسیج، هیئت‌امنا، تربیت مربی، آموزش و ۱۴ کارگروه دیگر مسئولیت می‌گیرد. درمجموع ۱۷ کارگروه وجود داشت که اعضا باید در یکی از آن‌ها قبول مسئولیت می‌کردند.

۵-۲- روش کنونی

پس‌ازاین که این روش آزمایش شد تصمیم گرفتیم که هر گروهی سه مربی داشته باشد که عبارت‌اند از مربی فرهنگی، آموزش و تربیت‌بدنی. مربیان دیگر که عبارت بودند از پذیرش، توسعه و تدارکات، به‌عنوان کادر گروه مشغول شدند. مشکل این روش این بود که برخی از مربیان، هم در کارهای اجرایی موفق بودند و هم در کار مربی‌گری. درنتیجه گفتیم همه باید در وظیفهٔ کادری انجام‌وظیفه کنند و در ۱۷ کارگروه نقش ایفا کنند ولی تنها تعداد خاصی از آنان برای مربی‌گری در مدارس پرورش می‌یابند. نکته دیگر اینکه این سه نفر که در هر گروه سه بخش از وظایف مربی‌گری را به عهده دارند، درواقع کمک‌مربی‌های آن گروه هستند نه مربی. هر گروه یک مربی دارد که این سه کمک‌مربی زیر نظر او کار می‌کنند.

وظیفهٔ مربی، نظارت بر کار کمک‌مربیان و جبران ضعف‌های آنان است. علاوه بر آن اداره کل گروه و مسئولیت تربیتی آنان نیز به عهده اوست. مجموع این چهار نفر، گروه مربی‌گری را تشکیل می‌دهند.

چنانکه گفته شد این نظام، از دبیرستان آغاز می‌شود. هرچند کمک‌مربیان در قالب تیم‌های سه‌نفره مشغول جذب متربیان خود

در مدارس راهنمایی می‌باشند، ولی پس از ورود متربیان به دوره دبیرستان، با قرار گرفتن یک مربی در رأس گروه فرآیند تربیتی آغاز می‌شود.

ازآنجاکه همهٔ اعضا موظف‌اند در یکی از کارگروه‌های مسجد، مسئولیتی داشته باشند این سؤال مطرح می‌شود که چگونه این مسئولیت‌ها توزیع می‌شود. روش اخذ مسئولیت بدین ترتیب است که پس از انتخاب کارگروه موردنظر توسط خود شخص، در سه سالی که دوره آموزش مربی‌گری است، اشخاص دورهٔ کارآموزی را نیز در کارگروه‌ها طی می‌کنند. در این دوره شخص در کنار کارگروه‌ها کار می‌کند ولی مسئولیت ندارد؛ یعنی در جلسات شرکت می‌کند و نظر می‌دهد ولی مسئولیتی ندارد. پس از سه سال، به‌عنوان یکی از اعضا شورا محسوب و از او تکالیف مسئولیتی خواسته می‌شود.

۵-۳- تعداد اعضا گروه

با توجه به اصالت جمع در مدل تربیتی این مسجد، تعداد اعضای گروه حدود ۳۰ تا ۵۰ نفر است. مسئولین مسجد معتقدند کمتر از این تعداد برای کار تربیتی مناسب نیست. استدلال آنان این است که برای هر کاری یک عددی وجود دارد به نام «عدد شور». مثلاً وقتی هیئتی تشکیل می‌شود اگر حدود ۱۰ نفر در آن حضور داشته باشند «شور» لازم در آن پدید نمی‌آید. حال اگر همان هیئت، با حضور ۶۰ نفر تشکیل شود «شور» دیگری در آن پدید خواهد آمد. در مورد گروه تربیتی نیز همین‌طور است؛ یعنی برای تربیت انسان‌ها اگر در هر گروه تربیتی بین ۳۰ تا ۵۰ نفر متربی حضور داشته‌باشند شور جمعی پدید می‌آید و اهداف تربیتی راحت‌تر محقق می‌شود. این استدلال در مورد بسیاری از اقدامات جمعی صحیح است؛ مثلاً در ورزش وقتی ۳۰ نفر با هم در حال تمرینات ورزشی هستند نفس کشیدن و فریاد زدن همزمان آنان، شوری ایجاد می‌کند که در تمرین ۵ نفری به وجود نمی‌آید. البته در مورد گروه‌های تربیتی باید گفت بیش از ۵۰ نفر کار را از دست مربی خارج می‌کند و امکان تربیت سلب می‌شود.

این سیاست تا زمانی که تنها یک گروه (صفا ۵ و ۶)، به دلیل فاصله‌ای که بین تشکیل آن و گروه بعدی اتفاق افتاد، در طول چند سال متوالی اقدام به جذب می‌کرد، به‌صورت ثابتی ادامه می‌یافت. ولی از وقتی صفا ۷ نیز وارد گردونه جذب نیرو شد و بنا شد این گروه هم علاوه بر گروه قبلی به وظیفه جذب بپردازد، رشد جمعیت اتفاق افتاد. به‌طوریکه صفا ۱۵ که اعضای آن، توسط صفا ۷ و صفا ۵ و ۶ جذب شدند رشد چشمگیری داشت. در سالی که این گروه جذب شد، برخلاف گروه‌های قبلی که حداکثر ۵۰ نفر بودند، حدود ۱۵۰ نفر همزمان وارد مسجد شدند. با توجه به پیدایش چنین پدیده‌ای و این‌که هر گروه تربیتی حداکثر باید ۵۰ نفر عضو داشته‌باشد، این گروه به سه گروه ۵۰ نفری تقسیم گردید. در این صورت هر گروهی یک مربی و سه کمک‌مربی دارد و درمجموع هر سه گروه صفا ۱۵ زیر نظر یک سرمربی کار می‌کنند.

۵-۴- معیار عضویت در گروهای مختلف

روش جذب اعضا از یک‌سو و جذابیت‌های گروه همسالان برای آن‌ها از سوی دیگر موجب گردیده است تا ملاک تشکیل و عضویت در هر گروه، سن و مقطع و سال تحصیلی او باشد. بطوریکه همه افرادی که جذب مسجد شده‌اند و در اول مهر آن سال وارد دبیرستان شده‌اند در یک گروه سازماندهی می‌شوند. حتی اگر کسی در مدرسه جذب نشده باشد و از میانه راه به مجموعه پیوسته باشد در گروهی متناسب با سن خود قرار خواهد گرفت. به‌طور مثال اگر شخصی به برنامه‌های تربیتی مسجد علاقه‌مند باشد و بخواهد این فرآیند را طی کند، ولی در مدرسه راهنمایی توسط مربیان پرورشی مسجد جذب نشده باشد و اکنون در سال سوم دبیرستان تحصیل می‌کند، در گروهی قرار می‌گیرد که اکنون سال سوم دبیرستان هستند.

۵-۵- استقلال نسبی گروه‌ها

یکی از اصول تشکیلاتی مجموعه این است که هر گروهی هویت واحد دارد و در برنامه‌های خود دارای استقلال نسبی است.

این کار موجب می‌شود با توجه به جوان بودن اعضا، علاوه بر خلاقیت‌های کاری که ناشی از خودباوری فردی و جمعی اعضاست، مدیریت مجموعه نیز آسان‌تر می‌شود. از سوی دیگر تقسیم مسئولیت‌ها که یکی از جذابیت‌های مساجد برای اعضای جوان و نوجوان است در سطح گروهی صورت می‌گیرد و مسئولیت‌های کل مجموعه به عهده افراد باتجربه و متخصص است. بدین ترتیب جوان‌گرایی که موجب طراوت مجموعه، جذب جوانان، خلاقیت و ده‌ها مورد دیگر از محاسن تشکیلاتی است در کنار تجربه‌گرایی و تخصص‌گرایی که جبران‌کننده نقاط ضعف جوان‌گرایی است ترکیب مناسب را تشکیل می‌دهند.

سپردن کارهای کلان مجموعه در قالب پروژه به یک گروه، یکی از روش‌های اعطای هویت و استقلال به گروه‌هاست. به‌عنوان‌مثال مسئولیت برگزاری اردوی معرفتی هرسال که به‌صورت یک‌ماهه اجرا می‌شود به یک گروه داده می‌شود و برگزاری مراسمات و چراغانی و جشن‌های نیمه شعبان آن سال به گروه دیگر سپرده می‌شود. این کار موجب می‌شود که هر گروه برای اجرای موفق وظیفه خود به‌خوبی بیندیشد و ایده‌ها و طرح‌های خلاقانه‌ای را اجرا کند. همچنین جذب بودجه و دیگر دردسرهای اجرایی چنین کارهای بزرگی که بسیار وقت‌گیر و مشکل‌آفرین است، از عهده مدیریت مجموعه برداشته شده و به گردن گروه‌ها می‌افتد. البته مدیران مجموعه در این امور نیز نسبت به گروه‌های مذکور نقش نظارت و همکاری را ایفا می‌کنند، ولی ازآنجاکه اصل کار متولی خاص دارد، مسئولین پایه‌یک مجموعه به اداره امور کلان‌تر و رهبری سیر تربیتی مسجد می‌پردازند.

۵-۶- وجود فضای لازم برای هر گروه

یکی از اصول تشکیلاتی که از ثمرات استقلال گروه‌ها و محوریت گروه برای انجام کارهای تربیتی است، لزوم وجود فضای مناسب برای هر گروه به‌طور مجزا از گروه‌های دیگر است. آنچه مهم است این است که ازآنجاکه هر گروه باید استقلال خود را نسبت به دیگر گروه‌ها حفظ کند و حتی‌المقدور باید از تداخل

میان آنان جلوگیری نمود، باید برای هریک از گروه‌ها مکان مستقلی در مسجد فراهم کرد تا بتوانند به‌راحتی در آنجا به انجام اقدامات تربیتی بپردازند. به همین دلیل به هر گروه یک سالن داده می‌شود تا مربی بتواند در آن فضا گروه را جمع کند و وظایف تربیتی خود را انجام دهد. تا دوره صفا ۷ این امکان وجود داشت و به هر گروه اتاقی داده می‌شد. ولی پس از آن‌که این گروه وارد مسجد شدند و فضای تربیتی مطالبه نمودند، ازآنجاکه فضای مسجد برای این کار کافی نبود، تجدید بنای مسجد را آغاز کردیم.

این سیاست تا آنجا اهمیت دارد که حتی زمانی که برای اردو به اردوگاه می‌رویم، برای هر گروه چادری جداگانه علم می‌کنیم تا در آن استقرار یابند و اختلاط میان گروه‌ها صورت نگیرد. ثمره‌ای که این کار دارد این است که علاوه بر آسایش و آرامش برای کارهای تربیتی گروهی، موجب حفظ هویت و حیثیت گروهی می‌شود و از التقاط گروه‌ها جلوگیری می‌شود.

گفتار هشتم: محتوا

مبنای انسان‌شناسی حاکم بر این مسجد که ریشه پدید آمدن نظام تربیتی آن است انسان را موجودی دارای سه بعد جسم، روح و عقل می‌داند؛ درنتیجه محتوای تربیتی این مجموعه نیز باید ابعاد مختلف وجود انسان را که عبارت از این سه ساحت است، تقویت نماید. به همین دلیل برای هریک از این ابعاد وجودی انسان برنامه‌هایی برای تربیت همه‌جانبه متربیان در نظر گرفته شده است.

برنامه‌های آموزشی، متکفل پوشش دادن رشد عقلی متربیان است. کلاس‌های ورزشی و برخی بازی‌ها بخش جسمی انسان را تقویت می‌کند و کلاس‌های اخلاقی، هیئت مذهبی و برنامه‌های متعدد دیگر معنوی، ساحت اخلاقی اعضا را تربیت می‌نماید.

۱- علم

برای تقویت عقلی متربیان علوم اسلامی تدریس و تحصیل می‌شود و بر کسب علوم حوزوی علاوه بر علوم دانشگاهی تأکید می‌شود. درواقع می‌توان بخش آموزشی و معرفتی این مدل تربیتی را به سه قسمت کلان تقسیم نمود که عبارت‌اند از کلاس‌های حوزوی، کلاس‌های معرفتی مسجد و مطالعه. دروس حوزوی زیر نظر حوزه علمیه اجرا می‌شود و دروس مسجد به صلاحدید مسئولین مسجد آموزش داده می‌شود.

۱-۱- کلاس‌های حوزوی

درگذشته که امکان آموزش دروس حوزوی به‌صورت غیرحضوری وجود داشت، عده‌ای از متربیان مسجد اقدام به تحصیل همزمان علوم دانشگاهی در دانشگاه و علوم حوزوی به‌طور غیرحضوری

می‌کردند. پس از لغو روش غیرحضوری در حوزه، مجموعه به این فکر افتاد که روش جایگزینی ارائه دهد تا امکان ادامه تحصیل دروس حوزوی، پس از اتمام دروس دانشگاهی در سطوح بالاتری از حوزه وجود داشته باشد. برای این کار از مرکز مدیریت حوزه علمیه درخواست شد که بدون اینکه اعضا را از مزایایی مانند شهریه و معافیت از خدمت سربازی و... بهره‌مند کنند اجازه دهند متربیان این مسجد همراه با دیگر طلاب در آزمون‌های حوزه شرکت کنند و نمره آنان ثبت شود. علیرغم موافقت‌های اولیه، این طرح به مرحله اجرا نرسید و به همین دلیل تصمیم گرفته شد یک حوزه علمیه زیر نظر مسجد، ثبت شود. اکنون نیز مراحل پیگیری این تصمیم در حال طی شدن است و هنوز به‌طور رسمی حوزه علمیه مسجد صفا به ثبت نرسیده است.

۱-۲- کلاس‌های معرفتی مسجد

کلاس‌های آموزشی مسجد غالباً در سه عنوان «احکام و فقه»، «اخلاق» و «عقاید» تعریف می‌شود و البته کلاس‌های جنبی مانند تاریخ، منطق، فلسفه و... نیز برگزار می‌شود. با توجه به طبقه‌بندی این گزارش که بر مبنای ابعاد وجودی انسان از منظر رویکرد غالب مسجد صفا صورت گرفته است، توضیح کلاس‌های اخلاق در قسمت مخصوص به خود ارائه می‌شود و در این بخش تنها به دیگر عنوان‌های آموزشی می‌پردازیم:

۱-۲-۱- روش برگزاری کلاس

کلاس‌های دروس اسلامی مسجد در قالب برنامه‌های گروهی اجرا می‌شود. ابتدا با احکام و اصول اعتقادات در سطح مقدماتی شروع می‌شود و هرچه گروه به پیش می‌آید سطح این آموزش هم بالاتر می‌رود. مثلاً در احکام ابتدا کتاب آموزش احکام آقای فلاح‌زاده گفته می‌شود و در اصول عقاید کتاب ۵۰ درس آقای مکارم. برای اخلاق نیز کتاب سیاحت غرب آقای قوچانی مورد بحث قرار می‌گیرد. در بخش احکام در سطح بعدی برای دیپلم و پیش‌دانشگاهی لمعه تدریس می‌شود.

روش اجرای کلاس‌های آموزشی به این صورت است که برنامه کلاس‌ها اعلام می‌شود و استاد هم دعوت می‌شود. کلاس‌ها در طول سال برگزار می‌شود با این توضیح که در تابستان‌ها به‌صورت فشرده‌تر و متمرکزتر پیگیری می‌شود. استاد این کلاس‌ها نیز معمولاً از کسانی است که در همین مسجد این کلاس‌ها را گذرانده و اکنون در مراحل بالاتر قرار دارد.

محوریت و مدیریت در کلاس‌های گروهی مسجد با مربی است و چند کمک‌مربی هم بالای سر هر گروه حضور دارند اما این بدان معنی نیست که مربی گروه، مسئولیت تدریس همه موارد را به عهد داشته‌باشد، بلکه اگر کسانی در زمینه‌ای خبره باشند و در گروه‌های دیگر باشند از آنان دعوت می‌شود تا آن موضوع را تدریس کنند.

۱-۲-۲- روش تدریس

روش تدریس در گروه، همان سبک حوزه است و به‌صورت مباحثه‌ای انجام می‌شود. اگر متن کتاب، فارسی باشد دو گونه روش تدریس وجود دارد: گاهی از روی کتاب خوانده‌می‌شود و بعضی وقت‌ها نیز بدون مراجعه به کتاب، محتوای درس توضیح داده می‌شود و بچه‌ها خودشان کتاب را می‌خوانند. ولی اگر کتاب عربی باشد در کلاس خوانده می‌شود و همانطور که خوانده می‌شود شرح و توضیح داده می‌شود و پس از کلاس بچه‌ها در گروه‌ها درس‌ها را مباحثه می‌کنند.

به‌عنوان‌مثال یکی از گروه‌ها، تابستان همین امسال کلاس سطح ۳ عقاید را داشتند که کتاب بدایةالمعارف توسط حجت‌الاسلام علوی تدریس می‌شد. روش تدریس این کتاب اینگونه بود که هر شب ۲ ساعت تدریس صورت می‌گرفت و نیم ساعت بعد از کلاس مباحثه انجام می‌شد.

هر گروه مباحثه ۲ تا ۳ نفر است. کسی که از میان اعضای گروه اطلاعات دینی بیشتری داشته باشد به‌عنوان مسئول گروه مباحثه انتخاب می‌شود و جلسات مباحثه را اداره می‌نماید. در پایان نیز از کلاس‌های برگزار شده امتحان به عمل می‌آید.

۱-۲-۳- محتوای آموزشی

پویایی مجموعه موجب گردیده تا منابع و حتی عنوان‌های آموزشی گروه‌های گوناگون تربیتی در مسجد، با یکدیگر تفاوت داشته‌باشند. به همین دلیل نمی‌توان نظام آموزشی ثابتی را از جهت محتوایی برای مسجد ارائه نمود. البته برای جلوگیری از کلی‌گویی به چند مثال اشاره می‌کنیم و درنهایت برنامه آموزشی یکی از گروه‌ها را به‌طور تفصیلی عرضه می‌نماییم. برای تبیین تفاوت محتوای گروه‌ها باید گفت مثلاً یکی از گروه‌ها در سال اول دبیرستان برای بخش آموزش عقاید کتاب ۵۰ درس از اصول عقاید آیت‌الله مکارم شیرازی را مطالعه کردند و گروه دیگر آموزش دین علامه طباطبایی را؛ برخی دیگر نیز از کتاب بدایه‌المعارف آقای فرازی بهره بردند.

به‌طورکلی تأکید ما این است که بچه‌ها کتاب‌های منبع و دست‌اول را بخوانند که اغلب کتاب‌های حدیثی هستند. این رویکرد حتی درزمینهٔ اصول عقاید هم وجود دارد؛ مثلاً درگذشته کتاب باب حادی‌عشر را جهت آموزش اصول عقاید می‌خواندند.

در ذیل جدول آموزشی یک دوره را مشاهده می‌کنید:

موضوعات		سال اول		
		موضوع	کتاب	قالب
آموزش‌های اسلامی	اصول اعتقادی	آشنایی با عقاید اسلامی	اصول پایه ۱ حوزه	کلاس حضوری با استاد
	اخلاق اسلامی	ارزش‌های رفتاری	جزوات مورد تدوین	گعده‌نشینی با مربیان
	احکام و فقه	احکام مبتلابه	احکام پسران	کلاس حضوری با استاد

آموزش‌های جنبی	تاریخ	سیره اهل‌بیت	///	پربار نمودن مناسبت‌ها
	قرآن	روانخوانی و مفاهیم	جلد اول آقای محدث	کلاس حضوری با استاد
	علوم حدیث	آشنایی با کلام اهل‌بیت	نامه ۳۱ نهج‌البلاغه	گعده‌نشینی‌ها و ابتدای جلسات
مطالعه کتب		زندگینامه شهدا و علما	کتب سوره	تشکیل کتابخانه
زبان انگلیسی		آشنایی با سطح ۱	؟؟؟	تشکیل موسسه
مهارت‌های ویژه		مهارت جوب	///	کارگاه آموزشی
		خوشنویسی قلم ریز	آموزش خط نارنجی	سیر آموزشی
تربیت بدنی		بدنسازی عمومی	///	باشگاه ورزشی

موضوعات		سال دوم		
		موضوع	کتاب	قالب
آموزش‌های اسلامی	اصول اعتقادی	انسان‌شناسی	انسان و ایمان/ انسان در قرآن	کلاس حضوری با استاد
	اخلاق اسلامی	آشنایی با آثار اعمال	کیفر گناه	کلاس حضوری با استاد
	احکام و فقه	احکام مبتلابه	رساله مرجع	سیر آموزشی
آموزش‌های جنبی	تاریخ	سیره پیامبر	فرازهایی از تاریخ پیامبر	کلاس حضوری با استاد
	قرآن	روانخوانی و مفاهیم	جلد دوم آقای محدث	کلاس حضوری با استاد
	علوم حدیث	استبصار	اسرار آل محمد	کلاس حضوری با استاد
مطالعه کتب		مبانی فکری اسلامی	کتب شهید مطهری	سیر آموزشی

زبان انگلیسی	آشنایی با سطح ۲	؟؟؟	ادامه تحصیل در موسسه
مهارت‌های ویژه	مهارت فلز	/ / /	کارگاه آموزشی
	خوشنویسی قلم درشت	/ / /	سیر آموزشی
تربیت‌بدنی	آموزش تخصصی	/ / /	باشگاه ورزشی

موضوعات		سال سوم		
		موضوع	کتاب	قالب
آموزش‌های اسلامی	اصول اعتقادات	کلام قدیم	باب حادی عشر	کلاس حضوری با استاد
	اخلاق اسلامی	یاد مرگ	سیاحت غرب	کلاس حضوری با استاد
	احکام و فقه	احکام مبتلابه	تلخیص تحریرالوسیله	کلاس حضوری با استاد
آموزش‌های جنبی	تاریخ	سیره امیرالمؤمنین	فروغ ولایت	سیر مطالعاتی
	قرآن	روانخوانی و مفاهیم	جلد سوم آقای محدث	کلاس حضوری با استاد
	علوم حدیث	صفات متقین	خطبه همام	گعده نشینی با مربیان
مطالعه کتب		مبانی فکری اسلامی	کتب شهید مطهری	سیر آموزشی
زبان انگلیسی		آشنایی با سطح ۳	؟؟؟	ادامه تحصیل در موسسه
مهارت‌های ویژه		مهارت برق	/ / /	کارگاه آموزشی
		طراحی و نقاشی	/ / /	سیر آموزشی
تربیت‌بدنی		آموزش تخصصی	/ / /	باشگاه ورزشی

۱-۳- مطالعه

در بخش تربیت علمی مجموعه، علاوه بر برگزاری کلاس‌های مختلف برنامه‌های مطالعاتی نیز وجود دارد. معمولاً به‌طورمتوسط سالانه یک کتاب در هر یک از سرفصل‌های آموزشی تدریس می‌شود و دو کتاب هم مانند الغدیر، میزان الحکمه، مهدی موعود و... به‌صورت گروهی مطالعه می‌شود اما از جهت مطالعه فردی در مجموعه ضعف وجود دارد. البته ضعف و قوت مربیان نیز در این زمینه بی‌تأثیر نیست. برخی از مربیان پیگیری‌های خوبی نسبت به اعضای گروه دارند و کتاب‌های شهید مطهری نیز در این گروه‌ها مطالعه می‌شود.

۱-۳-۱- روش مطالعه

یکی از رایج‌ترین روش‌های مطالعه در این مسجد، مطالعه دسته‌جمعی است. در این روش اعضای گروه یا برخی از اعضای گروه که با هم صمیمیت بیشتری دارند دور هم جمع می‌شوند و یکی از آنان کتابی را به‌صورت بلند قرائت می‌کند و بقیه گوش می‌دهند. گاهی ممکن است در یک زمان و در یک اتاق که متعلق به یک گروه است چند حلقه تشکیل شده‌باشد که در حال قرائت کتاب‌های مختلف می‌باشند.

۱-۳-۲- سیر مطالعاتی

در این مجموعه برنامه مستقلی با نام «سیر مطالعاتی» وجود ندارد ولی اگر قرار باشد یک سیر مطالعاتی معرفی شود، آثار شهید مطهری برگزیده خواهد شد. البته شایان‌ذکر است که ما در مجموعه نسبت به برخی از کتاب‌های ایشان دید انتقادی نیز داریم؛ به‌عنوان‌مثال، اگر بخواهیم آن‌گونه که ایشان در کتاب حماسه حسینی به مسئله عاشورا می‌نگرند نگاه کنیم، هیئت را باید تعطیل کنیم و در مورد صحت روضه‌ها بحث نماییم. یا در مسئله حجاب به نگاه شهید مطهری نقد داریم و... .

۱-۳-۳- خواندن یا شنیدن

به‌طورکلی در فرهنگ ایرانی و ازجمله در این مسجد، شنیدن جایگاه بیشتری نسبت به خواندن دارد. لذا تمایل متربیان نسبت به استماع سخنرانی‌ها بیشتر از مطالعه آثار مکتوب است. در انتخاب سخنرانی هم اصل با سخنرانی‌های حجۀاسلام علوی است. اگر موضوع موردنیاز در سخنرانی‌های ایشان وجود داشت از نوارها و CD های ایشان بهره می‌برند و گرنه متربیان را به سخنرانی دیگران رجوع می‌دهیم. حتی یکی از برنامه‌هایی که متربیان انجام می‌دهند پیاده‌سازی سخنرانی‌های حجۀاسلام علوی، از روی نوارها و CD ها است.

۱-۴- دروس رسمی

علاوه بر دروس اسلامی که مورد توجه خاص ما در مسجدصفا است، دروس رسمی نیز از زیرشاخه‌های بخش آموزشی مسجد قرار می‌گیرد. البته ناگفته پیداست که این دروس از جهت اهمیت به حد دروس حوزوی یا کلاس‌های آموزشی مسجد نمی‌رسد؛ ولی بااین‌حال بسیار مورد تأکید مسئولین مجموعه است.

روشن‌ترین بخشی که نشان‌گر این پدیده است، پیگیری‌های مربیان مسجد از متربیان خود در قالب معلم مدرسه است. توضیح این‌که یکی از برنامه‌هایی که زیر نظر مسجد صورت می‌گیرد، اداره مدرسه اندیشه صفا است. درواقع ازآنجاکه متربیان مسجد دانش‌آموزان مدرسه هستند و یک مربی در هر دو جایگاه با اعضا در ارتباط است، ناخودآگاه به پیگیری امور درسی و تحصیلی متربیان می‌پردازد. درنتیجه یکی از تذکرات دائم مربی به متربیان خود تذکر درزمینۀ درس مدرسه است. همین حالت برای متریبانی که در مقطع راهنمایی تحصیل می‌کنند قابل‌تصور است.

در مقطع دانشگاه نیز به موفقیت تحصیلی دانشجویان اهمیت داده می‌شود. در مشاوره‌های خصوصی، در جلسات گروهی و در سخنرانی‌های عمومی این مهم به مخاطبین گوشزد می‌شود که باید در دروس دانشگاهی بهترین نمرات را کسب کنند. این تأکید

تا جایی است که از آنان خواسته می‌شود کارنامه هر ترم خود را به مربی خود تحویل دهند تا رشد علمی آنان موردبررسی قرار گیرد.

۲- اخلاق

برای تربیت متربیان این مسجد در بعد قلبی برنامه‌های معنوی و اخلاقی متعددی تدارک دیده‌شده است. شاید بتوان گفت این بعد انسانی و این ساحت تربیتی اهمیتی ویژه دارد و در همه برنامه‌های دیگر مجموعه به‌صورت جنبی حضور دارد؛ اما اگر بخواهیم برنامه‌های مهم تربیتی مسجد را طبقه‌بندی نماییم می‌توان آن‌ها را در دو گروه بزرگ کلاس اخلاق و دیگر برنامه‌ها تقسیم نمود.

۲-۱- کلاس اخلاق

چنانکه گفته شد یکی از کلاس‌های آموزشی گروهی که در دوران دبیرستان در مسجد برگزار می‌شود به موضوع اخلاق تعلق دارد. در این کلاس‌ها موضوعاتی مانند شرح رساله بحرالعلوم، رساله لقاءالله، چهل حدیث حضرت امام، شرح زیارات، سیاحت غرب و ... مورد بررسی قرار می‌گیرد که یک نمونه آن در جدول محتوای آموزشی که در فوق بیان شد وجود دارد.

درواقع مطلبی که در مورد تنوع محتواهای آموزشی، در بخش «آموزش» گفته شد در اینجا نیز صادق است و در کلاس‌های اخلاق نیز دوره‌های مختلف، کتاب‌های متفاوتی را محور کار خود قرار می‌دهند. مثلاً در یک دوره در سال اول دبیرستان برای درس اخلاق کتاب سیاحت غرب منبع است و در سال دوم کتاب اخلاق ۱ حوزه (آداب) مباحثه می‌شود و در سال سوم کتاب اخلاق حسنه ملأ محسن فیض کاشانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این در حالی است که گروه دیگری برای سال اول جزوات اخلاقی تهیه شده در مسجد را می‌خوانند و سال دوم گناهان کبیره آقای دستغیب را و در سال سوم به سیاحت غرب می‌پردازند.

اینکه این کتاب‌ها چرا انتخاب شده‌اند انتخاب خود حجۀاۀسلام آقای علوی بوده و به نظر ما، این کتاب‌ها، کتاب‌های خوب و

مناسبی هستند؛ مثلاً اخلاق حسنه در اخلاق نظری و رساله لقاءالله در اخلاق عملی کتاب‌های خوبی هستند.

نکته مهمی که در درس اخلاق وجود دارد این است که مدرس اخلاق از کسانی که ملبس به لباس روحانیت هستند انتخاب می‌شود و هرکسی حق ندارد به تدریس مباحث اخلاقی بپردازد.

آخرین نکته در این بخش نیز آن است که کلاس‌های اخلاق، تنها در دوره دبیرستان وجود دارد و پس‌ازآن به برنامه‌های دیگر اخلاقی اکتفا می‌شود.

۲-۲- برنامه‌های اخلاقی دیگر

برای ایجاد روح اخلاقی در متربیان و تقویت بعد قلبی آنان علاوه بر کلاس‌های اخلاق برنامه‌های فراوان دیگری تدوین شده و به‌طور دائم در حال اجراشدن است که در ادامه به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۲-۱- مراقبت‌های اخلاقی

مهم‌ترین برنامه اخلاقی که البته قابل جداسازی از دیگر برنامه‌های مسجد نیست، مراقبت دائمی مربی از متربیان خود در جنبه‌های اخلاقی است. درواقع هرچند مربی موظف به مراقبت از متربی خود در هر سه بعد عقل و جسم و قلب است؛ ولی ازآنجاکه مسائل اخلاقی انسان، همهٔ عرصه‌های زندگی او را دربر می‌گیرد و همه حرکات و سکنات بشر حاکی از میزان رشد قلبی اوست، مربی همواره با بررسی رفتارهای متربی خود، نسبت به اصلاح اخلاقی او تذکر می‌دهد.

در کنار این روش تربیتی مراقبتی، برنامه‌های مستقل دیگری نیز وجود دارد که به برخی از آنان اشاره می‌شود.

۲-۲-۲- جلسات هفتگی

از اولین و پرسابقه‌ترین برنامه‌های مسجد صفا، جلسات پنجشنبه‌شب‌های حجت‌الاسلام علوی است. توضیح آن‌که شب‌های جمعه پس از نماز مغرب و عشا یکی از دعاها و زیارات (مثلاً زیارت وارث یا زیارت عاشورا) خوانده‌می‌شود و پس‌ازآن، سخنرانی

حجت‌الاسلام علوی آغاز می‌شود. معمولاً موضوع این بیانات مسائل اخلاقی است و گاه‌گاهی نیز به پرسش و پاسخ می‌گذرد. بعد از سخنرانی نیز چنددقیقه‌ای روضه‌خوانی انجام می‌شود.

شایسته است در اینجا به نسبت میان عقلانیت و احساسات بپردازیم. درواقع در این قسمت باید معلوم کنیم از این رویکرد چه نسبتی میان عواطف، شور و احساسات با عقلانیت و شعور وجود دارد.

درواقع، ما معتقدیم شعوری که به شعار بینجامد موجب ثبات است و شعاری که شور بیافریند شعور را تثبیت می‌کند. هرچند احساسات و عواطف و هیجان در مجموعه بسیار به چشم می‌خورد ولی محتوای آن طوری طراحی شده است که همه شورها مبتنی بر عقلانیت و شعور باشد. درنتیجه در مراسم‌های عزاداری که در مسجد یا در هیئت سیار اجرا می‌شود، از ۲ ساعت مراسم ۱ ساعت و ۵۰ دقیقه به مناجات و تا حدی روضه‌خوانی می‌گذرد و ده دقیقه شور سینه‌زنی وجود دارد.

برنامه‌های دیگری نیز وجود دارد که در این مختصر، مجال پرداختن به آن‌ها نیست. مثلاً می‌توان به توزیع سالنامه‌هایی جهت نگارش رفتارهای روزانه و محاسبه اعمال در شب اشاره نمود. همچنین می‌توان به برگزاری مراسمات عزاداری و مناجاتی، بیداری برای نماز شب در مسجد، اردوهای زیارتی و... اشاره کرد.

۳- ورزش

سومین بُعد از ابعاد وجودی انسان بعد جسمانی است که برای تقویت آن برنامه‌های ورزشی متعددی در مجموعه دیده‌شده است. در مورد ورزش این‌گونه برنامه‌ریزی شده است که همه متربیان باید به‌صورت هفتگی در کلاس ورزشی شرکت کنند. تا جایی که هر کس موظف است همزمان با ورود به دانشگاه کمربند مشکی را در یکی از رشته‌های ورزشی اخذ کرده باشد. برای این کار علاوه بر اینکه هر گروهی با دعوت از یک استاد و حضور در باشگاه به تمرینات و آموزش‌های ورزشی می‌پردازد، در زیرزمین مسجد

نیز باشگاهی برای تمرینات وجود دارد که اعضا می‌توانند استفاده کنند. گاهی فعالیت‌های ورزشی دیگری که جنبه‌های تفریحی هم دارد مانند کوهنوردی و دوچرخه‌سواری نیز در برنامه قرار می‌گیرد. همچنین کشتی، مبارزات کاراته، بازی «زو» و... نیز در اردوها و غیر آن انجام می‌شود.

۴- سیاست

به نظر ما، مسائل سیاسی جزء مسائل زیربنایی دین نیست و روبناست. لذا در سیر آموزشی و تربیتی مسجد توجه مستقلی به این بخش نمی‌شود. درواقع باید دید دین چه می‌گوید. اصول و مبانی دینی است که مبنای سیاست و دیگر ابعاد قرار می‌گیرد و سیاست استقلالی ندارد. حضرت امام هم سیاستمدار نبودند؛ بلکه دیندار بودند. رفتار دینی ایشان در عرصه سیاسی به‌صورت اقدامات سیاسی ظهور می‌یافت. امیرالمؤمنینعلیه السلام هم سیاستمدار نبودند؛ بلکه وظیفه امامت خود و رفتار حق را انجام می‌دادند و اگر قرار بود رفتار سیاسی کنند، به فرموده خود ایشان، از معاویه سیاستمدارتر بودند. به‌هرحال آنچه در این مجموعه به‌عنوان محتوای تربیتی بیان می‌شود مسائل دینی است. اگر توحید و نبوت درست تقریر شود از دل آن امامت بیرون می‌آید؛ چنانکه اهل سنت در خداشناسی و نبوت نیز با شیعه اختلاف دارند و اگر همهٔ این‌ها درست تبیین شود، از دل آن ولایت‌فقیه بیرون خواهد آمد که نقطه تلاقی دین و سیاست است.

نپرداختن مستقیم به مسائل سیاسی در مجموعه، موجب شده تا متربیان مختلفی با گرایش‌های متفاوت سیاسی در مسجد حضور یابند و به خاطر اختلاف سیاسی با مسئولین مجموعه، از آن جدا نشوند.

درواقع مجموعه ما هیچ‌وقت وارد جناح‌بندی‌های راست و چپ و ... نشده است؛ هرچند گاهی در برخی شرایط در مورد بعضی اشخاص سیاسی اظهارنظر صورت گرفته است. اساساً این مسجد شأن تربیت را بالاتر از آن می‌داند که سیاست را وارد آن کند و مثلاً

بگوید مسجد ما «راستی» است یا «چپی» تا باعث شود طرفداران جناح مقابل از آن کناره بگیرند. این مسجد دینی است و هر کس بخواهد کار تربیتی بکند می‌تواند وارد آن شود. واقعیت هم این است که هیچ‌یک از دو جناح چپ و راست مطابق با دستورات دینی رفتار ننموده‌اند و ما به این نتیجه رسیده‌ایم که باید مستقیماً زیر نظر ولایت‌فقیه باشیم.

البته نکته‌ای که وجود دارد این است که در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی، خود حجت‌الاسلام علوی در تحلیل‌های سیاسی بسیار مبرز است و اگرچه مواد خام اطلاعاتی به‌صورت کامل در دسترس ایشان نباشد، ولی مبتنی بر مبانی دینی به‌خوبی مسائل روز را تحلیل می‌کند. لایه بعدی ایشان نیز کم‌وبیش همینطورند؛ ولی لایه‌های پس‌ازآن، به‌ویژه نوجوانان، چندان قدرت تحلیل مسائل سیاسی را ندارند و بیشتر با محوریت گروه و متأثر از سرگروه و مربی خود می‌باشند. البته مبانی اعتقادی لازم برای تحلیل مسائل روز به‌تدریج در اختیار آنان قرار می‌گیرد. به همین دلیل هر چه رشد می‌کنند، روشن‌تر می‌شوند.

فصل دوم: ابعاد و ساختار مجموعه تربیتی مسجد صفا

گفتار اول: روش تربیتی مسجد صفا

پس از بیان تاریخچه، هدف و محتوای تربیتی مسجد صفا، در این مبحث، روش تربیتی این مجموعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته در این قسمت تنها مدل کلی تربیتی این مسجد ارائه خواهد شد و به اصول و ملاحظات تربیتی که در این مدل موردتوجه قرار دارد در بخش‌های دیگری پرداخته‌می‌شود.

روش تربیتی مسجد صفا اینگونه است که گروه‌ها به خاطر کلاس‌های آموزشی و جلسات کاری تشکیل جلسه می‌دهند و در مورد مسائل اجرایی بحث می‌کنند یا درس‌های مختلف را می‌آموزند. در لابه‌لای این جلسات و به خاطر حضور حداکثری متربیان در محیط تربیتی مسجد، از طریق نظارت مستمر مربی گروه بر اعضا، متربیان با ارزش‌های مجموعه همگرایی پیدا می‌کنند و به‌تدریج پایبند به آن‌ها می‌شوند؛ بنابراین، یک رکن اساسی این مدل تربیتی، حضور در مجموعه است و اگر کسانی حضور کمتری داشته باشند به رشد لازم دست نخواهند یافت. ممکن است آموزش به روش غیرحضوری انجام شود؛ ولی تربیت غیرحضوری ناممکن است. اساساً تربیت انسان به‌صورت گفت‌وشنود محقق نمی‌شود و تنها راه آن ارتباط انسانی و محیطی است.

۱- محیط‌سازی

در این روش مهم‌ترین وظیفه مجموعهٔ مسجد و همینطور مربیان گروه‌ها، «محیط سازی» است. مربی ابتدا باید محیطی سالم و پاک از هرگونه مسائل نفسانی و دنیایی را فراهم کند و قوانین و اصول تربیتی را در آن اعمال نماید و آن ارزش‌ها را به متربیان خود آموزش دهد.

آنچه در این نظام تربیتی در درجه اول اهمیت قرار دارد سلامت محیط و ایجاد فضای پاک اخلاقی است. درواقع اگر قرار است کار تربیتی بر روی متربیان صورت گیرد باید ابتدا موانعی را که از رشد انسانی آنان جلوگیری می‌کند حذف نمود. البته در این مدل تربیتی، پاکسازی محیط نه‌تنها شأن برطرف کردن موانع را دارد بلکه یکی از ارکان تربیتی است. توضیح اینکه ازآنجاکه «محیط» یکی از مهم‌ترین عوامل سازنده شخصیت افراد است، پاک بودن آن نه‌تنها موجب امنیت روانی افراد برای خودسازی است بلکه خود عامل مستقیم تربیتی است.

۲- تشکیل گروه

پس‌ازاینکه فضای پاک تربیتی در مسجد ایجاد شد، مرحله بعدی این است که در چنین محیط پاکی، گروهی از نوجوانان همسال تشکیل شود. درواقع غیر از ایجاد یک محیط پاک، مبنای دیگر این روش تربیتی، ایجاد یک گروه همسال است. در سنین نوجوانی و جوانی همین‌که یک گروه همسالان با یکدیگر جمع شوند، آمادگی تأثیرپذیری آنان چه در بعد مثبت و چه منفی به‌شدت افزایش می‌یابد. این دوره، دوره استقلال از خانواده و ایجاد پیوند رفاقت میان نوجوانان است. همانطور که انحراف بسیاری از جوانان به دلیل رفاقت با دوستان نااهل است، برای تربیت آنان نیز می‌توان از ظرفیت بالای هیجانات نوجوانی و جوانی استفاده نمود و از تأثیر و تأثر آنان بر یکدیگر بهره برد. درنتیجه اگر این گروه همسالان در محیطی اسلامی و باارزش‌های دینی شکل گیرد، ثمره آن رشد تربیتی این گروه خواهد بود.

۳- حضور حداکثری

مرحله سومی که در نظام تربیتی این مسجد نقش محوری ایفا می‌کند ایجاد ارتباط فراوان با مسجد است. درنتیجهٔ چنین روندی، کثرت ارتباط متربیان از یک سو، شور و هیجان نوجوانی که در میان

متربیانی با این ویژگی وجود دارد از سوی دیگر و حکومت ارزش‌های تربیتی از جهت سوم، خودبه‌خود موجب رشد اعضای گروه می‌شود.

لازمه تربیت یافتن در یک محیط منزه از آلودگی‌های مختلف این است که متربیان این مدل تربیتی هرچه بیشتر بتوانند عمر خود را در این محیط سپری نمایند. در این نگاه حضور در جامعهٔ خارج که پر است از راهزن‌های عقیدتی و معنوی موجب کدورت نفس و انحراف متربیان از راه راست است؛ لذا آنان باید حتی‌المقدور زندگی خود را در این فضا سپری کنند تا گرفتار شیاطین انس و جن که در جامعه، کمین گرفته‌اند نشوند.

اگر مربیان و مسئولین مجموعه بتوانند با برنامه‌های مختلف همهٔ وقت متربیان را پر کنند تا آنان از مسجد بیرون نروند این کار را می‌کنند. به همین دلیل بسته به متربی، هریک از آنان باید از یک شب تا پنج شب در هفته را در مسجد بمانند.

۳-۱- ریزش لازمه این روش تربیتی

یکی از لوازم این مدل تربیتی این است که این روش، فعالیت و حضور زیاد متربی را می‌طلبد و هر چه حضور و فعالیت کمتر باشد، شرایط تربیتی برای شخص فراهم نمی‌شود و نظارت بر او هم ناممکن‌تر می‌شود. درنتیجه نمی‌تواند افرادی را که حضور کمتر دارند و یا فعالیت زیادی ندارند به‌خوبی جذب یا حفظ نماید. البته این اشکال به مربیان تذکر داده می‌شود و گفته می‌شود که باید افراد «کمتر فعال» را حفظ نمود و از ریزش آنان جلوگیری نمایند. حتی به نظر ما، آن‌ها هرچند فعالیت و حیاتی کافی در مجموعه ندارند ولی مانند سلول‌های مرده پوست موجب حفظ مجموعه‌اند؛ اما به‌هرحال چون لازمه مدل تربیتی چنین اتفاقی است، با تذکر و تمثیل نمی‌توان از آن اجتناب کرد. البته قوت و فعالیت زیاد مربی در پیگیری و نظارت، موجب کمرنگ‌تر شدن این اشکال است. اکنون باید تلاش شود که مربی متناسب با حضور و علاقه هر کس کاری را در نظر بگیرد و اگر حتی کسی تنها هر ماه یکبار هم می‌تواند به مسجد بیاید کاری برای او در نظر گرفته باشیم.

۴- نقش مربی

چنانکه گفته شد یکی از ارکان روش تربیتی این مجموعه، تشکیل «گروه» است. مهم‌ترین رکن هر گروه که نقش‌های گوناگونی علاوه بر اداره گروه در این نظام تربیتی ایفا می‌کند مربی است. او به ایجاد محیط سالم از یک‌سو، کنترل و نظارت بر گروه از سوی دیگر و اداره گروه و رتق‌وفتق امور متربیان از جهت سوم می‌پردازد و محوریت گروه را به عهده دارد. مربی از سوی مدیریت مجموعه تعیین می‌شود و حلقه وصل متربیان با کادر تربیتی و اجرایی مسجد است. وظیفه مربی مانند پاسبان گروه است که از پاشیده و پراکنده شدن گروه جلوگیریِ می‌کند و در مواقعی که نفسانیت بر اعضا غلبه می‌کند و مثلاً دعوا می‌کنند یا عملی غیرارزشی انجام می‌دهند عکس‌العمل نشان دهد. مربی غیر از نظارت و ارتباط مستقیم بر اعضا، ابزارهایی برای انجام وظایف خود در اختیار دارد که از آن جمله می‌توان به کلاس‌های آموزشی، اردوها، فیلم و... اشاره کرد.

۵- ارزیابی و نظارت

این روش تربیتی، نظام ارزیابی متناسب با خود را طلب می‌کند. ارزیابی تربیتی در این روش به‌صورت کمی، رسمی، اداری و سازمانی صورت نمی‌گیرد. بلکه از روش کیفی و انسانی و به‌وسیله نظارت عمومی استفاده می‌شود. درواقع زنده بودن و پویا بودن مجموعه باعث می‌شود که اگر اشکالی در عضوی از آن پیدا شد همه اعضا ملتهب شوند و سیستم دفاعی خودِ مجموعه به کار می‌افتد و مشکل را حل می‌کند.

مربی و کمک‌مربی‌های یک گروه، نظارت دائمی بر ابعاد مختلف تربیتی اعضا دارند و با مشورت یکدیگر، کوچک‌ترین مسائل را زیر ذره‌بین قرار می‌دهند. در کنار آن‌ها مسئولین مجموعه و بزرگان مسجد، نظارت اجمالی و در مواردی تفصیلی نسبت به مربیان و متربیان و گروه‌ها دارند. هرازگاهی نیز در شورای اصلی مجموعه در مورد گروه خاص، مربی مشخص و یا اشخاص ویژه‌ای همفکری

و اظهارنظر می‌شود. طرح این موضوعات به شورا، یا توسط مربی صورت می‌گیرد که در جلسات گروهی، با کمک‌مربی‌های خود به نتیجه نرسیده است و یا از طریق دیگران مطرح می‌شود.

درمجموع با توجه به اینکه نظام تربیتی مسجد نظامی است انسانی و نه تشکیلاتی؛ و محوریت آن شخصیت حجت‌الاسلام علوی است، هم روش ارزیابی آن، ارزیابی سازمانی نیست و هم ملاک سنجش، ملاک‌های خط‌کشی شده رسمی نیست. در حقیقت حول محور آقای علوی حلقه‌ای تشکیل شده و حلقه بعدی نیز به دور آن شکل گرفته است. نظام تربیتی این مجموعه چیزی جز تشکیل شدن حلقه‌های متحدالمرکزی با محوریت ایشان نیست و اگر شخص یا گروهی موجب برهم خوردن این نظام شود، مجموعه برای اصلاح آن عکس‌العمل نشان می‌دهد. معیار سنجش نیز حفظ تعادل حلقه‌ها و خارج نشدن از محوریت حجۀاسلام علوی است. طبیعی است در چنین فضایی سیر کلی رفتار جمعی، معیار ارزیابی افراد و گروه‌هاست و آقای علوی به‌عنوان محور جمع، معیار ارزیابی سیر کلی جمع می‌باشد.

خلاصه اینکه نظارت مربی بر اعضا گروه از چند طریق حاصل می‌شود؛ یکی مشاهده مستقیم، دیگر ارتباط با والدین و سوم گرفتن اخبار در مورد رفتار متربی در بیرون از مجموعه که غالباً توسط اعضای گروه یا گروه‌های دیگر اتفاق می‌افتد. البته در این موارد خود مربی نیز تحقیق می‌کند. علاوه بر آن همه مجموعه مسجد نیز خود را مُحق و مکلف برای ارزیابی و نظارت می‌دانند.

۶- الگوسازی و ایجاد محبت

هرچند هر یک از بخش‌هایی که به‌عنوان محتوای تربیتی ذکر شد مبانی، اصول، روش‌ها و کارکردهایی دارند که در مجموعه دنبال می‌شود ولی در یک نگاه عمیق‌تر این‌ها تنها روبنای مدل تربیتی این مسجد است و آنچه روح این مدل است عبارت است از اینکه متربیان، با عضویت در این مسجد تحولی درونی می‌یابند و یک سبک زندگی متفاوتی را تجربه می‌کنند. درست است که

کلاس‌ها و جلسات گوناگون در گرایش به این سبک زندگی مؤثر است ولی ریشه این گرایش، ارادت به رهبر مجموعه و علاقه و پذیرش حجت‌الاسلام علوی و البته تشکیلات منتسب به ایشان است. درواقع هسته مرکزی این مدل تربیتی، ارادت و تأسی به یک الگوی انسانی که همان حجت‌الاسلام علوی است.

درواقع ارتباط فراوان متربیان با مسئولین و مربیان خود موجب می‌شود آنان را الگو قرار داده و به آنان تأسی نمایند. با توجه به اینکه مقدمه الگوسازی ارادت و محبت به الگوست، در این روش ایجاد فضای عاطفی و صمیمی به‌شدت دنبال می‌شود و چنانکه در بخش‌های آینده خواهد آمد برنامه‌هایی نیز برای ایجاد چنین فضایی وجود دارد.

گفتار دوم: برنامه‌ها

ناگفته پیداست مجموعه‌ای که با این گستردگی مشغول اجرای نظام تربیتی است، برنامه‌های متعدد و متنوعی دارد. در این مختصر نیز نمی‌توان همه این برنامه‌ها را به‌تفصیل موردبررسی قرارداد. درنتیجه تنها به چند نمونه از برنامه‌هایی که مسجد صفا انجام می‌شود، به‌صورت اجمالی می‌پردازیم.

۱- تأسیس مدرسه

یکی از برنامه‌های تربیتی مسجد، تأسیس مدرسه‌ای است که نه‌تنها با مسجد ارتباط تام دارد، بلکه زیر نظر آن اداره می‌شود و برنامه‌های آن تحت‌الشعاع مسجد اجرا می‌شود.

این نظام طوری طراحی شده که اگر کسی بخواهد در این سیستم تربیتی وارد شود، ابتدا در مدرسه ثبت‌نام می‌کند و اگر در میانه مقطع تحصیلی از این روش رویگردان شد و نخواست در مسجد فعالیت کند مدرسه خود را تغییر می‌دهد. خلاصه اینکه کار مسجد و مدرسه به‌شدت به یکدیگر وابسته است.

۱-۱- ارتباط برنامه‌های مسجد و مدرسه

برنامه‌های این مدرسه تا حدودی با برنامه‌های مدارس دیگر متفاوت است. در این مدرسه به‌جای اینکه کل مدرسه یک مربی پرورشی داشته باشد، هر پایه یک مربی و چند کمک‌مربی دارد که مسائل تربیتی دانش‌آموزان را پیگیری می‌کند. این تیم مربی‌گری علاوه بر مدرسه، در مسجد نیز با این متربیان در ارتباط می‌باشند؛ به‌طوری‌که هر تیم مربی‌گری از سال اول دبیرستان همراه با دانش آموزان می‌شود و به‌تدریج حضور متربیان در مسجد را بیشتر می‌کند تا جایی که پس از سال چهارم (پیش‌دانشگاهی) که ارتباط متربیان

با مدرسه قطع می‌شود، به‌طورکامل محوریت تربیت در مسجد قرار می‌گیرد و با حضور دائمی و نظارت مستمر تیم مربی‌گری، سیر تربیتی ادامه می‌یابد.

کلاس‌های فوق‌برنامه مدرسه مانند تاریخ اسلام، احکام، عقاید، اخلاق، ورزش و... در مسجد انجام می‌شود. از سوی دیگر ازآنجاکه معلم‌های دروس نیز خودشان از اعضای مسجد هستند در لابه‌لای دورس مختلف، مسائل تربیتی نیز مطرح می‌شود.

یکی از برنامه‌های هفتگی مجموعه که در قالب کلاس درسی در سال دوم دبیرستان اجرا می‌شود این است که هفته‌ای یک زنگ در مدرسه، کلاسی با عنوان «تاریخ مسجد» با هدف آشنایی اعضا با سیر تحولات مسجد منعقد می‌شود. این کار موجب هویت بخشی به اعضای مجموعه می‌شود. طرح درس این کلاس به‌این‌ترتیب که است که ابتدا از جایگاه معابد در ادیان و مسجد در اسلام بحث می‌شود و تاریخچه مختصری از وضعیت مسجد در تاریخ اسلام گفته می‌شود تا قبل از انقلاب. با تفصیل بیشتری به جایگاه مسجد در انقلاب اسلامی ایران پرداخته می‌شود و به این بهانه مختصراً تاریخ انقلاب گفته می‌شود. در این حین تحلیل وضعیت رژیم سابق و نسبت آن با نظام اسلامی می‌شود و پس‌ازآن تاریخ و فلسفه بسیج و نقش آن در جنگ تحمیلی بیان می‌شود. بعدازآن تاریخچه تحولات و برنامه‌های مسجد صفا گفته می‌شود.

۲- تدریس در مدارس

از برنامه‌های دیگری که در این مسجد اجرا می‌شود این است که متربیان مجموعه از ابتدای ورود به دانشگاه (و در برخی موارد کمی زودتر)، در مدارس راهنمایی مشغول تدریس و پرداختن به مربی‌گری پرورشی می‌شوند. اینان برای این‌که از سوی مدیران مدارس مورد مخالفت قرار نگیرند هیچ حقوق و مزایایی طلب نمی‌کنند؛ بلکه علاوه بر ایفای نقش تربیتی خود در مدارس به جذب نیروهای مناسب، برای مسجد صفا می‌پردازند.

اجرای این برنامه علاوه بر اینکه موجب تمرین مربی‌گری برای متربیان و کسب تجربه آنان می‌شود متربیان جدیدی را برای مسجد جذب می‌کند.

۳- بیتوته در مسجد

بیتوته در مسجد ازجمله مهم‌ترین برنامه‌های تربیتی ما در مسجد است.

ماندن متربیان در مسجد که به‌تناسب با سن و گروه آن‌ها از یک شب تا چند شب در هفته صورت می‌گیرد، یکی از برنامه‌ها و بلکه از اصول تربیتی است. این حضور خود بستر مناسبی جهت کارهای گوناگون تربیتی را فراهم می‌سازد و اصل حضور در محیط تربیتی مسجد، ناخودآگاه به ساخته شدن افراد می‌انجامد.

ابتدا که در سال اول دبیرستان متربیان وارد مسجد می‌شوند، حق ندارند هیچ شبی در مسجد بمانند؛ ولی به‌تدریج حضور آنان زیاد می‌شود؛ تا جایی که چندین مورد از مسئولین مسجد از ۸ تا ۱۲ سال متوالی در مسجد بوده‌اند و شب‌ها به منزل نمی‌رفتند.

البته اجرای این برنامه با مشکلاتی همراه است. از آن جمله می‌توان به کمبود مکان استقرار و لزوم توسعه مسجد، همچنین دشواری برقراری نظم و مدیریت مجموعه را نام برد. یکی از اصلی‌ترین مشکلات این برنامه تعامل با خانواده‌هاست. هرچند بسیاری از خانواده‌ها به دلیل دغدغه تربیت فرزندان خود، در برابر این مدل سر تسلیم فرود می‌آورند؛ ولی برخی دیگر مقاومت می‌نمایند و از بیتوته فرزندان خود جلوگیری می‌کنند.

در چنین مواقعی از سوی مربیان مسجد ممانعتی برای حضور متربیان صورت نمی‌گیرد. آنان برای متربی توضیح می‌دهند که احترام به پدر و مادر واجب و اطاعت از ایشان لازم است؛ ولی درِ مسجد به روی شما باز است. این خود متربی است که باید تصمیم بگیرد که به سخن پدر و مادر عمل کند یا مسجد را انتخاب کند. البته در مورد اینکه آیا اطاعت هر امری از سوی پدر و مادر برای فرزندان واجب است یا نه؛ ما معتقدیم همانطور که به فتوای حضرت

امام، رضایت پدر و مادر برای رفتن به جبهه شرط نیست؛ در برخی امور دیگر ازجمله جهاد فرهنگی در مسجد نیز رضایت آنان شرط نیست. اساساً علت شهادت مسلم بن عقیل هم همین بود که پدران و مادران، فرزندان خود را و زنان، همسران خود را از همراهی مسلم نهی کردند و درنتیجه او در کوفه تنها ماند.

ممکن است گفته شود حضرت امام در ابتدای جنگ، این مطلب را نفرموده بودند و اساساً این فرمایش در قالب حکم حکومتی بود و در شرایط خاص صادر شد و قابلیت تسری ندارد. در این صورت، پاسخ ما این است که دفاع از سرزمین و دفاع از دین و قرآن و انقلاب و... واجب است و نیاز به‌حکم ولی‌فقیه ندارد. در این مسجد نیز چون دفاع از دین صورت می‌گیرد نیازی به‌حکم خاص ولی‌فقیه و رضایت والدین ندارد.

به‌علاوه، با توجه به تجربه‌ای که ما در مسجد داریم، می‌دانیم که اگر نوجوانی به دلیل مخالفت والدین خود در مسجد حاضر نشود و برنامه‌های تربیتی این مسجد را پشت سر نگذارد، انحرافاتی بزرگ خواهد داشت. لذا حتی در صورت نهی پدر نیز، از حضور او در مسجد ممانعت نمی‌کنیم. چه‌بسا اتفاق افتاده که پدر حتی در مسجد فرزند خود را کتک زده و او را به خانه برده ولی او از مسجد جدا نشده. بااین‌حال پس از چند سال پدر به اشتباه خود پی برده است و کار فرزند خود و مسئولین مسجد را ستوده است.

به‌طورکلی ما اولویت‌بندی و اهم و مهم می‌کنیم. ما معتقدیم هرچند اهمیت اطاعت از پدر و مادر ضروری است و به متربیان گوشزد می‌کنیم؛ ولی به خاطر نهی آنان، درِ مسجد را به روی متربی نمی‌بندیم و اینگونه نیست که به اینَ دلیل از ورود آنان جلوگیری کنیم.

در برخی موارد نیز نظر پدر و مادر تغییر می‌کند و روش زندگی آنان تفاوت کرده و نه‌تنها اجازه می‌دهند فرزندشان به مسجد بیاید، بلکه فرزندان دیگر خود را نیز به مسجد می‌فرستند. البته با توجه به اعتباری که اکنون مسجد به دست آورده به‌طورکلی نهی پدر و مادر کمتر اتفاق می‌افتد.

نکته دیگر اینکه در مراسمات و گردهمایی‌های عمومی، از خانواده‌ها برای شرکت دعوت می‌شود که در آشنایی آنان با مسجد و جذب و رضایت آنان مؤثر است. همچنین تورهای زیارتی نیز وجود دارد که والدین و خانواده‌ها در آن شرکت می‌کنند. دیگر اینکه ازدواج‌های داخلی نیز در رضایت آنان بسیار مؤثر است.

۴- مشاوره

مشاوره با مربی و مسئولین مسجد و به‌ویژه مشاوره با حجۀاسلام علوی، از برنامه‌هایی است که علاوه بر رفع سؤالات و شبهات متربی، کارکردهای دیگری نیز دارد. در این برنامه متربیان با وقت قبلی نزد مربی خود یا آقای علوی می‌روند و مسائل خود را با او در میان می‌گذارند. ایشان نیز آنان را در حل مشکلات و ادامه سیر تربیتی کمک می‌کند.

نکته قابل ذکر در این زمینه آن است که به دلیل ارتباط عاطفی میان اعضا و به‌ویژه با آقای علوی، ملاحظاتی را باید در این زمینه در نظر گرفت. مثلاً مشاوره‌ها نباید به‌صورت فردی صورت گیرد و هرکسی با دوست خود به جلسه مشاوره می‌رود. این کار از ایجاد فضای اعتراف به گناه و دیگر انحرافات جلوگیری می‌کند.

دیگر اینکه به دلیل علاقه به حاج‌آقا، میزان تقاضای مشاوره و همنشینی با ایشان بسیار زیاد است و باید با وقت قبلی و محدودیت‌های زمانی و... از آن پیشگیری نمود. تجربه‌ای که در این زمینه وجود دارد، این است که برای کسانی که بیش از وقت خود به مشاوره می‌پردازند با جریمه بدنی و مالی مجازات می‌شوند که گاهی این جریمه را به‌وسیله قبول نماز و روزه استیجاری تأمین می‌کنند.

۵- دوست‌یابی

از برنامه‌های تربیتی این مجموعه که مبتنی بر اصل تربیتی «صمیمیت» است و درگذشته به آن اشاره شد، دوست‌یابی است. تقریباً از سال دوم و سوم دبیرستان، جو صمیمیت و دوستی، علناً

اجرایی می‌شود. مربیان در این سن بر دوستی و به‌ویژه دوستی‌های اقلاً دونفره تأکید می‌کنند. هر کس باید حداقل یک دوست صمیمی داشته باشد به‌طوری‌که در مجموعه معلوم است که هر کس با چه کسی دوست است. در گروه جلساتی با این موضوع تشکیل می‌شود و در اهمیت دوستی و دوست‌یابی مطالبی گفته‌می‌شود. پس‌ازاین جلسات، یک جلسه تشکیل می‌شود و در آن هر کس دوست خود را انتخاب و اعلام می‌کند. این جلسات با حضور مربی گروه تشکیل می‌شود و در آن، خود اعضا گروه باهم بحث می‌کنند که چه کسی برای فلان شخص مناسب‌تر است. نقش مربی در این جلسات معمولاً هدایت‌کننده است و اجازه داده می‌شود خود اعضا اظهارنظر کنند. البته در مواردی که دوستی دو نفر به صلاح نباشد، مربی اظهارنظر کرده و از این کار جلوگیری می‌نماید. این دوستی‌ها باعث می‌شود متربیان یکدیگر را در مسائل تربیتی کمک نمایند.

غیر از برنامه‌هایی که برای ایجاد رفاقت و صمیمیت وجود دارد برنامه‌هایی نیز به‌صورت رسمی و غیررسمی برای تقویت صمیمیت در مجموعه مرسوم است که می‌توان به نوشتن نامه‌های عاطفی برای یکدیگر و برای حاج‌آقا و صحبت‌های عاطفی و... اشاره کرد.

۶- هیئت

تاکنون به چند نوع مراسم مذهبی که توسط اعضای مجموعه اجرا می‌شود اشاره شد. این مراسمات در این بخش در قالب «هیئت» نام‌گذاری شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۶-۱- جلسات عمومی پنجشنبه‌ها

در این جلسات ابتدا زیارت‌نامه‌ای خوانده می‌شود و پس‌ازآن سخنرانی اخلاقی حجۀاۀسلام علوی است و درنهایت روضه‌خوانی مختصری صورت می‌گیرد. پس‌ازآن و توزیع پذیرایی مختصر (در قالب شام) استراحت می‌کنند. با این‌وجود اگر وقت نسبتاً زیادی تا نیمه‌شب وجود داشته باشد، یک برنامه دیگر اجرا می‌شود. به‌عنوان‌مثال جلسه گروهی یا کلاس معرفتی و... . حدود ساعت ۱۲ شب چراغ‌ها خاموش می‌شود و همه می‌خوابند (مسئولین

مجموعه به‌ویژه حاج‌آقا علوی در یک طبقه مسجد دیرتر می‌خوابند و به رتق‌وفتق امور می‌پردازند.) نزدیک سحر با پخش نوای مناجات، دوباره بیدار می‌شوند و به نماز شب و دعا می‌پردازند. پس از برگزاری نمازِ صبح به جماعت، برنامه‌های متفاوتی در گروه‌ها اجرا می‌شود. مثلاً در یکی از گروه‌ها در زمان بین‌الطلوعین کلاس معرفتی تشکیل می‌شود و پس از صبحانه، به ورزش (کوه یا فوتبال و ...) می‌روند.

۶-۲- هیئت هفتگی

نوع دوم هیئت آن است که در بخش تاریخچه مسجد مورد اشاره قرار گرفت و آن هیئت هفتگی است که ابتدا به‌صورت ثابت در منزل یکی از پیشکسوتان مسجد برگزار می‌شد و سپس در منازل اعضا، حالت سیار گرفت و اکنون نیز در مسجد برگزار می‌شود.

۶-۳- مراسمات عمومی

سومین نوع از هیئت‌های مجموعه، برگزاری مراسمات مناسبتی در طول سال است که به‌صورت جشن‌های میلاد یا عزاداری و مراسم احیا و... اتفاق می‌افتد. لازم به ذکر است که بسیاری از جلسات و مراسمات مجموعه عمومی نیست و تنها در برخی از آن‌ها که مقارن با مناسبت مذهبی است، مردم نیز حضور پیدا می‌کنند.

۶-۴- هیئت‌های گروهی

علاوه بر این هیئآت، هر گروهی برای خود یک هیئت دارد که به‌صورت سیار در خانه اعضا برگزار می‌شود. این، به خاطر آن است که هم موجب برکت خانه‌ها باشد و هم نورانیت توسل در قلوب اعضای گروه ایجاد شود و هم به هویت و استقلال گروه کمک می‌کند.

۷- خدمت به محرومین

در مجموعه تشکیلاتی در جهت کمک به محرومین وجود دارد. البته همه اعضا مسجد در آن دخالت مستقیم ندارند و عدة

خاصی آن را اداره می‌کنند هرچند که از دیگران نیز برای بهتر اجرا شدن کارها کمک می‌گیرند. به‌عنوان‌مثال، صندوق‌هایی بین بچه‌ها توزیع می‌شود تا در میان اقوام و هرجای دیگر توزیع کنند. آنان نیز پس از جمع‌آوری صندوق‌ها، پول آن را به مسئولین این بخش بازمی‌گردانند. صدقات جمع‌آوری‌شده میان نیازمندان توزیع می‌شود. این گروه، تعدادی خانواده نیازمند را تحت پوشش گرفته و از این محل به آن‌ها کمک می‌نماید.

۸- اجرای گروهی برنامه‌های بزرگ

یکی از برنامه‌هایی که از ابزارهای تربیتی ما می‌باشد این است که کارهای کلان را به‌صورت کامل به گروه‌ها واگذار می‌کنیم. مثلاً برگزاری کل جشن‌های نیمه شعبان یک سال را به یک گروه واگذار می‌نماییم. هدف از این کار رشد متربیان و مجموعه است. همین‌که برنامه‌ها به دست یک گروه سپرده می‌شود چند اثر مثبت دارد: فایده اول آن این است که این کار، خودش برنامه‌ای است برای جذب شدن، فعالیت نمودن و ارتباط یافتن بیشتر اعضا در مسجد و استفاده از محیط سالم آن. دومین فایده این است که رقابت در میان گروه‌ها را در پی دارد. وقتی بزرگ‌ترها به بررسی می‌نشینند می‌توانند مقایسه کنند که کدام گروه برنامه خود را بهتر برگزار کرد و این خود برای بچه‌ها نوعی تشویق است. فایده سوم این است که جرأت بچه‌ها را در پذیرفتن مسئولیت و مدیریت کردن و... بالا می‌برد. چهارم این‌که با این کار استعدادیابی هم در بچه‌ها رخ می‌دهد و از این طریق مدیران مجموعه و مربیان، استعدادهای برتر را مثلاً برای مجری‌گری یا مداحی و ... تشخیص می‌دهند و بچه‌ها خودشان را در اینجاها نشان می‌دهند؛ و ثمره پنجم آن است که بار سنگین مدیریت و پیگیری کارها از دوش مسئولین مجموعه برداشته می‌شود و آنان می‌توانند به کارهای اساسی‌تر برسند.

۹- محاسبه روزانه

به تک‌تک متربیان مجموعه چند دفترچه داده می‌شود که یکی از آنان دفترچه محاسبه روزانه است. هریک از متربیان، هرروز به کارنامه اعمال خود می‌نگرد و نتیجه آن را در آن دفتر ثبت می‌کند. این کار کمک می‌کند تا افراد به تقویت نقاط مثبت و مبارزه با نقاط منفی خود بپردازند.

۱۰- ورزش

از برنامه‌های قطعی و پراهمیت این مجموعه، فعالیت‌های ورزشی است. همان‌طور که در قبل بیان شد، ورزش یکی از ارکان تربیتی این مجموعه است و هر شخص و گروهی ملزم است که علاوه بر درس و اخلاق به جنبه جسمانی و ورزشی خود نیز بپردازد.

برای این کار از یک‌سو مذاکراتی با نهادهای مختلف صورت می‌گیرد تا سالن‌های ورزشی و باشگاه‌های خود را در اختیار گروه‌های مسجد بگذارند و از سوی دیگر سالنی در زیرزمین مسجد برای این کار تجهیز شده تا متربیان در آن به تمرینات ورزشی بپردازند.

از جهت مربی ورزشی نیز مانند دیگر بخش‌های درسی و اخلاقی، تأکید بر خودکفا بودن است و کسانی از اعضای مسجد که کمربند مشکی در رشته‌های گوناگون دارند، به تمرین دادن متربیان مشغول می‌شوند.

۱۱- اردو

تنها برنامه‌ای که در این مختصر، با توجه به اهمیت آن با تفصیل بیشتری بیان خواهد شد برنامه اردو است. اردو در این مجموعه جایگاه خاصی دارد که ضمن چند قسمت به تبیین آن می‌پردازیم.

۱۱-۱- اهداف و جایگاه

یکی از سیاست‌های مجموعه، تعدد سفر است. درواقع بخشی از زندگی متربیان در مسافرت است. متوسط آمار حضور بچه‌ها در اردو ۳۰ نفر روز در سال است؛ یعنی هر یک از اعضای مجموعه در سال به‌طور متوسط ۳۰ روز در اردو به سر می‌برد. این تعدد اردوها به معنای این نیست که مبنا و مدل تربیتی مجموعه اردوست؛ بلکه ما اردو را هم قسمتی از زندگی به‌حساب می‌آوریم. به‌ویژه اردوهای خارج از کشور برای بروز نشاط متربیان خیلی مفید است.

۱۱-۲- فواید

۱۱-۲-۱- آشنایی با مربیان دیگر

روش کار این مجموعه این است که از فضایی که ایجاد می‌شود ایدآل‌هایی برای متربیان ترسیم می‌شود و این فضا با صحبت‌های مربی تکمیل می‌شود. سپس در مناسبت‌های مختلف در قالب هیئت یا سخنرانی یا اردوها نقص برنامه‌های مربی جبران می‌شود. مربی که خود در این سیر تربیتی قرار داشته، یک حرف‌هایی را شنیده و یک‌چیزهایی را چشیده است. سپس وقتی در جایگاه مربی برای متربیان خود از این چشیده‌ها و شنیده‌ها چیزهایی می‌گوید ترسیمی در ذهن متربیان شکل می‌گیرد. در این مناسبت‌ها و این اردوها یک فضاهایی پیش می‌آید که آن ایدآل‌هایی که مربیان از آن‌ها حرف زده‌بودند واقعاً به وقوع می‌پیوندند و واقعاً مشهود و ملموس می‌گردند. به‌عنوان‌مثال شاید من به‌عنوان مربی در مجموعه خودم درباره همکاری، درباره دوستی، ارتباط با خدا، کار برای خدا و... نتوانم خیلی گرم حرف بزنم و خیلی نتوانم انگیزه برای کار ایجاد کنم و خیلی نتوانم انگیزه برای عبادت و مناجات بدهم ولی حرفش را می‌زنم. البته این مهم است که متربی این حرف‌ها را شنیده باشد و توی افکارش باشد و مخالف این‌ها نباشد؛ یعنی یک آدمی باشد که بخواهد در راه خدا، در راه تربیت و در راه اهل‌بیت قدم بگذارد. حالا این حرف‌هایی که مربی زده است در اردوی امیرالمؤمنین توسط یک مربی دیگر که قوی‌تر است به

تصویر کشیده می‌شود یعنی متربی می‌بیند که این حرف‌ها شدنی است و خیلی وقت‌ها لذتش را هم می‌چشد. بدین ترتیب بچه‌ها در عین اینکه مربی دارند و البته ممکن است آن مربی اشکالاتی داشته‌باشد به یک افق بالاتر از مربی می‌توانند نگاه کنند با این توضیح که این افق در راستای مخالف مربی نیست.

۱۱-۲-۲- تقویت روحیه

یکی از کارکردهای این اردوها روحیه بخشیدن به متربیان است و موجب می‌شود بچه‌ها برای شش ماه نشاط پیدا کند؛ اما هدف اصلی این اردوها عملیاتی کردن تمام بحث‌های تئوریکی است که متربیان در طول سال خوانده‌اند. مثلاً شش ماه در مسجد باهم بودن را تمرین کرده‌اند ولی در این اردوهای عمومی به‌اندازه ۲۰ روز باهم هستند. همین حضورِ همهٔ اعضا با هم، سختی‌هایی را ایجاد می‌کند که باید در این بیست روز تحمل کنند. علاوه بر آن دشواری‌هایی همچون گرسنگی، خستگی و گرما نیز وجود دارد که تمرین صبر در متربی را طلب می‌کند.

۱۱-۲-۳- کاربردی شدن شنیده‌ها

مطالبی که در کلاس‌ها به متربیان گفته می‌شود باید به‌صورت واقعی در طول زندگی درک و کاربردی شود؛ چه آن بخشی از زندگی که در مسجد تعریف شده و چه آن بخشی که در اردو است و بخش اساسی هم هست. در اردو متربیان آنچه را در مسجد و از سوی مربی خود شنیده‌اند، به اجرا می‌گذارند و آن را کاربردی می‌کنند.

۱۱-۲-۴- جدا شدن از محیط

تأثیری که هجرت در روح انسان می‌گذارد بسیار زیاد است. مثلاً یک متربی که در طول هفته بارها برایش صحبت شده و مشکلش حل نمی‌شود به‌محض‌اینکه یک هفته از خانواده و تعلقات دور می‌شود و در یک اردو شرکت می‌کند خیلی از مفاهیم اخلاقی و ... را راحت‌تر می‌پذیرد.

یکی از اهدافی که در اردو دنبال می‌شود این است که فرد به‌واسطه جدا شدن از خانواده، به عادت‌های غلط خانوادگی‌اش که

اگر در حالت عادی به او گفته می‌شد فراموش می‌کرد یا عمل نمی‌کرد آگاه شود. او با جدا شدن از خانواده مدتی این کار را تمرین می‌کند و پس از بازگشت به خانواده متوجه این عادت غلط می‌شود.

۱۱-۳- انواع

اردوهای مجموعه را از چند جهت می‌توان دسته‌بندی نمود:

۱۱-۳-۱- بر اساس شرکت‌کننده

ازاین‌جهت اردوها دو گونه‌اند اردوهای گروهی و عمومی.

الف) عمومی

اردوهای عمومی آن اردوهایی است که همه گروه‌ها در آن شرکت می‌کنند. معمولاً مسجد دو اردوی عمومی دارد. یکی در اواسط سال و در ایام تابستان که اردوی معرفتی است و توضیح آن در آینده بیان خواهد شد و دیگری در اواخر سال و چند روز پیش از نوروز که در مشهد برگزار می‌شود. البته مدیریت چنین اردوهایی نیز کاری بسیار سنگین و طاقت‌فرساست.

ب) گروهی

اردوهای گروهی نیز اردوهایی است که فقط یک گروه یا نهایتاً دو گروه شرکت می‌کنند.

۱۱-۳-۲- بر اساس زمان

ازاین‌جهت می‌توان اردوها را به کوتاه‌مدت و بلندمدت طبقه‌بندی نمود.

اردوهای مشهد، کربلا، عمره، سوریه و اردوهای معرفتی که معمولاً از یک هفته تا یک ماه است در شمار اردوهای بلندمدت و بقیه اردوها در شمار سفرهای کوتاه‌مدت محسوب می‌شوند.

۱۱-۳-۳- بر اساس موضوع

اردوهای مجموعه از این حیث به انواع زیر تقسیم می‌شوند:

الف) تفریحی- ورزشی

برخی مصادیق اردوهای ورزشی عبارت‌اند از کوهنوردی، صحرانوردی و... . درگذشته اردوی کوهنوردی به‌صورت عمومی در

رودبارک برگزار می‌شد. ولی الآن به علت گسترش تعداد اعضا، مجموعه امکان برگزاری عمومی آن را ندارد؛ بلکه به‌صورت گروهی یا چند گروه باهم اجرا می‌شود. اردوهای کوچک‌تر نیز در کوه‌های نزدیک مانند کلکچال و توچال، حداقل سالی یکبار وجود دارد. برخی دیگر از اردوهای تفریحی عبارت‌اند از: موتورسواری، دوچرخه‌سواری و... . اردوی موتورسواری اولین بار در قسمت‌های بیابانی اطراف جاجرود به‌صورت سه‌روزه برگزار شد. همچنین اردوهای تفریحی یک‌روزه هم زیاد توسط گروه‌ها در جاهای مختلف برگزار می‌شود.

تاکنون اردوی تفریحی عمومی در مجموعه وجود نداشته است. دلیل اصلی آن هم دشواری برگزاری آن بوده است. مثلاً اسکان ۳۰۰ نفر در یک مکان تفریحی سخت است به همین دلیل اردوهای تفریحی بیشتر به‌صورت گروهی اجرا می‌شود.

اخیراً در حال طراحی اردوهای ورزشی صرف هستیم که بچه‌ها در این اردوها فقط ورزش کنند؛ مثلاً در جنگل یا کوه چند روز فقط ورزش کنند.

ب) زیارتی

در سال چند اردوی زیارتی در مجموعه انجام می‌شود. اردوی مشهد، قم، سوریه، کربلا، حج و برخی امامزاده‌ها مثل مشهد اردهال کاشان یا حضرت عبدالعظیم یا امامزاده‌های داخل تهران. به‌تدریج برنامه راهیان نور هم وارد برنامه می‌شود. برنامه‌های این اردو را به‌طور مفصل در قسمت بعد شرح خواهیم داد.

ج) درسی- علمی

در سال دو اردوی درسی در مسجد برگزار می‌شود: یکی قبل از ترم اول یکی قبل از ترم دوم. هرکدام به مدت یک هفته شبانه‌روزی در مدرسه یا در مسجد برگزار می‌شود. در این اردو برنامه‌ریزی درسی هم صورت می‌گیرد و فضای مناسبی برای درس خواندن دانش‌آموزان و دانشجویان فراهم می‌شود. این کار تأثیر فراوانی در امتحانات اعضای مسجد داشته و موجب رضایت خانواده‌ها گردیده است. فصل امتحانات دانشجویان که می‌شود دو صحن عمومی مسجد تبدیل به محیط درسی می‌شود.

د) معرفتی

اردوهای معرفتی یا به تعبیر بهتر اردوی تخصصی سه چهارسال است که راه‌اندازی شده است و جزء اردوهای عمومی و بلندمدت است. این اردو در تابستان به مدت حدود ۲۵ روز تا یک ماه اجرا می‌شود. تاکنون دو بار اردوی تخصصی امیرالمؤمنین و یکبار اردوی تخصصی صاحب‌الزمان برگزار شده است.

ه) نظامی

یکی از اردوها که در سال‌های گذشته مفصل‌تر برگزار می‌شد اردوی نظامی است. درگذشته اردوهای نظامی ۲۰ روزه در ۱۸۰ کیلومتری بیابان‌های بیرجند برگزار می‌شد که تا اولین روستا ۵۰ کیلومتر فاصله داشت. اردوهای نظامی شبیه اردوهای نظامی معمول است که البته گاهی سخت‌گیری‌های آن بسیار بیشتر بود.

البته چند سالی است که اردوی نظامی فقط برای این‌که افراد آموزش دوره تکمیلی را بگیرند برگزار می‌شود. اگر هم دنبال شود به خاطر یک موضوعات دیگری است؛ مثل ایجاد شورونشاط و مسائل تربیتی دیگر وگرنه خود اردوی نظامی اکنون چندان موردتوجه نیست.

۱۱-۴- برنامه‌ریزی اردوها

هر اردویی بنا به اقتضائاتش از جهت زمان و نحوه اجرا برنامه‌ریزی خاص خودش را دارد؛ مثلاً مشخص است که هر گروه در چه سنی و در کدام سال باید سوریه برود. آن‌هایی که از سوم دبیرستان می‌خواهند بروند پیش‌دانشگاهی همان تابستان به سوریه می‌روند. تا الآن تقریباً نه سال است که این اردو برگزار می‌شود که برنامه خودش را دارد مانند برنامه زیارت، هیئت، حتی دفترچه‌های مخصوص و کلاس‌های خاص. کربلا و مکه هم همین‌طور است.

در این قسمت با رویکرد اجرایی (و نه زمانی) به برنامه‌هایی که در اردوهای مسجد صفا برگزار می‌شود می‌پردازیم. برای سهولت در بیان نیز سه نوع اردو را به‌طور جداگانه موردبررسی قرار داده‌ایم. روش بیان مطالب به‌این‌ترتیب است که برنامه‌های هریک از اردوهای

مشهد، اردوهای خارجی و اردوی معرفتی که اهمیت بیشتری نسبت به اردوهای دیگر دارند با عنوان‌های «مشهد»، «خارج از کشور» و «معرفتی» بیان گردیده است.

مشهد

اردوی مشهد هرسال برگزار می‌شود و اردوی عمومی هم هست. لذا یک ویژگی‌خاصی پیدا می‌کند و به همین دلیل رابطه بچه‌ها با امام رضاعلیه‌السلام رابطه خاصی شده است. از همین رو، بر روی اردوی مشهد کار ریشه‌ای‌تری انجام داده‌ایم و هرساله قبل از رفتن به اردو بسته‌ای آماده می‌کنیم که در آن از مطالبی که بر درودیوار نصب می‌شود گرفته تا مباحثی که در اردو طرح می‌شود. حتی دفترچه چاپ شده برای سنین مختلف وجود دارد و در اردو مورد استفاده قرار می‌گیرد.

شیوه برگزاری

روش برگزاری اردوی مشهد اینگونه است که در آنجا یک کلاس عمومی برگزار می‌شود که در آن توسط خود حجۀاۀسلام علوی آداب زیارت گفته می‌شود. کلاس‌های گروهی هم مباحث متفرقه‌ای را در مورد حواشی آداب زیارت مثل توبه و... برگزار می‌کنند. همچنین کلاس‌های تخصصی هم وجود دارد که بسته به گروه مخاطب، کتاب‌هایی خوانده می‌شود. مثلاً برای نوجوانان امسال، کتاب سیری در سیره ائمه اطهار خوانده شد.

هر سال موضوعی برای کلاس‌های تشکیل‌شده در اردو و فضای حاکم بر آن انتخاب می‌شود و در اردو آن موضوع پیگیری می‌شود. مثلاً سال اول آشنایی با امام رضاعلیه السلام، سال دوم معرفت امامت و... .

مشخصاً این اردوها با موضوع زیارت و آداب زیارت برگزار می‌شود و زیارت هم محل تجلی معارفی است که در مورد امامت گفته شده. درواقع آموزش‌هایی که در طول سال در مورد اهل‌بیت از پیامبر تا امام‌زمان به بچه‌ها داده‌می‌شود در این اردوها تجلی می‌یابد.

به‌طورکلی متربیان تمام طول مدت سفر را در محل استقرار هستند و کسی به‌هیچ‌عنوان حق خروج از آن را ندارد مگر برای

زیارت. زیارت هم روزی یکبار سحرها به‌صورت دسته‌جمعی اجرا می‌شود و معمولاً دو روز اول را هم زیارت نمی‌روند و کلاس‌هایی برگزار می‌شود تا حال زیارت ایجاد شود.

نحوه رفتن بچه‌ها به زیارت به‌این‌ترتیب است که اول هیئت گرفته می‌شود و بعد زیارت صورت می‌گیرد. معمولاً سحرها به حرم می‌روند و در صحن‌ها، هیئت برگزار می‌شود. در این هیئت معمولاً حاج‌آقا علوی سخنرانی می‌نمایند، زیارت امین‌الله خوانده می‌شود و سپس می‌روند برای زیارت و پس از نماز صبح برمی‌گردند.

بعد از نماز مغرب و عشا شام داده می‌شود و بعد برنامه‌های تفریحی انجام می‌شود و سپس خواب. حدود دو سه ساعت بعد، در نیمه‌های شب به زیارت می‌روند و پس از بازگشت تا حدود ۱۰ صبح می‌خوابند.

بچه‌ها در اردوی مشهد اجازه رفتن به بازار را ندارند؛ چون مخلّ حال زیارت است. به همین دلیل اول سفر به بچه‌ها لیستی داده می‌شود که چه چیزهایی می‌خواهند بخرند. پس‌ازآن خود مسئولین اردو چیزهایی که بچه‌ها می‌خواهند را به‌صورت عمده تهیه می‌کنند و بعد از بازگشت به‌صورت بسته‌بندی به آنان داده می‌شود.

از جهت تفریحی، برنامه‌بازی و گردش به‌صورت‌گروهی با حضور بزرگ‌ترها و مربی‌ها انجام می‌شود. حاج‌آقا علوی نیز در طول سفر یکبار با همه گروه‌ها برنامه دارند. سایر مربی‌ها هم همینطور است که جذابیت‌های خودش را به همراه دارد. فیلم و تئاتر هم اجرا می‌شود.

اردوی قم هم مثل مشهد است.

خارج از کشور

معمولاً متربیان در دوران دبیرستان در هر تابستان سه مسافرت خارج از کشور دارند. ترتیب این اردوها به این صورت است که سال اول سوریه، سال دوم کربلا و سال سوم به عمره مفرده می‌روند.

این اردوها دشواری‌های اجرایی خود را دارد. علاوه بر این‌که به‌طورکلی برگزاری اردو در خارج از کشور سخت است، مسائلی

مانند مسئله خدمت سربازی و تعامل با سازمان حج‌وزیارت هم مطرح است. برای خدمت سربازی پیگیری از نیروی انتظامی لازم است. برای تعامل با سازمان حج نیز مجوزی از آن سازمان گرفته‌ایم تا کاروان زیارتی داشته باشیم. این کار باعث می‌شود تا هم بخشی از نیروهای مسجد در این مؤسسه مشغول شوند و هم اردوهای مجموعه به‌راحتی برگزار می‌شود. همچنین مسافرت‌های دیگر که مثلاً خانواده متربیان و دیگران را می‌برند از این طریق اجرا می‌شود. علاوه بر این، چهار نفر از اعضا مجموعه معمم شده‌اند و کد سازمان حج نیز دارند. درنتیجه ازاین‌جهت نیز تنگنایی وجود ندارد.

کربلا

در اردوی کربلا ازآنجاکه برنامهٔ زیارت مفصل است و تقریباً تمام وقت شرکت‌کنندگان به زیارت می‌گذرد و حالِ زیارت غالب است، کمتر برنامه‌هایی مانند کلاس و... اجرا می‌شود. البته گاهی نهایتاً برنامه‌هایی مانند کتابخوانی اجرا می‌شود؛ ولی بیشتر به استراحت می‌گذرد.

سوریه

سوریه به اردوی مشهد شبیه‌تر است ازاین‌جهت که برنامه‌های گروهی در آن بیشتر است. دلیل آن هم این است که در سوریه در شهر دمشق مستقر هستند و برنامهٔ زیارت هم برنامه سبکی است. درواقع برخلاف کربلا و حج که مناسک و آداب و زیارات زیادی دارد، نمی‌توان چنین برنامه‌ای اجرا نمود در سوریه زمان بیشتری برای اجرای کلاس و... وجود دارد.

عمره

یکی از اردوهای خارج از کشور سفر عمره مفرده است که در دو سال پی‌درپی اجرا شده است. عمره بر اساس سیر تاریخی به این معناست که سفر، از مدینه شروع نمی‌شود بلکه از مکه آغاز می‌شود. در این سفر تاریخ صدر اسلام از زمان بعثت بیان شده و مکان‌های آن بازدید می‌شود. سپس همزمان با دوره تاریخی هجرت پیامبر، از مکه به مدینه می‌روند و بقیه تاریخ را می‌آموزند.

اردوی معرفتی

طولانی‌ترین اردوی مجموعه و شاید مهم‌ترین اردو، اردوی معرفتی است. در این اردوها موضوعی مشخص می‌شود و در طول زمان اردو به بحث در مورد آن موضوع پرداخته‌می‌شود. مثلاً در دو سالی که موضوع اردو حضرت امیر بود، پیرامون همین موضوع بحث‌هایی صورت گرفت.

تقسیم موضوعات در این دو سالی که با محوریت حضرت امیرالمؤمنین برگزار شد به‌این‌ترتیب است که در سال اول درباره امیرالمؤمنین و نسبت ایشان با موضوعات دیگر بحث شد. مثلاً حضرت امیر با پیامبر، حضرت امیر با حضرت‌زهرا و ... سال دوم هم به‌صورت ترتیبی زندگانی ایشان از تولد تا شهادت و برهه‌های مختلف از ولادت، ازدواج، جنگ‌ها و... تا شهادت موردبررسی قرار گرفت.

برنامه‌های اصلی

در این اردوها، هم کلاس‌های عمومی و هم کلاس‌های گروهی برگزارمی‌شود. استاد هم از خارج مجموعه دعوت می‌شود و هم از اساتید داخلی استفاده می‌شود. فیلم هم مانند فیلم امام علی و... با حذف اضافات پخش می‌شود. همینطور پخش کلیپ. تئاترهایی توسط خود بچه‌ها نیز وجود دارد.

برای هر روز از اردو یک استاد دعوت می‌شد. خود بچه‌ها نیز در کنار کلاس‌ها، کتاب‌های عمومی را می‌خوانند. درزمینهٔ محتوا، بچه‌ها در محتواهای موجود جستجویی می‌کنند و از کتاب‌هایی که بهتر هستند مطالبی را جهت ارائه در اردو انتخاب می‌کنند؛ مثلاً یک سال نهج‌البلاغه و یک سال هم معالم‌المدرستین به بچه‌ها داده شد و در اردوی امام زمان نیز کتاب مهدی موعود و کتاب غیبت شیخ طوسی مطالعه گردید.

برنامه‌های جانبی

برنامه‌های اصلی اردوهای معرفتی، همگی پیرامون موضوع اصلی اردو است؛ ولی در کنار آن، برنامه‌های دیگری نیز اجرا می‌شود که در ذیل تنها به برخی از آنان اشاره می‌شود.

روزنگار

یکی از کارهایی که در این اردوها انجام می‌شد، این بود که هرروز یک روزنامه تهیه می‌گردید که در آن تاریخ امیرالمؤمنین را به سبک خبرنگاری گزارش می‌کرد؛ مثلاً روز اول به وقایع ولادت ایشان اختصاص داشت و یک روز به غدیر و... .

رجعت

طرح رجعت بسیار موفق و تأثیرگذار بوده است و در این اردوها برای دو سال اجرا شد. این برنامه اولین بار در اردبیل اجرا شد که البته به این کیفیت نبود. (تا پیش از آماده‌سازی اردوگاه جاجرود این اردو در اردبیل برگزار می‌شد.)

مبنای این برنامه تفسیر «رجعت» از منظر حجۀاسلام علوی است. توضیح این‌که حاج‌آقا علوی در مورد رجعت معتقد است رجعت، رفتن آینده‌ها به گذشته است نه اینکه گذشتگان به آینده بیایند. بر مبنای این نظریه، این طرح به این صورت اجرا شد که برهه‌ای از تاریخ برای بچه‌ها گفته‌می‌شد، سپس از آنان خواسته‌می‌شد که «تصور کنید در زمان امیرالمؤمنین شما در کوچه بنی‌هاشم حضور داشتید. اگر بودید چه می‌کردید و چه رجزی می‌خواندید؟» برای القاء فضای آن زمان نمایشگاهی هم برپا شد تا حس بهتری پیدا کنند. هرکدام از بچه‌ها رجزی نوشت که بسیار زیبا بود. سپس می‌آمدند و رجزهایشان را می‌خواندند و نهایتاً هم مراسم به هیئت و روضه ختم می‌شد.

سال دوم اردوی امیر المومنین، این برنامه با رویکرد رجعت به نبرد صفین و بالا شدن قرآن بر سر نیزه‌ها اجرا شد. آنجا هم خیمه‌هایی در محل اردوگاه برپا گردید و همان مدل را در بیابان اجرا کردیم.

در اردوی سوم که متعلق به امام زمان بود، به دلیل احتمال برگزاری ضعیف آن، این طرح اجرا نشد.

تفریح

در کنار سختی‌هایی که در این اردو وجود دارد، جاذبه‌هایی نیز ایجاد می‌شود تا مانع از دفع‌شدن اعضا شود. تفریحاتی مانند شنا در رودخانه یا استخر و بازی‌ها و برنامه‌های تفریحی دیگر.

همه برنامه‌هایی که در قسمت‌های پیشین گفته شد، آمیخته با شورونشاط بسیجی بود و مثلاً بازی و گعده هم در برنامه‌ها وجود داشت. بااین‌حال به چند برنامه رسمی که نشان‌گر نشاط اردوهاست در زیر اشاره می‌شود.

به‌طورکلی شب‌ها معمولاً در اردو به تفریح و برنامه‌های نشاط‌انگیز اختصاص دارد. قبلاً این برنامه بدین‌صورت اجرا می‌شد که بچه‌ها منتظر می‌ماندند تا کسی باب شوخی را باز کند تا بقیه آن را ادامه دهند؛ ولی الآن برنامه‌ریزی کرده‌ایم که هر شب به یک گروه اختصاص داده می‌شود و آن گروه هر کاری که بخواهد در آن وقت انجام دهد فیلم، تئاتر، شوخی، مسابقه و... .

برنامه‌ای که در سال اخیر اجرا شد این بود که کلیپ‌های تصویری با سبک اخبار آماده شده‌بود. به‌این‌ترتیب که عده‌ای از شرکت‌کنندگان در اردو، در هرروز، از اتفاقاتی که در فضای اردو می‌افتاد تصویربرداری می‌کردند و پس از تدوین، آن را در قالب اخبار در همان شب پخش می‌کردند. در این اردو بخشی از زمان شب، به پخش فیلم اختصاص یافت که یک بخش آن اخبار بود، یک بخش دیگرش کلیپ و یک قسمت از آن فیلم مستندی در مورد امام زمان مثلاً در مورد بهائیت، انجمن حجتیه، وهابیت، ادیان انحرافی، هالیوود، یهود و... بود.

پاسخ به دو اشکال

۱. تکامل دو نوع است: تربیت انسان و فرهنگ‌سازی جامعه. در تربیت انسان میزان رشد، استفاده متناسب او از نعمت‌ها و شرایط موجود است که با سعی خود شخص حاصل می‌شود و درواقع موتور محرکه در مسیر تربیتی از درون فرد است نه از محیط. مدل تربیتی این مجموعه، مبتنی بر ساختن محیط سالم و فضای محرک

است که ارزش‌ها و ضدارزش‌های مجموعه است که موجب فعل و ترک‌فعل افراد می‌شود. یکی از ثمرات این اشکال این است که اگر کسی با مجموعه فاصله بگیرد دیگر از سیر تکاملی (اجتماعی) خود باز خواهد ماند.

پاسخ

این مقدمه قابل پذیرش نیست. بسیاری افراد سعی فراوان می‌کنند ولی رشد نمی‌کنند؛ هم در عرصه‌های مادی و اقتصادی و هم در زمینه‌های معنوی و اخلاقی. چه بسیار کسانی که تلاش می‌کنند ولی توفیق الهی شامل آنان نمی‌شود؛ درواقع ملاک و عامل سعادت توفیق الهی است نه سعی انسانی. در عرصه علم نیز همینطور است. کسانی در زمینه علوم اسلامی بوده‌اند که بسیار خوب درس می‌خواندند ولی هم‌درس آن‌ها که ضعیف‌تر بود مرجع تقلید شد و آنان به مرجعیت دست نیافتند. مثلاً سید ابوالقاسم خوانساری را می‌گفتند که نسبت او به بقیه علما مانند نسبت خورشید به ستارگان بود و به پاکستان تبعید شد. چنین شخصی مرجع تقلید نشد و دیگران به این مقام دست یافتند. سعی انسان برای رشد کافی نیست و تا خداوند اراده نکند انسان به کمال نمی‌رسد.

در روایتی نقل شده که از معصوم پرسیدند ما وقتی در خدمت شما هستیم و کلام شما را می‌شنویم از دنیا جدا می‌شویم و حالت معنوی به ما دست می‌دهد و وقتی از شما جدا می‌شویم دنیا به ما روی می‌آورد. این صورت مسئله همان انتقادی است که در فوق نسبت به این مجموعه بیان شده است. پاسخ آن این است که در چنین حالتی ایمان در قلب فرد وارد نشده است (و لما یدخل الایمان فی قلوبکم) به تعبیر دیگر چنین ایمانی ایمان مستودع است و هنوز به حالت مستقر در نیامده است؛ اما راه استقرار ایمان همین راه است که عبارت است از تمرین، موعظه، ارادت، عبادت و... . ایجاد فضای معنوی به‌تدریج فرد را به استقرار ایمان می‌رساند تا جایی که «لا یحرکه العواصف».

در این مدل، مربی است که تشخیص می‌دهد متربیان تا چه حدی رشد کرده‌اند و ایمان در قلبشان مستقر شده است یا نه. در بسیاری مواقع، متربی از مربی خود اجازه می‌خواهد که برای مدتی یا برای کاری از مجموعه جدا شود، مربی اجازه نمی‌دهد چون می‌داند ایمان او آنقدر مستقر نشده که بتواند او را در مقابل هجمه‌های بیرونی حفظ کند؛ ولی برخی دیگر آنچنان رشد یافته‌اند که مجازند به هر جا تمایل دارند بروند. البته مربی در حد شناخت خود اظهارنظر می‌کند و حقیقت آن است که خداوند می‌داند. چه‌بسا مربی نیز اشتباه کند و نتواند به‌درستی تشخیص دهد. چنانکه در تاریخ نیز بسیاری اشخاص بودند که همه، آنان را با ایمانی مستقر و مستحکم می‌شناختند ولی درنهایت منحرف شدند؛ مانند زبیر.

پاسخ دیگر اینکه اگر اصول تربیت اسلامی در شخص نهادینه شده باشد –حتی اگر شرایط محیطی او تغییر کند نیز– همچنان آن را حفظ خواهد کرد؛ مانند کسی که خواندن و نوشتن را در مدرسه آموخته است. این‌چنین شخصی اگر مدرسه خود را تغییر دهد همچنان سواد خواندن و نوشتن در وجود او باقی خواهد ماند و اینطور نیست که تغییر محیط موجب از بین رفتن دروندارهای او شود. البته این در صورتی است که واقعاً درس‌های خود را آموخته باشد. در اینجا نیز همینطور است؛ اگر به‌واسطه حضور در محیط واقعاً دین را آموخته باشد به هرجا که برود این منبع فیض را با خود عملی می‌کند.

این مدل، همان مدلی است که در زمان جنگ نیز اجرا می‌شد. فضای بسیار معنوی جبهه موجب می‌شد کسانی که تناسب چندانی با تربیت اسلامی نداشتند نیز با حضور در آن محیط، متحول شوند. البته دوام این تحول مثبت به خود شخص بستگی داشت. عده‌ای این تحول را تئوریزه می‌کردند و ساختار شخصیت خود را بر مبنای آن می‌ساختند و لذا وقتی به شهر برمی‌گشتند و حتی پس از جنگ این شخصیت دینی خود را حفظ می‌کردند اما گروه دیگری هم بودند که پس از جنگ دوباره تغییر کردند و حتی از جنگ برائت می‌جویند.

تفاوت این دو گروه این است که این معنویت را به‌صورت علمی می‌یافتند. درواقع پاسخ این اشکال به این مسجد این است که در اینجا علاوه بر اینکه محیطی پاک فراهم شده دو اتفاق دیگر نیز می‌افتد. از یک سو متربیان در چنین محیطی زندگی می‌کنند و تمام زندگی خود را بر مبنای این ارزش‌ها می‌سازند و از سوی دیگر از جهت علمی و معرفتی نیز مبانی اسلامی تئوریزه می‌شود و شبهات پاسخ گفته می‌شود. در بسیاری موارد نیز پیش از به وجود آمدن شبهات، طرح شبهه می‌شود و پاسخ آن در اختیار متربیان قرار می‌گیرد.

درواقع در این مجموعه دین به‌صورت عالمانه به متربیان منتقل می‌شود و اینگونه نیست که متربیان تنها به‌صورت ناخودآگاه به افعال دینی عادت کنند. البته این بدان معنا نیست که از «عادت دادن» متربیان استفاده نمی‌شود. عادت دو گونه است عادات خوب و عادات بد. در روایات ما به «عادت خوب» تأکید شده است. چنانکه در مورد کودکان گفته شده به آنان نماز را یاد دهید و به نمازخواندن عادت دهید. این ازآن‌روست که کودکان به‌طور کامل ادراک صحیحی از نماز ندارند. لذا گفته می‌شود هرچند لازم نیست همه شرایط نماز را به‌جا آورد ولی صورت نماز را به‌جا آورد. این باعث می‌شود که به‌تدریج پس از بلوغ به درجات بالاتری از معرفت نماز دست یابد.

به‌طورکلی یکی از مبانی اصلی این مدل تربیتی آن است که هرچند در ابتدا از روش عادت دادن متربیان استفاده می‌شود، ولی همزمان، به روش آموزش معارف و فهم عقلانی مبانی دینی از جوزدگی و سطحی بودن دینداری جلوگیری می‌کند. این روش باعث می‌شود که فرد در اثر تکرار عمل به دستورات الهی از یک سو و تبیین عقلانی آن‌ها از سوی دیگر به‌تدریج حقیقت آن را دریابد و به درجه ایمان و ملکه تقوا دست یابد.

پاسخ دیگر به این انتقاد این است که درست است علت تمایل افراد به خوبی‌ها در این مجموعه، تأثیر شدید محیط بر افراد است و متربیان به خاطر جوگیر شدن به انجام دستورات دینی و ترک منهیات الهی می‌پردازند، ولی باید در چگونگی تأثیر محیط به

افراد کنکاش نمود. درواقع در این مجموعه محیط باعث می‌شود که اعضا خود «بخواهند» عامل به وظایف دینی باشند نه اینکه تنها شرایط موجود به‌صورت ناخودآگاه آنان را بدین سمت سوق دهد. به‌عبارت‌دیگر مبنای حرکت آنان چشم و هم‌چشمی، حب مقام، ریا و... نیست بلکه محیط مسجد، در درون افراد علاقه قبلی ایجاد می‌کند و این کار از طریق اقناع درونی صورت می‌گیرد. در این مجموعه تأثیر محیط بسیار زیاد است و جو دینی بسیار قدرتمند، ولی قدرت فضا در راه انداختن خود اشخاص است نه مجبور کردن آنان.

زاویه دیگری که برای پاسخگویی به این انتقاد می‌توان انتخاب کرد این است که هرچند در این مجموعه نگاه جمعی وجود دارد و آنچه اصالت دارد جمع است، ولی نگاه مربیان از افراد برداشته نمی‌شود و سیر معنوی مثبت و منفی افراد در کنترل مربی است. درنتیجه متناسب با روند رشد افراد، تشویق و تنبیهاتی صورت می‌گیرد. برنامه‌های فردی همچون مشاوره و گفتگوهای شخصی به این روش کمک می‌کند. وقتی تشویقی نیز صورت می‌گیرد «شخص خوب» تشویق نمی‌شود بلکه «کار خوب» مورد تشویق و تأیید قرار می‌گیرد. خلاصه اینکه فرد، در جمع رها نمی‌شود تا با جوگیری، خوب شود بلکه به تک‌تک افراد نیز توجه ویژه صورت می‌گیرد تا جایی که وظیفه مربی این است که به استعدادهای برتر توجه ویژه کند و برنامه مستقل برای او در نظر بگیرد و او را به‌عنوان الگو در گروه معرفی نماید.

درنهایت آنچه باید گفت این است که اساساً وقتی کار به‌صورت تشکیلاتی انجام می‌شود، نمی‌توان توقع کار درونی داشت. کار تربیتیِ درونی تنها توسط خود افراد صورت می‌گیرد و به‌طورکلی یک مربی هیچ راهی به درون متربی ندارد. ما تنها می‌توانیم در بیرون از انسان‌ها برنامه‌های تربیتی را اجرا کنیم.

اساساً ویژگی این مجموعه این است که در عین اینکه هویت جمعی مجموعه و گروه‌ها حفظ می‌شود باید توجه به افراد نیز صورت گیرد. مربی حتماً باید ارتباطات شخصی خود را با تک‌تک

اعضا زیاد کند. البته برای عدم ورود در وادی محبت کاذب باید توجه داشت که از تنهایی‌ها پرهیز شود و ارتباطات فردی در حضور جمع باشد.

اینکه در کتاب‌ها گفته می‌شود، تربیت زمینه‌سازی است. یا تعاریف دیگری از تربیت بیان شده و نکات و مبانی نظری گوناگونی مطرح گردیده است، کافی نیست که ما خود را ملزم به پایبندی به همه آن‌ها بدانیم. اساساً غالب مجموعه‌های موفق تربیتی بر مبنای مطالب کتاب‌ها شکل نگرفته‌اند، بلکه تجربیات عملی، بسیار کارگشاتر از مطالب نظری است. آنچه مهم است طرز تفکر افراد است. اگر توانستیم رویکرد فکری فرد را اصلاح کنیم و او را نسبت به امری اقناع نماییم می‌توانیم در هر شرایطی نتیجه دلخواه را به دست آوریم. در این مجموعه نیز آنچه اتفاق می‌افتد پذیرش درونی افراد است که آن‌هم به روش الگویی اتفاق می‌افتد. ویژگی این مجموعه این است که هر متربی در مقابل خود الگوهای مختلفی با رویکردهای گوناگون می‌یابد. در عرصه‌های مختلفی همچون درس، ورزش، اخلاق و دیگر ساحات، انواع الگوها دیده می‌شود و فرد دلیلی برای جدایی از مجموعه نمی‌بیند. این‌چنین شرایطی باعث می‌شود شخص اشباع شود و همهٔ سعی خود را برای رسیدن به الگوها صرف نماید. به‌هرحال آنچه درمجموع به‌عنوان روش تربیتی مجموعه گفته شد درواقع همان چیزی است که در زمان پیامبر هم اجرا می‌شد. ایشان هرچند خود، جامعه و محیطی اسلامی در مدینه ایجاد نمودند ولی به تربیت فردی اعضای جامعه نیز پرداختند. وقتی به مسجد می‌رفتند و جوانی را باحال متفاوت می‌دیدند، می‌پرسیدند چگونه‌ای و اگر می‌گفت من حالت «یقین» دارم نشانه‌های آن را می‌پرسیدند... . ایشان با هر کس به‌مقتضای ظرفیت او سخن می‌گفتند.

خلاصه اینکه برای تربیت درونی شرایط و مقتضیات بیرونی لازم است که عبارت است از برخورد و مدیریت مربی، توجیه، فضای مناسب و... .

۲. از منظر اسلامی ساختار اجتماعی انسان با محوریت خانواده سامان می‌یابد و تشکیل، حفظ و ارتقاء خانواده مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. با توجه به صرف حداکثری زمان توسط متربیان در این مجموعه و بیتوته آنان در مسجد به نظر می‌رسد که در نظام تربیتی این مجموعه به این نهاد مهم بی‌توجهی شده است.

پاسخ

این که خانواده در نظام اجتماعی اسلام جایگاه والایی دارد پذیرفته است ولی نتیجه‌ای که از این مقدمه گرفته می‌شود مبهم است. ابهام در این است که ربط جایگاه خانواده در نظام اسلامی با صرف وقت در آن معلوم نشد. این زمان چقدر باید باشد؟ آیا عرف جامعه ملاک است؟ اگر چیز دیگری است باید اثبات شود؛ ولی اگر ملاک، عرف است خواهیم گفت عرف جامعه جدایی فرزندان از خانواده را در مواردی مانند خدمت سربازی و تحصیل در دانشگاه پذیرفته است. باید گفت چطور است که برای قبولی در دانشگاه رضایت دارند بلکه نذرونیاز می‌کنند که این اتفاق بیفتد ولی وقتی سخن از مسائل تربیتی و ماندن در مسجد به میان می‌آید اعتراض می‌کنند. این به خاطر آن است که عرف جامعه، آن را پذیرفته است ولی نسبت به این موضع دارد. حال اگر به‌تدریج این برنامه نیز در عرف پذیرفته شود یا لااقل عرف قسمتی از جامعه نسبت به آن موضع منفی نداشته باشد اشکالی باقی نخواهد ماند. نمونه تغییر عرف این است که تا چندی پیش دخترانی که در شهرهای دیگر برای دانشگاه پذیرفته می‌شدند به علت عدم پذیرش عرف، به دانشگاه نمی‌رفتند ولی امروزه عرف جامعه این مهاجرت دختران را پذیرفته و این اتفاق می‌افتد.

نکته دیگر اینکه در تاریخ اسلام نمونه‌های دیگری در این زمینه وجود دارند مثلاً حضرت علیعلیه‌السلام از خانواده خود جدا شد و تحت تربیت پیامبر اسلام قرار گرفت؛ یا اینکه محمد بن ابی‌بکر تحت تربیت مستقیم و دائمی امیرالمؤمنین بود تا جایی که به او محمد بن‌علی گفته می‌شد.

در سؤال گفته شد که روش تربیتی پیامبر این‌گونه نبوده است. البته این‌که زمان و روش کارها تغییر کرده است، نکته مهمی است که در آینده به آن خواهیم پرداخت. ولی اجمالاً باید گفت به صِرف این‌که پدیده‌ای در تاریخ صدر اسلام وجود نداشته کافی نیست تا همان‌گونه اجرا شود یا از آن جلوگیری شود. به‌طور مثال در زمان حضرت امیرعلیه السلام ایشان تنها یک لباس داشتند که در خطبه نماز جمعه بر تن کرده بودند و آن را خشک می‌نمودند ولی در زمان امام صادقعلیه السلام وضع اقتصادی جامعه تغییر کرده بود و لباس گرانبها می‌پوشیدند. در مورد موضوع خانواده نیز باید گفت هرچند حضرت صادقعلیه السلام در مدینه سکنی داشتند و به جز موارد معدودی سفر نداشتند، ولی حضرت امیر دائماً خارج از مدینه و در سفر بودند؛ به‌طوری‌که علاوه بر مأموریت‌های متعددی مانند یمن و... در جنگ‌های فراوانی شرکت کردند و به‌طور متوسط هر ۶ ماه در یک جنگ حضور داشتند لذا حضور ایشان در منزل اندک بود.

نکته دیگر آن است که این انتقاد در مقابل کار تربیتی در مسجد مطرح می‌شود. ولی زمانی که پای مسائل مادی به میان می‌آید دیگر این انتقاد را وارد نمی‌دانند. مثلاً اگر کسی برای مأموریت اداری چند ماه مسافرت کند چون پای درآمد مادی در میان است اعتراضی نیست ولی همین‌که ماندن در مسجد مطرح می‌شود همه انتقاد می‌کند، چه از درون خانواده‌ها چه بیرون از آن.

در روایتی آمده است روزی امیرالمؤمنینعلیه السلام به خانه می‌آید و به حضرت زهراسلام‌الله‌علیها می‌فرمایند چیزی برای خوردن بیاورند. حضرت نیز می‌گویند سه روز است که چیزی در خانه نداریم. همین روایت نشان‌دهنده این است که حضرت امیر سه روز است که خانه نرفته‌اند و از حال منزل مطلع نبوده‌اند و از سوی دیگر حضرت زهرا نیز گله و شکایتی نداشته‌اند.

نمونه دیگر اینکه در زمان قبل از انقلاب، مبارزان انقلابی بسیاری از اوقات خارج از خانه بودند. همین حالت در مورد سرداران جنگ تحمیلی نیز مطرح است. همهٔ این‌ها نشان می‌دهد که رسیدگی به خانواده مهم و ارزش است اما در مقابل تکلیف الهی هیچ است و

وقتی تکلیف بر مسائل مهم‌تری قرار گرفت نمی‌توان به آن استناد نمود.

از سوی دیگر باید گفت که در اسلام دستوراتی وجود دارد که برای تربیت انسان او را از حالت فردی و خانوادگی خارج می‌کند و وارد نظام اجتماعی می‌سازد. ازجمله این تکالیف می‌توان به نماز جماعت که یک اصل اسلامی است و لازمه آن جدا شدن از خانواده است اشاره کرد. این کار حداقل روزی سه وعده و بلکه پنج وعده صورت می‌گیرد. همینطور است نماز جمعه و حج و جهاد و... . تعلیم و تربیت اسلامی نیز در مسجد صورت می‌گرفت و با سخنرانی معصومین در مسجد صورت می‌پذیرفت.

مبنای دیگر این روش تربیتی آیه شریفه «فلولا نفر من کل امه فرقه...» است. محتوای این آیه نشانه لزوم کنده‌شدن از خانواده برای تفقه در دین و تربیت اسلامی است.

از میان همه این مبانی اگر تنها به دو عنوان اشاره‌کنیم کافی است. این دو عنوان عبارت‌اند از جهاد و تعلیم و تربیت. در هر دو این‌ها در اسلام اجازه و بلکه وظیفه کنده‌شدن از خانواده وجود دارد. اولاً امروزه حالت جامعه اسلامی حالت جهاد است و جنگ نرم و تهاجم فرهنگی، جهاد فرهنگی را طلب می‌کند و ثانیاً آیه شریفه «نفر» تحریض به مهاجرت و جدایی از خانمان می‌کند.

در این مجموعه ازآنجاکه هدف آن تربیت مربی است مانند این است که مجاهدانی را از جامعه و خانواده جدا کرده‌ایم و آنان در حال آموزش و آماده‌باش برای شرکت در جهاد می‌باشند.

مبنای دیگری که می‌توان برای این مدل تربیتی برشمرد اشاره به سیره علما و سیره متشرعه است که خود را در حوزه و زندگی طلبگی نشان می‌دهد.

نکته بسیار مهمی که در مبنای این کار وجود دارد این است که اساس این مدل بر مبنای نوعی اجتهاد است که در موضوع تربیت دینی صورت می‌گیرد. این اجتهاد فقهی موجب می‌شود که تغییرات موضوع را متناسب با زمان در نظر بگیرد و پویایی فقه تربیتی را در نظر داشته باشد. اساساً در نگاه اجتهادی حجةالاسلام

علوی، ماندن در مسجد و جدایی از خانواده مطلوب بالذات نیست و بهتر آن است که متربیان هنگام شب از مسجد بروند و هنگام نماز صبح بازگردند ولی به دلایلی این اتفاق نمی‌افتد. ازجمله این دلایل آن است که مسیرهای طولانی مانع از این کار است و از سوی دیگر انس و علاقه زیادی که میان افراد وجود دارد موجب می‌شود که جدا شدن آنان از یکدیگر دشوار باشد.

درواقع علت اصلی ماندن بچه در مسجد این است که این مسجد نیز مانند دیگر مساجد به دلیل اشتغالات روزانه مردم در شب، برنامه‌هایی دارد و چون برنامه‌های این مسجد نسبت به جاهای دیگر بیشتر است شب‌هایش طولانی‌تر است. اساساً هرچند که این روش مدل مطلوب نیست ولی به‌تدریج مشکلاتی که به وجود آمد ما را بدین‌جهت سوق داد. این نشانه تصمیم‌گیری اجتهادی در فقه پویای تربیتی است که در شرایط مختلف تصمیمات گوناگون اتخاذ می‌شود.

درواقع در جامعه امروز نوجوانان از خانواده‌ها جدا شده‌اند نه اینکه مسجد آن‌ها را جدا کرده باشد. کار و مدرسه و تلویزیون و تفریح و ورزش و... ارتباط معنوی انسان با خانواده را قطع کرده و اشخاص حتی زمانی که به‌صورت مادی در خانه حضور دارند، در خانواده نیستند و به تماشای تلویزیون و... می‌پردازند. کاری که در این مسجد صورت گرفته این است که حال که نوجوانان از خانواده جدا شده‌اند ما در مسجد جایی برای آن‌ها ساخته‌ایم تا تربیت شوند.

مبنای دیگر که پیش‌تر نیز به آن اشاره شد این است که تحول خارجی نوعی تذکر برای تحول معنوی است. درواقع یکی از راه‌های تربیت آن است که او را از محیط غیرتربیتی خود جدا نموده و با تحول در محیط، درون او را متحول سازیم. لذا هجرت لازمه تحول معنوی است و آیه شریفه «نفر» در همین جهت تفسیر می‌یابد.

به‌هرحال همهٔ این‌ها نشان از تصمیم‌گیری مجتهدانه، در این مدل تربیتی است. در این اجتهاد، اصول کلی از دین برداشت می‌شود و بر شرایط زمانه تطبیق داده می‌شود. در زمان کنونی

جامعه ما آنقدر اسباب غفلت وجود دارد که اگر این روش را به کار نبندیم متربیان تلف می‌شوند.

اساساً اینکه چنین نظام تربیتی‌ای در سیره معصومین وجود ندارد دلیل بر عدم مجوز آن نیست زیرا در زمان آن حضرات چنین موقعیتی وجود نداشت. حتی در زمان امام صادق هم که چهار هزار شاگرد برای ایشان نقل شده است، همه آن شاگردان که خالص نبودند برخی از آن‌ها دشمن و جاسوس و... بودند و عده قلیلی شاگرد خاص حضرت بودند که آنان نیز دائماً در منزل ایشان حضور داشتند.

درمجموع درست است که رسیدگی به همسر و فرزندان مهم است و اعضا، معمولاً اوقاتی را تعیین می‌کنند که در منزل باشند ولی اگر کاری بر زمین‌مانده بود و مشکلی در مسجد پیش آمده‌باشد، خود را موظف می‌دانند به کار مجموعه بپردازند. به‌عبارت‌دیگر، مجموعه و کار تربیتی در اولویت اول قرار دارد و خانواده در مرحله بعد است. این، به خاطر نگاه جهادگرایانه به کار تربیتی است و اینکه آنان این کار را به‌صورت مجاهده می‌نگرند. البته به میزان مجاهدة اعضا، آسیب‌هایی به خانواده‌ها وارد می‌شود ولی سعی می‌شود این آسیب‌ها به حداقل برسد. نارضایتی نسبی همسران هم از توابع آن است؛ البته چند جهت موجب می‌شود که مرهمی باشد بر این نارضایتی: یکی اینکه همسران اعضا، خود علائق دینی و تربیتی دارند و عمق قلب آن‌ها این مجاهده تربیتی را تأیید می‌کند هرچند در ظاهر نارضایتی‌هایی وجود داشته باشد. دیگر اینکه واحد خواهران به همین دلیل در مجموعه تأسیس شد تا ازدواج‌ها در درون مجموعه و با کسانی که با جهت‌گیری مجموعه همسو هستند صورت گیرد. به‌هرحال همه این نارضایتی‌ها در حد مشاجرات عادی بوده و تاکنون جدایی و طلاقی را موجب نگردیده است.

گفتار سوم: امکانات و مسائل مالی

مسائلی را که در این قسمت مطرح می‌شود می‌توان در سه بخش امکانات، اصول مالی و جذب بودجه طبقه‌بندی نمود. در زیر اجمالاً به بیان برخی از کلیات این بخش می‌پردازیم.

۱- امکانات

برای آشنایی با کلیات فضای مسجد، دانستن برخی از دارایی‌ها و امکانات مادی و معنوی آن مفید به‌نظر می‌رسد. به همین دلیل در زیر به بخشی از آن اشاره می‌کنیم:

۱- دبیرستان اندیشه صفا (پسرانه غیرانتفاعی): این مدرسه در سال ۱۳۸۲ تأسیس شد و اکنون ۱۹۳ نفر دانش‌آموز دارد.

۲- حوزه علمیه مسجد: پس از پیگیری‌های مکرر، مقدمات ثبت حوزه علمیه برادران تا مراحل نهایی طی شده و حوزه خواهران به‌طور رسمی مشغول فعالیت است.

۳- یک راهنمایی و یک دبیرستان دخترانه: دو مدرسه دخترانه در مقاطع راهنمایی و دبیرستان زیر نظر مسجد مشغول فعالیت است.

۴- مهدکودک: نگهداری کودکانی که والدین آن‌ها در مجموعه ایفای نقش می‌کنند و حتی کودکان دیگر، از برنامه‌های واحد خواهران است که در قالب مهدکودک انجام می‌شود.

۵- واحدهای تجاری: دو مغازه تعاونی، یک کارخانه (این کارخانه اکنون فعالیت نمی‌کند) و برخی دیگر از واحدهای سودآور، وظیفه تأمین بخش کوچکی از هزینه‌های مجموعه را به عهده دارد. شایان‌ذکر است در کنار این، مؤسسات و شرکت‌هایی مانند مشاوره ساختمانی، تور زیارتی و... نیز توسط اعضای این مسجد اداره می‌گردند.

۶- اردوگاه جاجرود و حسینیه مشهد: اردوگاه جاجرود توسط خود متربیان ساخته شد و حسینیه مشهد اخیراً خریداری شده و قرار است توسط متربیان ساخته‌شود.

۲- جذب بودجه

جذب بودجه در این مسجد از سه طریق عمده اتفاق می‌افتد:

۲-۱- بانی‌بازی

از برنامه‌های دائمی متربیان مجموعه این است که با افراد و نهادهای مختلف ارتباط برقرار می‌کنند و پول، امکانات و مساعدت برای انجام کار جذب می‌نمایند. این کار در ادبیات مجموعه، بانی‌بازی نام دارد و کاری عادی است. روش کار به‌این‌ترتیب است که به مناسبت‌های مختلف، اعضای مجموعه به‌صورت گروه‌های دونفره تقسیم می‌شوند و هر گروه در یکی از خیابان‌های تجاری تهران شروع به کار می‌کند. این گروه‌ها در هر واحد تجاری بروشورهایی را که برای معرفی فعالیت‌های مسجد تهیه شده ارائه می‌دهند و در کنار آن نیازی که در آن زمان مبتلابه است را توضیح می‌دهند. آن شخص نیز اگر بتواند کل نیاز را مرتفع می‌نماید و در غیر این صورت بخشی از هزینه آن را متقبل می‌شود. در برخی موارد قبض‌هایی نیز صادر می‌شود و به شخص کمک‌کننده اعطا می‌شود.

در مواردی که نیاز مذکور از طریق سازمان‌ها و نهادهای دولتی رفع شود این کار در آن سازمان یا نهاد انجام می‌گیرد که البته سماجت و ایستادگی بیشتری نیاز دارد.

۲-۲- جذب بودجه از مسئولین

دومین روش جذب پول و امکانات، مذاکره با مسئولین است. یکی از پیشکسوتان این مسجد که از بازماندگان جنگ تحمیلی است، معاونت مالی مجموعه را به عهده دارد. او با ارتباطات گسترده‌ای که با مسئولین دولتی و کارخانه‌داران و بازاریان برقرار می‌کند، بودجه نسبتاً مناسبی را از این راه برای مسجد جذب می‌کند.

از راه‌های رایج برای این کار دعوت از مسئولین برای حضور در مسجد و ارائه گزارش کار آنان به مسجد است.

۲-۳- کار اقتصادی

مجموعه واحدهای مختلف دارد که زیر نظر مسجد اداره می‌شود و درآمد آن صرف کارهای فرهنگی مسجد می‌شود. برای نمونه می‌توان به مغازه‌های تعاونی اشاره کرد.

ازآنجاکه بخشی از هزینه‌های تربیتی مسجد در قالب شهریه تحصیلی مدارس از والدین متربیان اخذ می‌شود، می‌توان مدارس راهنمایی و دبیرستان را هم به‌عنوان بخشی از منابع مالی آن برشمرد.

۳- اصول مالی

به چند عنوان از اصول مالی مجموعه در زیر اشاره می‌شود:

۱. از هرکسی نباید پول قبول کرد. آنچه در درجه اول اهمیت دارد این است که درآمد او حلال باشد.
۲. حتی‌المقدور نباید وام‌دار کسی شد. نباید استقلال مجموعه را برای جذب بودجه و امکانات خدشه‌دار نمود.
۳. کار فرهنگی نباید موجب این شود که دیگران از آن سوءاستفاده کنند و منافع خود را در قالب کمک به مسجد پیگیری کنند.
۴. از جهت ساختاری نباید بخش فرهنگی مسجد از بخش مالی جدا باشد. اگر این دو بخش اختلاف داشته‌باشند اهداف اصلی دست‌نیافتنی می‌شوند.
۵. مسئول مالی مجموعه باید از جهت تقوا در سطح بالایی باشد. اگر او هوای نفس داشته‌باشد کارها زمین می‌خورد.
۶. تا جایی که ممکن است نباید هیچ‌یک از امکانات را به نام مسجد زد. به‌طورکلی سروکار داشتن با اوقاف و ادارات و سازمان‌های دولتی موجب دردسر است.
۷. در درجه اول به هیچ‌یک از اعضای مجموعه نباید به دلیل کار در مسجد پول داد. ولی اگر شخص تمام‌وقت خود را

برای مجموعه صرف می‌کند و از سویی در هیچ قالبی نیز نمی‌توان زندگی او را تأمین نمود، اشکالی ندارد. البته میزان آن باید به‌قدری باشد که کسی به خاطر پول کار نکند.

گفتار چهارم: ساختار

آنچه تاکنون در مورد نظام تربیتی مسجد صفا گفته شد، مسائلی بود که به‌طور مستقیم با تربیت متربیان در ارتباط بود. در این قسمت بنا داریم ساختارِ اجرایی این مسجد را بیان کنیم. اگرچه ساختار اجرایی، مستقیماً ناظر بر فرآیند تربیت نیست، ولی ازآنجاکه هر الگوی موفق تربیتی، ساختاری متناسب با خود را طلب می‌کند، در این بخش اشاره‌ای به ساختار مسجد صفا خواهیم داشت.

البته این ساختار هنوز به مرحله اجرا درنیامده است. سیستمی که اکنون پیش رو دارید، تحولی در سیستم اجرایی مسجد صفاست که پس از حدود دو سال کار کارشناسی تدوین شده و در مرحله تصویب قرار دارد.

برای بیان ساختار جدید این مسجد، بهتر است بر اساس ارکان مدیریتی مجموعه، آن‌را طبقه‌بندی نماییم و پس از تعریف هریک از آن‌ها، وظایف آن رکن و اعضا تشکیل‌دهنده آن را بیان کنیم. این مجموعه هفت رکن دارد که عبارت‌اند از:

۱- هدایت و رهبری

هدایت و رهبری عبارت از ساختاری جهت جمع‌بندی و پیگیری فکر و عملِ و گرفتن نتیجه عینی است. مهم‌ترین رکن مسجد صفا که عملاً بار فکری، معنوی و اجرایی مجموعه را به دوش می‌کشد، نهاد رهبری آن است. هرچند این نهاد، برای کسب جایگاه و انجام وظایف خود نیازی به محدود شدن در نمودار ساختاری مکتوب ندارد، ولی برای منظم‌تر شدن سازمان اجرایی مجموعه، اولین رکنی که مورد بررسی قرار می‌گیرد رکن «هدایت و رهبری» است.

۱-۱- وظایف

وظایف این سمت عبارت است از:

- حفظ وحدت و اتحاد حقیقی در نظام کلی مجموعه
- تطبیق نظریات
- تبیین و رفع ابهامات
- نظارت بر حسن جهت‌گیری‌ها که از طرف شورای راهبردی و کاربردی تعیین می‌شود.

۱-۲- اعضا

اکنون رهبر مجموعه حجۀاۀسلام علوی است.

۲- مرکز راهبردی و کاربردی

مرکز راهبردی و کاربردی از تلاقی مفهومی دو رأس طرح و برنامه (راهبردی) و نظارت و اجرا (کاربردی) به وجود آمده و جمع‌بندی نهایی فکر و عمل است که به‌تبع این مسئله مدیریت فکری شورای اساسی به عهده این مرکز بوده و تحت نظارت مستقیم هدایت و راهبری است. همچنین مفهوم توسعه و دید فراسیستمی نیز به عهده این مرکز است که به‌وسیلۀ مطالعات و تحقیقات خویش، تحول و توسعه را در مجموعه تعریف کرده و رئوس آن را دنبال می‌نماید.

این مرکز گروهی است متشکل از اعضای منتخب هیئت «طرح و برنامه» و «نظارت و اجرا» که وظیفه رصدکردن (پایش) انطباق جهت‌گیری‌های کلان مجموعه با اهداف کلان راَهبردی- کاربردی را برعهده دارد.

این سیاست‌ها به‌صورت دوره‌ای توسط خود مرکز راهبردی کاربردی و با هماهنگی «هدایت و راهبری» مجموعه تهیه شده و در شورای اساسی به تصویب می‌رسد.

۲-۱- وظایف

وظایف این مرکز عبارت‌اند از:

- تعیین بایسته‌ها با توجه به نیازها و توانایی‌های مجموعه؛

- بررسی و تعیین جهت‌گیری‌ها؛
- تبیین و تحلیل دقیق فرصت‌ها و حسن استفاده از آن‌ها؛
- اصلاح و تغییر ساختار؛
- تنظیم سیاست‌های کلی در ارتباط با هدایت و راهبری، بررسی و تطبیق سیاست‌های کلی با سیاست‌های سالیانه و ماهیانه و ...؛
- مدیریت فکری شورای اساسی و کنترل فکری و عملی آن؛
- تعریف توسعه به‌وسیله بررسی نیازها و مطالبات فکری و عملی واحدها و تبیین طرح‌های جامع و مناسب و مطابق با این نیازها؛
- تبیین مفاهیم توسعه و مؤلفه‌های آن و نظارت بر عملی شدن آن‌ها (مانند جابجایی، طرح و تعویض مسئولیت‌ها و تبیین جهت‌گیری‌های مسئولیتی)؛
- به‌روزرسانی، حفظ و طبقه‌بندی اطلاعات برای تعریف توسعه و... .

۲-۲- اعضا

- مسئول و معاون مرکز
- مسئولین شوراهای تخصصی
- رؤسای طرح و برنامه و نظارت و اجرا

درمجموع این بخش ده عضو دارد.

۳- شورای اساسی

شورای اساسی، ساختاری است جهت هدایت و نظارت کلی بر مسیر حرکت فکری و عملی و رصد کلی ساختار.

۳-۱- وظایف

- تبدیل اندیشه و افکار به عمل و برنامه و وضوح عینی برنامه درنتیجه اجرایی شدن آن‌ها؛
- سیاست‌گذاری اجرایی؛
- تصمیم‌گیری؛

- پیگیری امور اجرایی و نظارتی مجموعه؛
- اطلاع‌رسانی و ابلاغ تصویب‌ها.

۳-۲- اعضا

همه اعضا ساختار، عضو شورای اساسی هستند که مجموعاً ۶۰ نفر می‌باشند.

۴- هیئت طرح و برنامه

هیئت طرح و برنامه عبارت است از ساختاری جهت تولید و جمع‌بندی فکری و تدوین آن بر اساس مبانی مجموعه، جذب و پرورش افرادی با این قابلیت و نظارت کلی بر امور تدوینی و فکری مجموعه.

۴-۱- وظایف

- هماهنگی و نظارت بر تدوین طرح‌ها در ارتباط با شورای اساسی؛
- بررسی نکات تدوینی؛
- ارتباط عملی با شورای اساسی؛
- ارتباط خبری و اطلاع‌رسانی با مرکز راهبردی و کاربردی؛
- تعیین و پیگیری بایسته‌های طرح‌های تدوینی.

۴-۲- اعضا

- مسئول و معاون هیئت
- مسئولین طراح تمام شوراهای تخصصی

این رکن درمجموع شش نفر عضو دارد

۵- هیئت نظارت و اجرا

هیئت نظارت و اجرا ساختاری است جهت مدیریت و جمع‌بندی عملی، نظارت بر حسن اجرا و تطبیق با اصول مجموعه و سازماندهی نیروهای مدیر.

۵-۱- وظایف

- هماهنگی و نظارت در مدیریت اجرایی؛
- تدوین شیوه عملکرد و ترسیم ساختار مدیریتی؛
- عمل و انسجام تصویبات شورایی؛
- ارتباط عملی با شورای اساسی؛
- ارتباط خبری و اطلاع‌رسانی با مرکز راهبردی و کاربردی؛
- تعیین و پیگیری بایدهای افراد مدیر.

۵-۲- اعضا

- مسئول و معاون هیئت
- مسئولین طراح تمام شوراهای تخصصی

در این هیئت مجموعاً شش نفر حضور دارند.

۶- شوراهای تخصصی

شوراهای تخصصی ساختارهایی جهت تلفیق خارجی فکر و عمل در تخصص خاص می‌باشند. این شوراها عبارت‌اند از: فرهنگی و تربیتی، آموزشی و مهارتی، توسعه و اقتصاد و مدیریت و سازماندهی.

در هر یک از این شوراها نمایندگان کارگروه‌ها حضور دارند که در قسمت بعدی نام آن‌ها ذکر خواهد شد.

۶-۱- وظایف

- هدایت، مشورت و نظارت بر کارگروه‌ها؛
- تدوین مباحث نظری مربوط به تخصص.

۶-۲- اعضا

- مدیران و طراحان
- مسئول اصلی کارگروه‌های شورای مربوطه

هر شورایی درمجموع حداقل ده نفر عضو دارد.

۷- کارگروه‌ها

کارگروه، ساختاری است جهت ایجاد حوزه‌های منسجم کارهای مجموعه. این کارگروه‌ها زیر نظر شوراهای تخصصی به انجام‌وظیفه می‌پردازند. اسامی این کارگروه‌ها عبارت‌اند از:

- شورای فرهنگی و تربیتی:

کارگروه مربیان، کارگروه تدوین و نشر آثار حجۀاسلام علوی، کارگروه حوزه.

- شورای آموزشی و مهارتی:

کارگروه مؤسسات آموزشی، کارگروه آموزش مهارت‌های ویژه، کارگروه تربیت‌بدنی

- شورای توسعه و اقتصاد:

کارگروه جذب بانی و کمک‌های مردمی، کارگروه مؤسسات تجاری، کارگروه انبارداری (حفظ اموال و توزیع کالا)

- شورای مدیریت و سازماندهی:

کارگروه بسیج (امنیت و حفاظت نظامی)، کارگروه سازماندهی (مدیریت داخلی و حفاظت فیزیکی)، کارگروه هیئت‌امنا و برنامه‌های فرهنگی مسجد

۷-۱- وظایف

- واحدهای مدیریت اجرایی؛
- کنترل اجرایی واحد؛
- چینش افراد و نیروها.

۷-۲- اعضا

- مسئول
- مدیر
- طراح کارگروه
- افرادی که در آن کارگروه می‌باشند.



نمودار (۱) نسبت میان ارکان مجموعه



نمودار (۲): کارگروه‌ها ۱



نمودار (۳): کارگروه‌ها ۲

۸- واحد خواهران

واحد خواهران مسجد صفا، ۷ الی ۸ سال است که تأسیس گردیده است. در ابتدای این نوشتار در بخش «تاریخچه» و قسمت «تأسیس واحد خواهران»، سیر مختصری از روند شکل‌گیری واحد خواهران بیان شد. به همین خاطر در اینجا مطلب چندانی برای ارائه وجود ندارد جز اینکه اشاره‌ای بسیار مختصر برای یادآوری صورت گیرد.

ابتدا حجۀاسلام علوی تعدادی از دختران را جذب کرد و برایشان کلاس گذاشت. این کلاس‌ها، حدود یکی دو سال در قالب کلاس‌های اخلاق و عقاید ادامه داشت. سپس ایشان به‌عنوان معلم، وارد مدارس شد تا اینکه در سال ۱۳۸۴ مدرسه راهنمایی دخترانه معصومیه را تأسیس کرد. آن مدرسه تبدیل شد به یک پایگاه. بعدازآن هم برای جذب نیرو به مدارس اطراف رفت. در همه این اتفاقات توجهی وجود داشت که محوریت کار با مسجد باشد و مدرسه دخترانه مستقل از مسجد تعریف نشود. بنا نبود تنها مدرسه تشکیل داده شود؛ بلکه هدف اصلی کار تربیتی بود که مرکزیت آن با مسجد باشد. البته

از مدرسه به‌عنوان ابزار استفاده می‌شد. به‌هرحال در سال ۱۳۸۸ دبیرستان دخترانه نیز تأسیس شد و اکنون مشغول فعالیت است.

اینکه واحد خواهران باید برنامه داشته‌باشد موردپذیرش است، ولی اینکه این سیستم را چه کسانی بریزند مسئله‌ای است که هنوز به نتیجه نرسیده‌ایم. درواقع هنوز در حال بررسی هستیم که آیا برادران باید برای خواهران برنامه‌ریزی کنند یا خواهران خودشان. مجموعه سعی دارد این کار را در قسمت خواهران انجام دهد اما به دلایل مختلف اخذ چنین تصمیمی دشوار است.

از یک‌سو پتانسیل برادران خیلی بیشتر از خواهران است؛ از سوی دیگر بنا نیست که برنامه برادران را عیناً کپی کنیم. در این صورت اینکه چه کسی این تطبیق را انجام دهد از مسائل مهمی است که نیاز به‌دقت دارد. کسانی که در فضای برادران فکر می‌کنند نمی‌توانند برای خواهران برنامه بریزند. از جهت سوم برنامه‌ای که اخیراً برای برادران تدوین گردیده نزدیک یک سال و نیم تا دو سال روی آن کار شده و جنبه‌های مختلف آن مورد بررسی قرار گرفته تا به اینجا رسیده است. این در حالی است که گرفتن این وقت از خانم‌ها دشوار است و نمی‌توان از آنان چنین توقعی داشت.

سعی بر این است که تا جایی که ممکن است استقلال واحد خواهران حفظ شود و همه کارهای مرتبط با آنان به خودشان سپرده‌شود. درواقع قسمت خواهران توسط نیروی‌های خودجوش اداره می‌شود و خودشان برای خودشان برنامه‌هایی دارند؛ هرچند که این برنامه‌ها از چارچوب مجموعه نباید خارج باشد. این بدان معناست که علیرغم استقلال نسبی آنان، برنامه‌ها و سیاست‌های آنان باید به تصویب مسئولین مجموعه برسد تا از جهت‌گیری‌های کلان مسجد تخطی نکند.

مثلاً طرح‌هایی مثل شب نگه داشتن خواهران وجود داشته که چون خارج از چارچوب بوده اجرا نشده‌است. البته خواهران اصرار زیادی بر اجرای این برنامه داشتند که بعد از چندین بار مطرح کردن این موضوع که گفتند که می‌خواهیم فلان گروه را شب نگه داریم مجموعه تصمیم گرفت که باید هر مورد در شورا تصویب شود و

رضایت پدر و مادر هم کتباً کسب شود و چرایی این مسئله برای خانواده تبیین بشود.

هر کدام از بخش‌های واحد خواهران توسط شورایی اداره می‌شود. هم حوزه این کمیته را دارد هم مهدکودک و هم مدرسه. درعین‌حال یک شورای کریمه هم وجود دارد که نماینده‌ها و مسئولین این‌ها در آن شورا هستند و به‌صورت هفتگی تشکیل جلسه می‌دهند. درنهایت گزارش این شوراها به مسئول خواهران که از برادران روحانی مجموعه است داده می‌شود. روش ارائه این گزارش‌ها نیز بدین ترتیب است که دفتری وجود دارد که این گزارش‌ها در آن ثبت می‌شود و مسئول خواهران به‌صورت هفتگی آن را مطالعه می‌کند. البته اگر کار جزئی داشته باشند از طریق همسر مسئول خواهران به ایشان اطلاع داده می‌شود. اگر مسائل بین خودشان حل‌نشده باشد یا مثلاً احتیاج به نظر مسئول باشد در آن دفتر بیان می‌شود و پاسخ نیز در همان ثبت می‌شود. بازهم اگر مسئله حل نشد در جلساتی با حضور مسئول خواهران یا حاج‌آقا علوی رتق‌وفتق می‌شود. به‌هرحال مسئول خواهران به‌طور جزئی وارد برنامه‌های آن‌ها نمی‌شود. بیشتر کلیات برنامه‌ها را نظر می‌دهد و در جزئیات هم هر جا خود خواهران بخواهند وارد می‌شود.

مسئله دیگر بحث تأمین مالی مجموعه است. نکته این است که در مورد مسائل مالی و غیرمالی تا وقتی واحد خواهران هنوز قوت نگرفته است، تمام کارهایشان را برادران انجام می‌دهند و البته برادران به‌تدریج عقب می‌کشند تا خواهران بتواند روی پای خودشان بایستند. البته اقتضاء سن مربیان و متربیان واحد خواهران هم پیگیری چنین مسائلی نبود. چون اعضای اولین دوره آن جوان بودند و نمی‌توانستند دنبال کارهای بیرونی باشند؛ مثلاً نمی‌توانستند دنبال جذب بودجه از خیرین و... باشند. درنتیجه خود برادران شروع کردند و کم‌کم کار را به دست خود آن‌ها سپردند و هر چه بیشتر پیش رفت خود خواهران وارد این مرحله تأمین مالی شدند.

همان‌طور که در بخش اصول تربیتی ذیل عنوان «جداسازی» گفته شد، یکی از اصول بسیار مهم مجموعه عدم ارتباط مستقیم

خواهران و برادران است. این اصل حتی در سطح اساتید واحد خواهران هم خود را نشان می‌دهد.

در ابتدای تأسیس واحد خواهران مربیانی که در بخش برادران حضور داشتند - البته در آن زمان آنان جوان‌تر بودند- اجازه تدریس در قسمت خواهران را نداشتند. علت آن این بود که حجۀاۀسلام علوی می‌گفت: «من می‌توانم ارتباط را کنترل کنم ولی شما نمی‌دانید که دارید چکار می‌کنید. مشغول بحث‌های کاری هستید ولی ناگهان می‌بینید که خطا کردید من اگر این کار را می‌کنم من می‌توانم این ارتباط را مدیریت کنم.» درنتیجه تنها کسی که در ابتدای کار کلاس‌های خواهران را اداره می‌کرد خود حاج‌آقا علوی بود. البته پس از مدتی که سن مربیان بالاتر رفت، به برخی از آنان اجازه داده شد ولی بااین‌حال چنانکه گفته شد حتی در کلاس درس هم خواهران صحبت نمی‌کنند و اگر سؤالی باشد به‌صورت مکتوب می‌نویسند. در این صورت همسر آن مربی که در کلاس حضور دارد سؤال را می‌خواند و استاد به آن پاسخ می‌دهد.

۸-۱- هدف

هدف واحد خواهران همان است که در واحد برادران وجود دارد؛ یعنی یک عده‌ای تربیت بشوند و تبدیل شوند به مربی و آن مربی‌ها خودشان کار کنند و گروه تشکیل بدهند و... درواقع هدف آنان نیز تربیت کسانی است که بتوانند مربی‌پروری کنند.

۸-۲- روش تربیتی

از جهت روش، کار خواهران تقریباً همان کاری است که در مجموعه برادران انجام می‌شود. در مدل تربیتی این مسجد روش اصلی این است که هرچه می‌شود وقت متربیان در مسجد صرف شود؛ به‌شرط آن‌که احساس نکند وقتش در حال تلف شدن است. مربی اگر بتواند هر هفت روز متربی را پر کند این کار را انجام می‌دهد. البته همه این وقت را کلاس نمی‌گذارد. از ورزش و بازی و درس، همه‌چیز بهره می‌برد تا متربی مجبور نشود برای برطرف کردن نیازهایش جای دیگر برود. این رویکرد به خاطر آن است که

به‌هرحال، فضای جامعه مسموم است و موجب غفلت و انحراف متربی است. البته این رویکرد به‌طور کامل در مورد خواهرانِ قابل‌اجرا نیست و نمی‌توان آنان را در مسجد نگه داشت. مثلاً نمی‌توان برای آن‌ها اردویی داشت که بخواهند شب بمانند و به همین خاطر تا حالا این کار انجام نشده‌است. تنها اردویی که برای خواهران برگزار می‌شود اردوی سالانه مشهد است که همه اعضای مسجد اعم از خواهران و برادران در آن حضور دارند. البته ازآنجاکه بسیاری از آنان متأهل شده‌اند و همه شوهران آن‌ها عضو مجموعه هستند، قابلیت اینکه برای آنان نیز اردوهایی در نظر گرفته‌شود به وجود آمده و شاید این کار شروع شود. مثلاً در اردوی امیرالمؤمنین سال دوم، یک فضایی برای خانم‌ها در نظر گرفتیم و آنان ۴ شب در اردو شرکت کردند.

۸-۳- نهادهای تربیتی واحد خواهران

انجام کارهای تربیتی نیاز دارد تا در زمینه مناسب خود صورت گیرد. چنانکه گفته‌شد نهادِ محوری در نظام تربیتی واحد برادران مسجد صفا، «مسجد» است. برای کنکاش در مورد اینکه در واحد خواهران این نقش را چه نهادی به عهده می‌گیرد باید انواع این نهادها را بررسی نمود.

۸-۳-۱- مسجد

کار خواهران در مسجد، همواره با مشکلاتی همراه بوده است. لذا با توجه به اینکه از جهت تاریخی نیز شکل‌گیری واحد خواهران ارتباط عمیقی با مسجد نداشت، گرایش استقلال از مسجد در ابتدای کار داشت شکل می‌گرفت. ولی در همان سال‌های اولیه جلو این گرایش را گرفتیم و آن را برگرداندیم به حالت مسجدمحوری. البته این به معنای حضور فیزیکی در مسجد نیست، بلکه منظور از این سخن محوریت ساختاری مجموعه مسجد، در نظام تربیتی واحد خواهران می‌باشد.

در واحد برادران سیاست بر این بود که مدرسه به‌عنوان یک فرع باشد و اگرچه همه متربیان از همان جا جذب می‌شوند و به مسجد

می‌آیند، اما مسجد باید هویت محوری خودش را حفظ کند. واحد خواهران هم همینطور است؛ یعنی واحد «کریمه اهل‌بیت» برای خودش کلاس و برنامه مستقل دارد و محوریت برنامه‌های تربیتی با اوست. البته مدرسه هم هست و مربیان هم در مدارس دیگر نیز کار می‌کنند؛ ولی زمانی که فعالیتشان به ثمر می‌رسد و دانش‌آموزان جذب فعالیت‌ها می‌شوند وارد مسجد می‌شوند و به‌عنوان کریمه ۱ و ۲ و... عضویت می‌یابند.

۸-۳-۲- بسیج

یکی از ویژگی‌های این مسجد این است که در آن، یک کار واحد با عناوین مختلف انجام می‌گیرد. به‌عبارت‌دیگر این مسجد یک نهاد فرهنگی است که تربیت جوانان را وظیفه خود می‌داند. برای انجام این وظیفه گاهی لازم است با نام مدرسه عمل کنیم، گاهی نام کانون فرهنگی را یدک می‌کنیم و زمانی با اسم بسیج و دیگر نهادهای فرهنگی فعالیت می‌کنیم.

این ویژگی در مورد خواهران کمی کمرنگ‌تر از واحد برادران است. به‌عنوان‌مثال، در حدود هفت هشت سالی که واحد خواهران کار خود را آغاز کرده است، هنوز «بسیج» در آن راه‌اندازی نشده است؛ یعنی هیچکدام از این خواهرها نه پرونده‌ای در بسیج دارد و نه عضو آن است. دلیل آن‌هم نوع نگاه مجموعه به زنان است که بر مبنای آن حضور آنان در جامعه باید در حد ضرورت باشد و لازم نیست زنان هم مانند مردان اسلحه به دست گیرند و نقش مردانه ایفا کنند.

۸-۳-۳- مدرسه

پس از جذب دوره اول خواهران و آموزش مستقیم آنان توسط حجۀاسلام علوی، با توجه به هدف مربی‌پروری مجموعه و لزوم جذب نیروهای جدید، متربیان دختر وارد مدارس شدند و به‌عنوان مربی پرورشی و معلم مشغول کار گردیدند. پس از مدتی احساس شد که لازم است مسجد، یک پایگاه برای خودش داشته باشد تا بتواند به‌صورت متمرکز به جذب و تربیت نیرو بپردازد؛ به همین خاطر مدرسه راهنمایی دخترانه‌ای زیر نظر مسجد تأسیس کردیم.

در ابتدای کار اگرچه اکثریت اعضا در مدارس مختلف معلم بودند، ولی به خاطر اینکه همه جوان بودند لازم بود که یک نفر معلم رسمی باشد. مادر یکی از بچه‌ها این خلأ را جبران نمود. درنتیجه ایشان هم مؤسس و هم مدیر مدرسه شد.

این سیر به‌کندی پیش رفت و یکی از دلایل اصلی آن، نبود فضای کافی بود. سه سال اول، مکان مدرسه در یک ساختمان کوچکی بود. حتی در مدرسه راهنمایی هم حیاط مدرسه ۱۰۰ متر بود و ساختمان مدرسه یک ساختمان واقعاً قدیمی بود. این مسئله خیلی‌ها را دفع می‌کرد. خیلی از مشکلات، به خاطر فضای ساختمان بود. تا اینکه محل مدرسه عوض شد و یک جای بزرگ‌تری در همان نزدیکی گرفته‌شده. بااین‌حال اگر قرار بود این روند را برادران طی کنند شاید می‌توانستند سریع‌تر از این‌ها رشد کنند و این تغییرات را که در اینجا طی ۴ سال طول کشید خیلی بهتر و سریع‌تر انجام دهند.

به لطف خدا دبیرستان هم در سال ۱۳۸۹ تأسیس شد. آن مدرسه راهنمایی که سال اول و دوم کار خود را انجام داد پس از سال سوم نتوانست نیروهای خود را حفظ کند و لذا اولین دوره سوم‌ها از دست رفتند. البته در آن هنگام، امکانش نبود ولی سال ۱۳۸۹ که محل مدرسه عوض شد و ساختمان بزرگ‌تری تهیه شد، این ظرفیت به وجود آمد که در همان مکان، هم دبیرستان و هم راهنمایی به‌صورت هم‌زمان دایر شود.

موافقت آموزش‌وپرورش با این کار بسیار سخت بود و تنها لطف خدا بود که این کار صورت گرفت. نتیجه این شد که در سال ۱۳۹۰، دانش آموزان کلاس سوم راهنمایی مدرسه در همان دبیرستان ثبت‌نام کردند. روش کار هم بدین صورت است که صبح‌ها مدرسه راهنمایی و بعدازظهرها دبیرستان برگزار می‌شود.

سؤالی که در اینجا به ذهن می‌رسد این است که چرا در واحد خواهران ابتدا مقطع راهنمایی تأسیس شد و در برادران مقطع دبیرستان.

برای پاسخ به این سؤال چند دلیل را می‌توان ذکر کرد:

اول اینکه شرایط زمانی و امکانات آن دوره ایجاب می‌کرد که برای واحد خواهران از راهنمایی شروع شود و گرنه اگر امکانات کافی وجود داشت باید از مهدکودک آغاز می‌شد. درواقع اگر امکانات باشد راهنمایی پسرانه هم افتتاح می‌شود.

دلیل دوم اینکه به‌هرحال هرچه‌قدر مدرسه تأسیس شود باز متربیان باید به مدارس دیگر برای انجام وظایف تربیتی بروند. همین کافی است تا بگوییم اصل اولیه، کار در یک «مدرسه مستقل» نیست و اساس کار بر مبنای کار در مدارس دیگر طراحی شده است.

سوم اینکه پسرها در دوره قریب به دبیرستان بالغ می‌شوند و دخترها در حدود سنین راهنمایی. با توجه به لزوم توجه به سن بلوغ در مسائل تربیتی، این تفاوت میان مقطع راهنمایی و دبیرستان وجود دارد. اساساً هدف اصلی در این مجموعه تأسیس مدرسه نبوده؛ بلکه مهم تربیت افراد است. لذا سن بلوغ و سن تربیت اهمیت ویژه می‌یابد.

الف) مسائل مالی

چون کار فرهنگی بود از ابتدا بحث‌های مالی منتفی بود و با نگاه مادی و سودآوری و اقتصادی به این کار نگاه نمی‌شد. به همین دلیل مربیان حقوق نمی‌گرفتند و حتی از برخی دانش‌آموزان نیز پولی دریافت نشد. البته بعد از یک سال گفتیم که اگر کسی خواست، می‌تواند پول کرایه ماشین خود را از مدرسه بگیرد. همه پول بچه‌ها خرج تربیت می‌شد و حتی از جای دیگر هم برای این‌کار خرج می‌کردیم. تا جایی که تا سال ۱۳۸۹، ۳۰ میلیون تومان از جیب خرج کردیم. این پول‌ها خرج مواردی مانند اجاره ساختمان و ... می‌شد.

ب) ارزیابی

علیرغم همه مشکلات، درمجموع به نظر می‌رسد این کار به‌طورِ موفق پیش رفت. ازجمله مشکلات این بود که مربیان مدرسه اصلاً معلم نبودند. درست است که کار تربیتی کرده‌بودند ولی تدریس دروس مدرسه برای کسی که تجربه ندارد بسیار دشوار بود. بااین‌حال

تقریباً هیچ معلمی از بیرون مجموعه استخدام نکردیم مگر خیلی به‌ندرت. ولی معدل دانش‌آموزان مدرسه، حتی دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی که امتحان نهایی داشتند، بالا بود. درهرحال این دو سه سال که گذشت ازلحاظ آموزش الحمدلله خوب بود. حالا بحث‌های تربیتی بماند ولی در همان بحث آموزشی که همه معلم‌ها از خودمان بودند و همه جوان بودند حتی گاهی در سطح دیپلمه بودند و دانشجو هم نبودند کارنامه خوبی داشتند. البته سال اول اینگونه نبود ولی کم‌کم به این مرحله رسید.

کادر و معلم و همه‌چیز این مدرسه را خود واحد کریمه تأمین می‌کند و از این نظر هم واقعاً قدم بزرگی بود که خواهران مجموعه توانستند بردارند. اینکه تعدادی دانشجو توانستند تدریس و اداره دبیرستان را به عهده بگیرند کار بزرگی بود.

۸-۳-۴- حوزه علمیه

پس از چند سال از تأسیس واحد خواهران، این فکر مطرح شد که این حوزه و دروس مذهبی که در مسجد خوانده‌می‌شود حالت رسمی به خود بگیرد. این رسمی شدن مشکلاتی داشت؛ به خاطر اینکه مرکز مدیریت حوزه علمیه یک مقدار سرسخت‌تر از آموزش‌وپرورش است. به همین دلیل این روند چند سال طول کشید تا اینکه در سال ۱۳۹۰ قول دادند که این کار انجام بشود. اشکال اصلی آن‌ها هم به خاطر عدم وجود فضای کافی بود. قرار بود در همان ساختمانی که واحد کریمه در آن است حوزه تأسیس شود و در همان مکان مهدکودک نیز فعالیت کند. درنتیجه هنوز هر دو آن‌ها به‌صورت غیررسمی کار می‌کند. البته نمایندگان حوزه علمیه آمدند و مکان را دیدند و با شرایطی قبول کردند که مجوز تأسیس حوزه را بدهند؛ مثل‌اینکه فضاهایی که مدنظر است مانند کتابخانه، سالن مطالعه و... تأمین شود. اکنون نیز در حال طی روال اداری است.

هدف اولیه از تأسیس حوزه علمیه این بود که برنامه‌های آموزشی واحد خواهران سروسامانی بیابد؛ اما پس از مدتی که گذشت به این نتیجه رسیدیم که در ضمن اینکه این کار انجام

می‌شود، حوزه علمیه خواهران یک مرکز جذب هم باشد؛ مرکز جذب طلبه، خواه دانشجو باشند یا طلبه.

علاوه بر تأسیس حوزه علمیه، ما در مجموعه از همان ابتدای تأسیس، فعالیت‌هایی درزمینهٔ عقاید و احکام خواهران داشتیم. پس از مدتی تصمیم گرفتیم که این‌ها به‌صورت مدون ارائه شود و سازمانی پیدا کند؛ لذا ایده تشکیل حوزه علمیه خواهران به وجود آمد. درنتیجه این کلاس‌ها و گروه‌ها در قالب حوزه ادامه فعالیت دادند.

الف) برنامه

برنامه‌های اصلی حوزه همان برنامه‌های رسمی حوزه‌های علمیه است. از ادبیات شروع می‌کنند تا بقیه دروس. البته در حاشیه این دروس، به‌غیراز بحث‌های رسمی حوزوی موضوعات دیگری نیز گنجانده شد که احکام‌النساء و زنان‌نمونه از آن جمله است. در احکام‌النساء بیشتر مسائل مربوط به عفاف خواهران و... مطرح می‌شود. این مباحث درواقع موضوعات مورد نظر مجموعه بود که در قالب این کلاس‌ها به برنامه‌ها تزریق می‌شد.

۸-۳-۵- مهدکودک

یکی از کارهایی که واحد خواهران انجام می‌دهد اداره مهدکودک است که البته رسمی نیست. نوع کار مهدکودک به‌این‌ترتیب آغاز شد که کسانی که به مجموعه آمدند فرزندانشان را آوردند و از سوی دیگر بچه‌هایی که به مهدکودک آمدند هم بعداً اولیائشان را وارد مجموعه کردند.

خواهران مجموعه چند سال است که زحمت می‌کشند و در این زمینه کارهای خیلی خوبی انجام داده‌اند. البته از اینطرف و آنطرف گلچین کردند مانند حفظ قرآن و برنامه‌های ورزشی و یک سری برنامه‌های گلچین شده دیگر. یک سری کارهای تحقیقاتی هم در زمینه مهدکودک انجام دادند تا مدیریت صحیحی از نظر علمی اعمال نمایند.

درگذشته یک ساختمان چندطبقه وجود داشت که همه کارهای خواهران در زیرزمین آن ساختمان صورت می‌گرفت. مهدکودک هم

همان جا بود. این در صورتی است که مهدکودک اقتضائات خودش را دارد و باید بزرگ باشد. این مسائل به اضافه سن کم مربیان باعث می‌شد که سرعتمان کم بشود.

الآن خروجی‌های مهدکودک وارد مدرسه ابتدایی «ابرار» می‌شوند. اولین گروه از بچه‌های مهد، در سال ۱۳۹۰، وارد مدرسه راهنمایی خود مجموعه شدند. کاری که از کودکی آن‌ها انجام شد یک سامانی به این‌ها داد و یک ارتباطی ایجاد کرد که با اینکه در مقطع ابتدایی در مدرسه دیگری بودند، در دوره راهنمایی همدیگر را پیدا کردند و در مسجد جمع شدند.

۸-۴- اصول تربیتی

علاوه بر اصولی که به‌طورکلی در مورد مسائل تربیتی در بخش‌های گذشته گفته شد اصولی نیز در واحد خواهران وجود دارد که در زیر به آن اشاره می‌شود.

الف) جداسازی

از اصول تربیتی بخش خواهران این است که مسائل ارزشی دینی در مورد خواهران حفظ شود. مثلاً از جهت ارتباط با برادران، نباید هیچ برخوردی میان آنان به‌وجود آید. به‌عنوان‌مثال حتی ارتباط مسئول واحد خواهران که مرد است از طریق همسرش که در آنجا عضو است صورت می‌گیرد. حتی با مدیر مدرسه که یک خانم ۴۵-۵۰ ساله است و یا با دیگر افراد که در گروه‌ها فعالیت می‌کنند اصلاً ارتباط ندارد.

ب) عدم اشتغال

از جهت فکری مجموعه قبول نمی‌کند که دختران در خارج از خانه شاغل باشند. حتی دانشگاه رفتن آنان نیز موردقبول مجموعه نیست. این ازآن‌روست که در این مجموعه نسبت به دانشگاه رفتن دختران تمایلی وجود ندارد و این ساختار موجب سامان دادن برنامه‌های خواهران که نمی‌خواهند دانشگاه بروند می‌شود.

مجموعه با خود دانشگاه مخالف نیست اما با توجه به وضعیت فرهنگی موجود در دانشگاه‌ها این نگاه هست که ضرورتی ندارد که

دانشگاه بروند؛ یعنی به دلیل شدت تأکید بر روی بحث حجاب و عفاف این فکر در اینجا هست که حتی اگر شده دانشگاه نروند ولی عفت خود را حفظ نمایند. البته تعداد زیادی از نیروهای واحد خواهران دانشجو هستند و معلمان دبیرستان را هم آن‌ها تأمین می‌کنند ولی چندان رغبت و تشویقی به دانشگاه و دانشجو شدن دختران وجود ندارد. در چنین فضایی حوزه می‌تواند جایگزینی مناسب باشد. حوزه با این هدف تشکیل شد. ازآنجاکه حوزه علمیه رسمیت نداشت تا وقتی‌که بچه‌ها دبیرستانی بودند در برنامه‌های حوزه شرکت داشتند. بعدازاینکه دبیرستانشان تمام می‌شد خانواده‌ها می‌خواستند بدانند برنامه فرزندانشان چیست و اگر دانشگاه نمی‌خواهند بروند چکار می‌خواهند بکنند؟ ازآنجاکه حوزه رسمی نبود مجبور می‌شدند که بروند دانشگاه. به‌عبارت‌دیگر چون حوزه رسمیت نداشت مانند کار مسجد یا کار هیئت می‌افتاد برای اوقات دست‌دوم؛ یعنی بعدازظهرها یا پنج‌شنبه و جمعه‌ها به آن می‌پرداختند و این باعث می‌شد که رشدش کم باشد.

برای رسمی شدن حوزه نیز شرایطی وجود داشت؛ ازجمله این‌که اساتیدش همه باید معمم باشند یا اگر از خانم‌هاست باید از جامعة الزهرا باشد.

روش اداره کلاس به‌این‌ترتیب است که درصورتی‌که مدرس کلاس، از برادران باشد علاوه بر این‌که باید معمم باشد، علیرغم اینکه کلاس‌ها رودررو است اما سؤالات، شفاهی نیست و به‌صورت کتبی می‌پرسند.

۸-۵- اصول تشکیلاتی

الف) تعداد اعضاگروه

تعداد اعضای گروه‌ها در واحد خواهران به اندازه برادران نیست. گروه‌های واحد خواهران ۲۰ تا ۲۵ نفره است درحالی‌که برادران ۳۰ تا ۵۰ نفر می‌باشند. این به خاطر آن است که کلاس‌های مدرسه دخترانه ۲۰ نفره است و اکثر جذب نیروهای واحد خواهران از مدرسه

صورت می‌گیرد. البته امسال در مدرسه تغییری ایجاد شده و تعداد کلاس‌های آن ۲۲ تا ۲۳ نفره گردیده است.

ب) واحدهای کاری

جلسات گروهی واحد خواهران متناسب با اقتضائات سنی برگزار می‌شود. معمولاً دختران بعدازاینکه از سن دبیرستان عبور می‌کنند وارد واحدهای کاری می‌شوند. این واحدهای کاری چند شکل دارد: یکی از آنان معلمی در دبیرستان است و انواع دیگر عبارت‌اند از: گروه مربیان برای تشکیل گروه‌های جدید و کار در مهدکودک و حوزه علمیه و... .

ج) هر کار دو مسئول

یکی از اصولی که در بخش خواهران مطرح است این است که در این بخش هر کاری باید بیش از یک مسئول داشته‌باشد. این بدان دلیل است که ممکن است مسائل زندگی، از صرف زیاد وقت برای کار موردنظر، جلوگیری نماید. به‌عنوان‌مثال احتمال دارد بچه‌دار شود یا شوهرش اجازه ندهد و... درنتیجه حتی‌الامکان دو نفر مسئول یک کار باید باشند که اگر این مشکلات باعث شد شخص نتواند وظیفه خود را انجام دهد، دیگری جبران نماید. البته یک نفر می‌تواند مسئولیت‌های متعدد داشته‌باشد و دو کار یا سه کار را همزمان انجام دهد ولی هر کاری دو مسئول باید داشته‌باشد.

د) ممنوعیت مسئولیت مجردها

از اصول دیگر اینکه شرایط سنی آنان در نوع کارشان مؤثر است. مثلاً به مجردها به‌هیچ‌وجه مسئولیت داده نمی‌شود تا اشتغال در مجموعه باعث تأخیر در ازدواج نشود. حتی کسی که تازه ازدواج کرده نیز حرف شوهرش، خانه‌داری و بچه‌داری برای او اولویت دارد. به‌عبارت‌دیگر اصل این است که خانم مجرد به کار گرفته نشود تا اگر موقعیت ازدواج فراهم شد به‌واسطه مشغولیت از آن امتناع نکند هرچند استثناء هم وجود دارد.

ه) احتیاط

از اصول دیگر در بحث خواهران این است که اگر کاری انجام نشود بهتر از این است که کار اشتباهی انجام بشود. لذا در بخش خواهران، کارها بااحتیاط بیشتر و سرعت کم‌تری انجام می‌شود.

و) استفاده از فضای رسمی

در بخش خواهران سیاست بر این است که از فضاهای رسمی که برای آنان وجود دارد استفاده شود. به‌عبارت‌دیگر سعی می‌شود کارها بیشتر در قالب‌های دیگری علاوه بر مسجد اتفاق بیفتد. مثلاً بچه‌های راهنمایی باید صبح تا غروب به بهانه مدرسه با هم باشند و... .

۸-۶- ساختار

اداره واحد خواهران زیر نظر برادران اتفاق می‌افتد. روش مدیریت آن و نسبت بخش‌های گوناگون با یکدیگر به شرح زیر است.

۸-۶-۱- مسئول

ازآنجاکه واحد خواهران یکی از بخش‌های مسجد است و زیر نظر آن کار می‌کند، از جهت ساختاری نیز مسئول واحد خواهران از میان مسئولین اصلی مسجد که از قسمت برادران است انتخاب می‌شود. البته غیرازاین ضرورت، نوع نگاه مجموعه به زنان نیز این سیاست را تأیید می‌کند. به‌عبارت‌دیگر از این نگاه «مدیریت»، با روحیات و خلقت مردان سازگارتر است و زنان تبعیت‌پذیرتر از مردان می‌باشند. نتیجه این‌که مسئول واحد خواهران باید از واحد برادران باشد.

شرط دیگری که برای مسئول قسمت خواهران وجود دارد این است که باید روحانی و معمم باشد. دیگر این‌که بنا نیست که یک روحانی معمم جوان این ارتباط مدیریتی را برقرار کند.

چهارمین شرط این است که همسر مسئول خواهران باید در واحد خواهران فعالیت داشته‌باشد. این به خاطر آن است که اگرچه ارتباط میان خواهران حتی با مسئول آنان به‌صورت رودررو صورت نمی‌گیرد، ولی اگر در شرایطی این ارتباط لازم شد، مشکلی پیش

نیاید. به‌عنوان‌مثال اگر احیاناً معاون آموزشی یا معاون پرورشی خواهران بخواهند با مسئول خواهران جلسه داشته‌باشند فقط حضور دارند و حتی اگر سؤالی داشته باشند از طریق همسر مسئول خواهران یا مدیر مدرسه که خانمی مسن‌تر است انجام می‌شود. همین جلسات هم به‌ندرت تشکیل می‌شود.

۸-۶-۲- شورا

چنانکه پیش‌ازاین ذکر شد، واحد خواهران بخش‌های مختلفی دارد. هرکدام از این قسمت‌ها مسئولی دارد که درمجموع شورایی را تشکیل می‌دهند. به‌عبارت‌دیگر مهدکودک مسئول دارد، حوزه مسئول دارد، مدرسه مسئول دارد و خود واحد کریمه اهل‌بیت نیز مسئول دارد. همه این‌ها زیر نظر شورا کار می‌کنند و شورا هم یک مسئول دارد. تصمیم‌گیری‌های مربوط به بخش خواهران با این شوراست.

نکته‌ای که قابل‌توجه این‌است‌که اگرچه گفته شد همسر مسئول خواهران باید در آنجا فعال باشد ولی این بدان معنا نیست که او باید مسئول شورا یا بخش‌های دیگر باشد. درواقع ازآنجاکه ارتباط میان مسئول و شورا نزدیک نیست، لازم نیست حتماً همسر مسئول خواهران جزء مسئولین باشد. البته او نقش رابط را بازی می‌کند و اگر کاری داشته باشند توسط همسر مسئول خواهران به ایشان منتقل می‌شود. اگر احتیاج به جلسه هم باشد زمانی که جلسه برگزار می‌شود حضور می‌یابد.

ارتباط مسئول خواهران با آنان غیر از طریق همسر خود و جلساتی که در فوق توضیح داده شد، غالباً از طریق گزارش‌های کتبی و اظهارنظرهای مکتوب است. به‌عبارت‌دیگر خواهران گزارش کارهای خود و صورت‌جلسات خود را به‌صورت مکتوب به دست ایشان می‌رسانند و ایشان نیز از طریق اظهارنظر در گزارش‌ها یا نامه‌های مستقل، مطالب موردنظر خود را بیان می‌کند.

۸-۶-۳- مرکز مطالعات

واحد کریمه اهل‌بیت یک مرکز مطالعات دارد که وظیفه بررسی روند کار را به عهده دارد. از رفتار افراد گرفته تا خود اعضا و برنامه‌ها و... که به‌صورت نسبتاً دقیق این کار را انجام می‌دهد.

گروه دیگری که در این واحد وجود دارد گروه طرح جامع آموزشی است که به برنامه‌های آموزشی مجموعه می‌پردازد.

یک مرکز مطالعات دیگر نیز کلیت مجموعه را از اصول و فروع و این‌ها بررسی می‌کند البته در کنار همه این‌ها، بنابراین است که در واحد برادران هم یک نگاه جامعی به بحث خواهران وجود داشته باشد.

۸-۷- برنامه‌ها

از مسائل بسیار مهم این است که نسبت برنامه‌های واحد برادران با خواهران چگونه است؟ ازآنجاکه برنامه‌های واحد خواهران عیناً کپی‌برداری از برادران است، کار به مشکلات زیادی برمی‌خورد. البته این کپی قطعاً متناسب با شرایط خواهران بومی‌سازی می‌شود؛ ولی همین‌که به‌طور مستقل برای آنان برنامه‌ریزی نمی‌شود دشواری‌هایی را سبب می‌شود. مثلاً در بخش برادران اصل تربیت بر مبنای حضور و با هم بودن است و این‌که مربی شب و روز با متربی برخورد دارد ولی این امکان برای خواهران وجود ندارد؛ یعنی چیزی که برادران تجربه‌اش را دارند که تقریباً بیشتر از پنجاه‌درصد کار تربیتی آنان روی این برخوردهای دائم بچه‌ها با افرادی که یک مدتی اینجا تربیت شده‌اند است در قسمت خواهران قابل‌اجرا نیست. مثال دیگر اینکه تغییراتی که اکنون در واحد برادران در حال شکل‌گیری است پس از این‌که در آنجا اجرایی شد، به قسمت خواهران راه پیدا می‌کند تا اجرایی شود.

در این قسمت نیز مانند بخش برنامه واحد برادران به دلیل کثرت و تنوع آن بخش، از ذکر همه آن‌ها معذوریم و تنها به چند برنامه که فضاهای متفاوتی دارند جهت آشنایی با تنوع کار بسنده می‌کنیم.

۸-۷-۱- برنامه‌های عمومی

واحد خواهران اینجا یک سری برنامه‌های عمومی دارد که افراد عادی، خانواده‌ها، مرتبطین با مجموعه خواهرها، خانم‌ها، اقوام و مادرهای بچه‌ها می‌توانند استفاده کنند. این برنامه‌ها عبارت‌اند از مراسمات، جشن‌ها، عزاداری‌ها و ... که تحت پوشش واحد کریمه است.

۸-۷-۲- برنامه‌های آموزشی

گروه دیگر از برنامه‌ها، برنامه‌هایِ خاص است که برای فعالان این مجموعه است. این برنامه‌ها معمولاً به‌صورت کلاس برگزار می‌شود که و مدرس آن حجۀاۀسلام علوی است. البته مدتی است که غیر از ایشان برخی دیگر از پیشکسوتان مجموعه نیز به تدریس در این کلاس‌ها مشغول شده‌اند.

۸-۷-۳- برنامه‌های تربیتی

تقریباً همان برنامه‌هایی که در واحد برادران مسجد صفا برگزار می‌شود، در بخش خواهران نیز وجود دارد. برنامه‌هایی مانند جلسات گروهی و جلسات عمومی خواهران که خودشان برگزار می‌کنند از این دسته‌اند.

مثال دیگر این برنامه‌ها ورزش است که در واحد خواهران از سوی مربی تربیتی دنبال می‌شود. درواقع برای این‌کار از فضای مدرسه بیرون می‌آیند و یک سالن ورزشی کرایه می‌کنند و یکی از خودشان که مربی ورزش است آنان را تمرین می‌دهد البته این کار با یک نگاه تربیتی انجام می‌شود.

۸-۷-۴- برنامه‌های مدرسه

یکی از برنامه‌هایی که در مدرسه دخترانه انجام می‌شود برنامه زنان نمونه است. طی این برنامه دانش‌آموزان دو روز در هفته را بعد از ناهار تا غروب در مدرسه با مربی سپری می‌کنند و علاوه بر نوشتن تکالیف مدرسه برنامه‌های دیگری دارند. این کار از سال ۱۳۹۰ به بعد، به روشی دیگر اجرا می‌شود. روش جدید این برنامه این است که کارهای آموزشی بعدازظهرها، در برنامه آموزشی مدرسه

ادغام شده و یک روز صبح تا بعدازظهر (مثلاً پنجشنبه‌ها) اردو برگزار می‌شود.

۸-۸- مسائل زنان

اگرچه کار تربیتی در مورد زنان و مردان نقاط مشترک فراوان دارد، ولی تفاوت‌های میان زن و مرد تفاوت‌هایی را در روش‌ها و برنامه‌های تربیتی آنان ایجاد می‌کند. در این قسمت به مسائلی که به خاطر ویژگی‌های زنان، توجه خاصی را در نظام تربیتی طلب می‌کند اشاره می‌شود.

۸-۸-۱- شأن خانوادگی

وظیفه اصلی زنان ایفای نقش آنان در خانواده است. به همین دلیل نمی‌توان از آنان به همان اندازه که از برادران انتظار داریم وقت بگیریم. این به خاطر آن است که آن‌ها باید در عین اینکه شئونات دیگرشان مثل خواهر بودن، دختربودن، مادر بودن و ... را حفظ می‌کنند، کار فرهنگی نیز انجام دهند. درنتیجه کیفیت و سرعت و قدرت کار تحت شعاع قرار می‌گیرد و حرکت، با کندی فراوان انجام می‌شود.

۸-۸-۲- حضور در مسجد

ازآنجاکه مسجد در اختیار برادران است و خواهران نمی‌توانند از آن استفاده نمایند، همان محوریتی که مسجد برای برادران دارد، ساختمان کریمه اهل‌بیت که در مجاورت مسجد قرار دارد و برای مسجد خریداری شده برای خواهران، ایفا می‌کند. درواقع مرکز همه فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و همه‌چیز، کریمه است و مدرسه یا مهد یا حوزه نمی‌توانند محور باشند. درعین‌حال کارها در مسجد نیز صورت نمی‌گیرد.

۸-۸-۳- آفات اخلاقی

در مورد مسائل اخلاقی ویژه‌ای که بانوان به‌طور خاص با آن‌ها در ارتباط‌اند حجۀاسلام علوی جلسات متعدد برای خانم‌ها درباره مباحثی مانند (حسادت و ...) گذاشته و سخنرانی نموده است. دیگر اساتید نیز از این مسئله فارغ نیستند و به‌شدت روی آن

کار شده است. حداقل این است که خواهران با زیروبم این مسئله آشنا هستند و هرچند که نمی‌توان ادعا نمود در مجموعه خواهران چنین چیزهایی وجود ندارد ولی این فضا هست که با دیدن آثار چنین رفتارهایی از سوی آنان، همهٔ اعضا عکس‌العمل منفی نشان می‌دهند.

۸-۸-۴- پوشش و آرایش

نکته‌ای که در مورد خواهران، معمولاً موجب آفت می‌شود نحوه پوشش و آرایش است. برای پیشگیری از این مسئله، در اینجا هم مربیان خواهران به این مسئله توجه دارند و هم در مجموعه به‌صورت جدی دنبال می‌شود که به‌هیچ‌وجه اجازه آرایش و آراستن به خانم‌ها داده نمی‌شود؛ یعنی این سیاست دنبال می‌شود که نگاه آنان به لباس، لباس کار باشد نه مایه زینت و تفاخر. حتی وقتی برای مراسمات مجموعه می‌آیند، مسجد را به‌عنوان یک فضای تربیتی و کاری ببینند و روی این مسئله هم صحبت شده است و هم حساسیت وجود دارد و اجازه داده نمی‌شود که رویکرد چشم و هم‌چشمی شکل بگیرد و مسائل خانم‌ها و حرف‌وحدیث‌های زنانه دنبال شود.

۸-۸-۵- مسائل عاطفی

همانطور که درگذشته بیان شد یکی از ارکان این مدل تربیتی ارادت و محبت است. با توجه به اینکه این پدیده در مورد خواهران به دلیل روحیه عاطفی آنان بیشتر است، در این قسمت نیز مجدداً به آن خواهیم پرداخت. در زیر این پدیده طی دو قسمت مورد بررسی قرار گرفته است.

الف) ارتباط با حجت الاسلام علوی

در مورد مسائل عاطفی و احساسی و اینکه این پدیده در ارتباط آنان با حجةالاسلام علوی چگونه است باید گفت حاج‌آقا در برخوردش خیلی ظریف‌تر و زرنگ‌تر از این است که مشکلی پیش آید. ایشان در عین اینکه در بحث ارتباط با خدا و مسائل غیرمادی قوی است، به چنین مسائلی توجه خاص دارد. به‌طور مثال برخی

موارد موضوع سخنرانی ایشان در جلسات شب جمعه مسجد شرح رساله لقاءالله بود یا شیطان شناسی بود که خیلی فضای عرفانی و اخلاقی بالا گرفته بود. شب‌های ماه رمضان خانم‌ها هم بودند. در چنین شرایطی که جو از نظر معنوی خیلی داغ بود یکی دو نفر از خانم‌ها بعد از جلسه آمدند و درخواست استخاره کردند یا یک چیز دیگر که اصلاً به نظر مسئولین مجموعه نمی‌آمد که چنین مشکلی به‌وجود آمده‌باشد. ایشان استخاره را رد کرده بود و بعداً به مسئولین مجموعه گفت که حواستان باشد که اتفاقی در حال شکل گرفتن است. سپس ایشان مسئله را باز کرد و ما متوجه شد که اینهمه امکان استخاره برای این‌ها هست، پدر خود حاج‌آقا علوی (پیش‌نماز مسجد) هست و دیگران هستند این‌که شخص می‌آید بعد از جلسه استخاره می‌گیرد نشان‌دهنده آفت احتمالی است.

حاج‌آقا علوی حتی در میان برادران هم که خیلی خودمانی حضور دارد و طوری رفتار می‌کنند که یک حالت طبقه‌بندی دارد؛ یعنی هرکسی یک سقفی برای ارتباط خودش احساس می‌کند. هرکسی نمی‌تواند خیلی به ایشان نزدیک شود. البته حرف‌هایش را می‌تواند بزند اما نزدیکی به ایشان چیز دیگری است که پیچ آن دست ایشان است. درواقع ایشان است که صلاح می‌داند به کسی نزدیک شود یا نه و ارتباط زیاد متربیان موجب نزدیکی آنان با حاج‌آقا نمی‌شود.

ب) رفاقت کاذب

آفت دیگر که در مورد ارتباط خواهران باهم وجود دارد و البته منحصر به خواهران هم نیست بلکه در برادران نیز وجود دارد، موضوع و بحثی است به نام «رفاقت‌های کاذب». دوستی‌هایی که هیچ محتوایی ندارد. در زیر به بررسی این پدیده می‌پردازیم.

اگر از هرکدام از بچه‌های مجموعه بپرسید که رفاقت کاذب چیست این اصطلاح را شنیده است. البته شاید دانش‌آموزان سال اول و دوم نشنیده‌باشند ولی سوم‌ها و چهارم‌ها حتماً شنیده‌اند. از ابتدای تأسیس این مجموعه که کمتر از ۲۰ نفر بودند، حاج‌آقا روی این مسئله دست گذاشت که یک سری رفاقت‌ها رفاقت کاذب

است. در بخش خواهران نیز هرچند به‌ندرت مواردی به وقوع پیوسته است، ولی موضوع ناآشنایی برای آنان نیست. در این مسجد، با این پدیده برخورد به شکل‌های مختلف و در سطوح گوناگون صورت گرفته.

علائم و نشانه‌ها

ازجمله نشانه‌های رفاقت کاذب این است که دوستی‌ها، انحصارطلبانه است و اینکه دو نفر می‌خواهند با هم تنها باشند و از داشتن روابط دوستانه دوستشان با دیگران ناراحت می‌شوند.

نشانه دیگر این است که در دوستی‌های حقیقی، حرارتی در دست و سر و سینه انسان پدید می‌آید که دستورهای اسلامی مبنی بر مصافحه و معانقه برای ارضای این حالت در انسان است. ولی اگر این خون به‌طرف پایین حرکت کرد علاقه شهوانی و آلوده است.

جالب این است که بااینکه حالت‌های عاطفی میان زنان بیشتر از مردان است ولی در قسمت خواهران پدیده رفاقت کاذب خیلی کم پیش آمده است. شاید به خاطر این است که آنان در چنین فضایی که بخواهند چنین دوستی‌هایی را داشته باشند و دائماً در آن حضور داشته‌باشند نیستند و مثلاً هفته‌ای یک یا دو جلسه می‌آیند و تنها به کارها می‌رسند.

راه‌حل

ما در مجموعه خودمان مسئله رفاقت‌های کاذب را «ایدز مسائل تربیتی» می‌دانیم؛ یعنی چیزی که هیچ درمانی ندارد و روی همین حساب هم سعی می‌کنیم که پرهیز و پیشگیری را دنبال کنیم. بااین‌حال اگر دو نفر علیرغم پرهیز و پیشگیری، به آن مبتلا شدند، تنها راه رهایی از آن این است که باید هیچ کاری با هم نداشته باشند و تمام روابطشان را باهم قطع کنند.

در هر دوره یکی دو نفر از برادران، گرفتار این پدیده شده‌اند. این در حالی است که حاج‌آقا تمام مباحث مربوط به این مسئله را باز کردند و تقبیح نموده‌اند. تقریباً حاج‌آقا برای هیچ موضوعی به‌تندی این موضوع برخورد نکرده است و معتقد است که این مسئله راه‌حلی

ندارد. البته مواردی بوده که از هم جدا شدند و پس از مدتی به حالت عادی برگشتند اما مواردی هم بودند که جزو بهترین‌ها بودند و بعدازاین قضیه به‌کلی دور شدند.